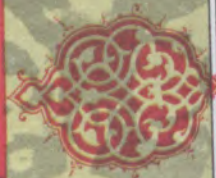
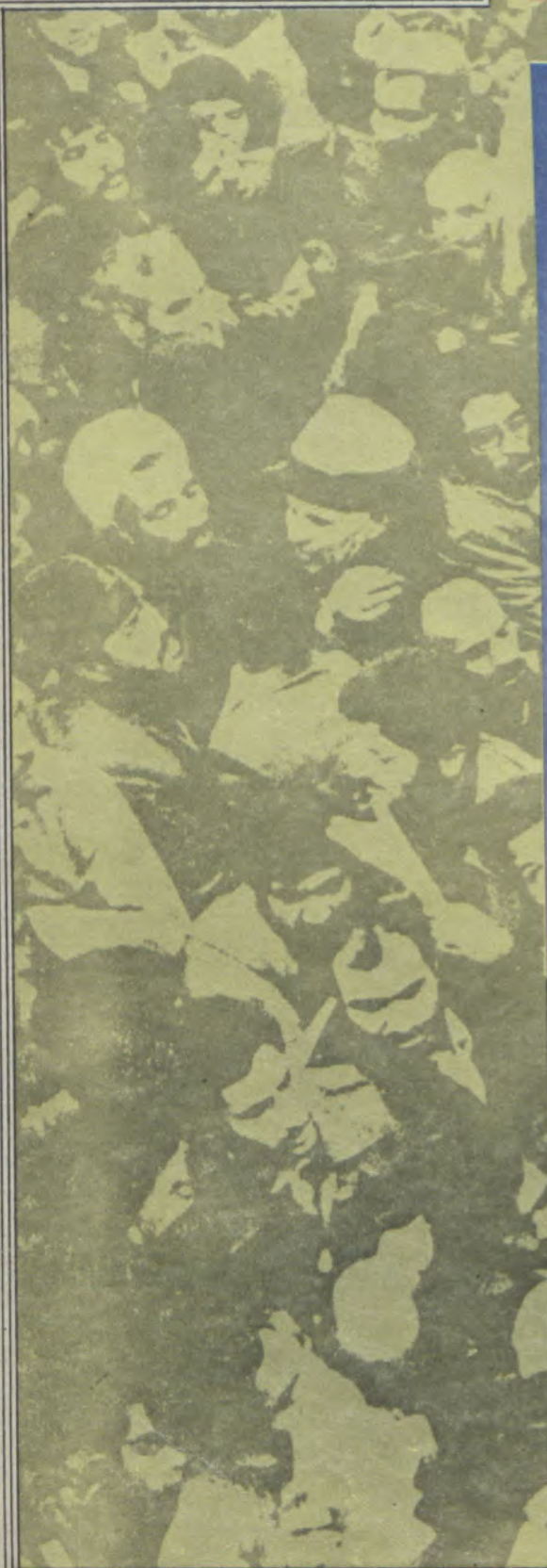


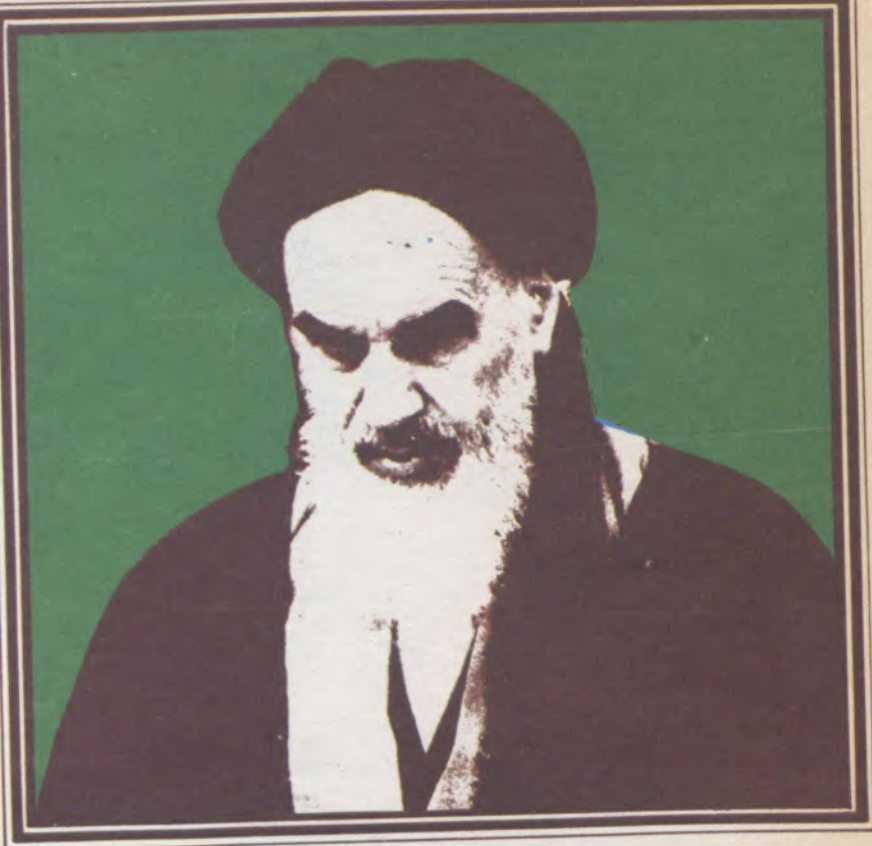
باسلاح شهادت
پیش
بسوی قدس

ماهنامه
پاسدان اسلام
زیر نظر جمعی از اساتید حوزه علمیه قم
شماره ۱۳۶۱



دفتر تبلیغات اسلامی قم





ما می‌خواهیم

ثابت استوار از آغاز تا کنون

هدف و وظیفه

من مصمم هستم از پای ننشینم تا دستگاه فاسد را به جای خود بنشانم و یادربیشگاه مقدس حق تعالی با عذر وفود کنم.

(دیحجه ۱۳۸۲ هـ)

من به خواست خدا احکام را در هر موقع مناسبی بیان خواهم کرد و تا قلم در دست دارم مخالف مصالح کشور را بر ملا می‌کنم .

(فروردین ۴۲)

ما سکوت را در مقابل خطرهایی که برای اسلام و استقلال کشور پیش بینی میشود جرم می‌دانیم ، گناه بزرگ می‌دانیم ، استقبال از مرگ سیاه می‌دانیم . پیشوای بزرگ ما حضرت امیر المؤمنین (ع) سکوت را در مقابل ستمگاری‌ها جایز نمیدانست ما نیز جایز نمیدانیم . (۱۵ خرداد ۴۳)

ما موظفیم از هم اکنون برای شالوده - ریزی یک دولت حقه اسلامی کوشش کنیم ، تولید مثل کنیم ، تبلیغ کنیم تا آنجا که موج پیدا کند و موجها پدید آید و کم کم امتی آگاه و وظیفه شناس بوجود آید ، تا اینکه یک نفر "آدم" پیدا شود ، قیام کند ، و حکومت اسلامی تشکیل شود .

(حکومت اسلامی - درس پنجم - نجف)

بر همه اقشار ملت تکلیف الهی و وجدانی است که با اتحاد کلمه بدون هر اسباب زقدرتها و ابرقدرتها هدف اسلامی خود را تعقیب . . . و با قاطعیت و جدیت به سوی هدف پیش روند که وعده خداوند به مستضعفین نزدیک است و کشتن و گشته شدن در راه خدا سر - افزای است . (۱۶ آبان ۵۷ پاریس)
الآن همه ما باید از اسلام پاسداری کنیم
(۵۸ / ۴ / ۱۱)

باید حالا هم همان نهضت را با همان رمز با همان کلید پیروزی که همه با هم بودید و همه هم اسلام را می‌خواستید ، باید این را حفظش کنید . اگر این حفظ شد شما را تا آخر نقطه پیروزی میرساند .

(۵۸ / ۴ / ۱۲)

ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان را از ابرقدرتها فاصله گرفتند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند این در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها پیدا بشود . آرزوی ما این است . (۵۹ / ۷ / ۲۸)
راه ما آن روز تمام میشود که همه احکام اسلام جاری شود . (۶۰ / ۹ / ۱۹)
وظیفه دینی و ملی ما و شما است که تبلیغات بوقهای آمریکائی و صهیونیستی را خنثی کنیم . (۶۰ / ۸ / ۱۳)

بسم الله الرحمن الرحيم این است راه قدس ...

رسالت انقلاب اسلامی - به مقتضای قوانین استوار و جهانشمول آسمانی اسلام - آزادسازی همه نژادها است آزادی انسانها در هر جا و در هر زمان، از تمام زنجیرهای بردگی در پرتو بندگی «الله» خالق هستی.

اسلام و انقلاب نشأت گرفته از آن، در راه نجات انسانها همه مرزهای ساختگی و پوچ را درهم نوردیده و تنها مرز بین حق و باطل را به رسمیت می شناسد و بر سر همین مرز است که با تمام توان، ارتش و سپاه خود را بسیج کرده تا بر باطل فرو کوبد و آن را نابود کند.

انقلاب اسلامی، فرقی بین انواع باطل قائل نبوده و برای اولین بار در تاریخ انقلابهای جهان به دور از هر دو اردوگاه شرق و غرب در مقابل هر دو قدرت حاکم بر جهان مقاومت و استوار ایستاده و در راه انهدام و نابودی باطل و کفر و ستم در همه چهره هایش - از امپریالیسم تا کمونیسم و از صهیونیسم تا همه عواملش و جایگزین کردن حکومت «الله» بر همه صحنه گیتی پیرومندان و پسر خروش به پیش میتازد و بهمین جهت است که تمام حق جوین جهان از جنوب لبنان، فلسطین اشغالی، مصر و ... تا اعماق افریقا و اقصی نقاط امریکا لایتین به این انقلاب چشم امید دوخته اند و باطل در تمام شکلها و شیوه هایش از کرد و کلان و در همه جای جهان برای نابودی آن به صورت جبهه متحد درآمده است. جنگی که بنام عراق به سردمداری صدام بر جمهوری اسلامی، تحمیل شده نموداری از این اتحاد جبهه جهانی باطل و کفر به رهبری امریکا علیه اسلام بوده که با ناکامی در آن خود را در سراشیبی نابودی دیدند و برای نجات خود به ترندهای دیگری مانند صلح تحمیلی و کودتا و ... دست یازیدند که باز هم تیرشان به سنگ خورد، جنگ به اوج خود رسید، خرمشهر آزاد شد ... و پسرده تسلیفات دروغین دریده شده و ناگهان افکار عمومی جهان و منطقه، تحت تاثیر پیروزیهای شگفت انگیز اسلام منقلب گردید و در اینجا بود که دیگر بار مصالح جهانخواران به ویژه امریکا با صهیونیسم جنایتکار به سختی گره خورد و با چند هدف عمده از جمله:

۱- نابودی و انهدام قدرت فلسطینیها ۲- انتقام از مسلمانان و شیعیان لبنان به عنوان جزئی از انقلاب اسلامی ۳- برداشتن گامی دیگر در جهت تشکیل اسرائیل بزرگ!! ۴- منصرف کردن افکار عمومی از شکست مفتضحانه بعث صهیونیست در خرمشهر ۵- کشاندن افکار عمومی امت مسلمان ایران و همچنین رزمندگان اسلام به لبنان ۶- و سرانجام به منظور رهایی صدام و همه مزدورانی که همراه با صدام بدنبال شکست در جنگ با ایران در سرازیری سقوط قرار گرفته اند و ... اسرائیل متجاوز حمله وسیع خود را به خاک لبنان آغاز کرد، حملهای که اوج درنده خوئی صهیونیسم و یگانگی مطلق امریکا و دیگر امپریالیستهای خونخوار را با اسرائیل نشان داد و از چهره نفاق پرده برداشت و رژیمهای مزدور کشورهای عربی که رفیق دزد و شریک قافله بسودند را به خوبی رسوا ساخت. سکوتها، بی تفاوتیها رفت و آمدها تماسها و تلاشها برای پذیرفتن وضع موجود یعنی پذیرفتن آتش بس صهیونیستها و قبول آن از سوی برخی جناحها و صدها رویداد دیگر در این رابطه همه چهره ها و صفتها را برای ملت های رنج دیده و محروم آشکار کرد و بیش از پیش همه چشمهای نگران به انقلاب اسلامی دوخته شد.

امروز دیگر همه ملت های محروم با تجربه انواع تلخیها و ناکامیها به این نتیجه رسیده اند که برای رهایی از چنگال ستمگران متجاوز چارهای جز جنگیدن نیست و برای این جنگ سرنوشت ساز هرگونه وابستگی به شرق یا غرب و حکومت های دست نشانده و شعارهای قومی و ناسیونالیستی و سوسیالیستی و ... چیزی جز شکست و ذلت بیشتر بیار آورده است.

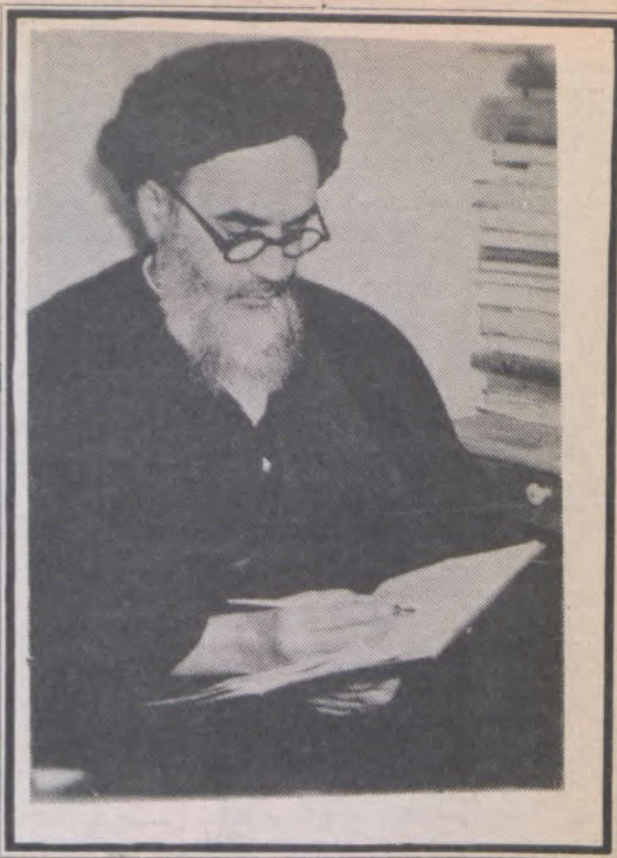
امروز ملت های مسلمان و عرب فهمیده اند بهترین شیوه ای که قادر است به راحتی رژیم های مزدور و اسرائیل و ابر قدرتها را نابود کند همان شیوه ای است که انقلاب اسلامی برای سقوط شاه و جنگ با ارتش متجاوز بعث صهیونیستی به کار گرفت شیوه ای که در آن هرگز انعطاف و صلح و آتش بس با باطل راه نداشته و با ایمان به خدا و عشق به شهادت جنایتکاران متجاوز را به خاک مذلت کوبیده است.

امروز تمام امید مستضعفین منطقه برای نابودی قطعی اسرائیل و آزادی سرزمین مقدس فلسطین و قدس به انقلاب اسلامی است انقلابی که مواضع قاطع رهبری آن و شعارهای امتش در مورد نابودی صهیونیسم و آزادی فلسطین به قبل از ۱۵ خرداد ۴۲ و اولین روزهای آغاز انقلاب اسلامی باز می گردد انقلابی که اسرائیل را غده سرطان می داند و نابودی اسرائیل جزء اهداف مهم آن به شمار می رود و اکنون انقلاب اسلامی ایران برای وصول کامل به این آرمان بزرگ راهی جز یکسره کردن کار جنگ بابت عراق را ندارد چرا که به همان دلیل که آمریکا و اسرائیل و دیگر مزدوران شان جنگ عراق را به منظور سدی در برابر انقلاب اسلامی به وجود آوردند و با توجه به این که یکی از عوامل عمده ایجاد و بقاء رژیم غاصب صهیونیستی، دولت های دست نشانده و وابسته منطقه بوده و هست، ناچار تنها راه دستیابی به آزادی قدس را نابودی همین رژیمها میدانند که در پیشاپیش آنها بعث صهیونیستی عراق قرار گرفته است و با توجه بهمین نکته است که در همان حال که بخشی از نیروهای انقلاب اسلامی در محدوده امکانات بسیار کم و نامساعد موجود از نظر جغرافیائی و غیره دربرند مستقیم با اسرائیل شرکت می کنند، رهبر معظم انقلاب نزدیک ترین راه و پل اصلی رسیدن به قدس را آزادی عراق از لوث جنایتکاران بعث اعلام داشته و علیرغم جوی که دشمنان جهان ساخته اند برادامه جنگ تا پیروزی کامل بر رژیم بعثی تاکید مینمایند چرا که تنها منجی قدس، انقلاب اسلامی است و تنها راه اصلی رسیدن انقلاب اسلامی به قدس عراق است و تنها راه عبور از عراق با نابودی بعث صهیونیستی و برقراری حکومت مردمی و اسلامی در عراق امکان پذیر است و بدیهی است با چنین تحولی در عراق کار دیگر رژیم های وابسته در منطقه تمام خواهد بود و با بهم پیوستن موج ملت های مسلمان از بندرسته با یک یورش چند ملیونی بسوی قدس یعنی همان طرحی که از مدت های پیش از سوی آیت الله العظمی منتظری پیشنهاد شده است ستاره صهیونیسم و امپریالیسم آمریکا و شوروی و اقماسان در برابر تابش اشعه خورشید اسلام در غرب افول خواهند کرد. به انتظار روزی که لشکر ملیونی اسلام با شعار آزادی قدس با عبور از کربلا و بغداد به سوی فلسطین پیش تازد که خدا بسا ماست و آمریکا هم هیچ غلطی نمیتواند بکند والسلام

شماره (۷) تیر ۱۳۶۱

- * پاسدار اسلام ماهنامه دفتر تبلیغات اسلامی
- * حساب جاری ۶۰۵۰۶ بانک ملت - میدان شهدا - قم
- * صندوق پستی ۳۲۰ - قم
- * تلفن اشتراک و امور شهرستانها - ۲۴۸۰۳
- * آدرس: قم - اول خیابان شهدا (صفاییه)
- * تکه ماهه ۵۰ ریال

۱	امام خمینی ثابت و استوار
۲	سرمقاله
۳	جدیدترین استفتائات از امام خمینی
۴	تحلیلی در باره شب قدر .. حجة الاسلام والمسلمین قدیری ..
۵	دانستنیهایی از قرآن
۶	سخت و آسان (اخلاق در اسلام) آیت الله مشکینی
۷	ضرورت رسالت انبیاء آیت الله جوادی آملی
۸	اقتصاد اسلامی .. آیت الله حسین نوری
۹	سیری در کشف اسرار و حکومت اسلامی حضرت امام خمینی حجة الاسلام سید احمد خمینی
۱۰	انواع دفاع، ... حجة الاسلام والمسلمین طاهری خرم آبادی ..
۱۱	عاشورای هفت تیر، سند حقانیت انقلاب اسلامی
۱۲	قوانین کبفری در اسلام .. حجة الاسلام والمسلمین موسوی تبریزی ..
۱۳	تجسم ایثار
۱۴	شهداء
۱۵	راهیان قدس
۱۶	اسلام و برابری انسانها، ... آیت الله صانعی
۱۷	شعر (خرمشهر آزاد شد) حجة الاسلام بهجی
۱۸	رهنمودهایی از تاریخ اسلام .. حجة الاسلام والمسلمین رسولی ..
۱۹	روانشناسی زن
۲۰	شیر و شیرخوارگی .. حجة الاسلام هاشمی
۲۱	دکتر عارفی
۲۲	انتخابات ریاست جمهوری .. حجة الاسلام سلطانی ..
۲۳	یادی از شهداء
۲۴	هنر .. حجة الاسلام صادقی ..
۲۵	پرسشها و پاسخها
۲۶	پاسداران بزرگ اسلام (محقق حلی) ..
۲۷	نامه ها
۲۸	نگاهی به رویدادها
۲۹	انقلاب و رهبر
۳۰	رهنمودها



رام

جسیرین اسعما

س - زمینی زراعتی به یک نفر مجانا واگذار شده، ولی از آنجا که او کشاورز نبوده و کار او نجاری است، زمین را فروخته و از پول آن ماشینی برای کارگران خود خریده است. آیا این پول خمس دارد یا نه؟
 ج - زمین اگر جزء درآمد کسب نبوده و با آن تهیه نشده، پول فروش آن خمس ندارد.

بسم الله الرحمن الرحیم
 زمین اگر بزرگ درآمد کسب نبوده و با آن کسب نشده پول فروش آن خمس ندارد.

س - شخصی که سال دارد در بین سال خاندهای که مورد احتیاجش است میخرد و با خریدن خانه مبلغی بدهکار میشود که باید در ظرف دو سال پرداخت نماید. الان که اول سالش رسیده آیا لازم است بدهکاری خود را از سرمایه کسر نماید یا نه؟

ج - اقساط بدهی خانه در هر سال جزء مؤنه آن سال محسوب است و از درآمد آن سال کسر میشود.

بسم الله الرحمن الرحیم
 اقساط بدهی بابت خانه در هر سال جزء مؤنه آن سال محسوب است و از درآمد آن سال کسر میشود.

س - طلاقهایی که در رژیم گذشته توسط بسم الله دادگاههای حمایت خانواده با حکم عدم سازش انجام گرفته است، چه حکمی دارد؟
 ج - اگر طلاق از روی اکراه زوج واقع شده یا بدون اذن او بوده صحیح نیست.

بسم الله الرحمن الرحیم
 الرطلاق از روی اکراه زوج واقع شده یا بدون اذن او بوده صحیح نیست.

س - آیا الکل صنعتی پاک است؟
 ج - پاک است.

بسم الله الرحمن الرحیم
 الکل صنعتی پاک است.

زیر نظر: حجه الاسلام والمسلمین قدیری عضو حوزه استفتاء امام

س - مبلغ بیست هزار تومان از درآمد سال جهت عزیمت به خانه خدا پرداخت نموده ام قرعه برای همین امسال تا بنام من اصابت نمود راست و فعلاً سر سال خمسی اینچنانست آیا به این مبلغ خمس تعلق میگیرد یا خیر ؟
ج - اگر مستطیع هستید و نمیتوانید بروید مگر به دادن این پول در این سال خمس ندارد .



سئوال: اگر مستطیع هستید و نمیتوانید بروید مگر به دادن این پول در این سال خمس ندارد .

س - رزمندگانی که در جبههها هستند و همواره ممکن است جابجا شوند ، یا حکم مسافر دارند مگر اینکه سی روز یا تردید کسانی که دائماً برای انجام ماموریتهای محوله بین شهرها در تردد هستند ، حکم مسافر دارند مگر اینکه سی روز یا تردید در یک محل بمانند که در آنجا نماز را بعد از هر روز این صورت بعد از سی روز نمازشان را تمام بخوانند .



س - اگر خانوادهای بیش از تعداد خودشان سهمیه بگیرند ، از نظر شرعی چه حکمی دارد ؟
ج - خلاف مقررات دولت اسلامی جایز نیست .



س - وارد کردن ارز به ایران و خارج کردن آن بوسیله صرافها یا راهبهای دیگر به منظور رفع نیاز بویژه برای ایرانیانی که مقیم خارج هستند یا کسانی که از خارج مقیم ایران هستند ، چه صورتی دارد ؟
ج - ورود و خروج ارز در کشور اسلامی باید طبق مقررات دولت اسلامی باشد و تخلف از آن جایز نیست .



سئوال: ورود و خروج ارز در کشور اسلامی باید طبق مقررات دولت اسلامی باشد و تخلف از آن جایز نیست .

س - اگر زن جوانی بعد از فوت یا شهادت همسرش ازدواج نکند ، آیا مرتکب گناه شده است ؟
ج - گناه نیست ولی بهتر است ازدواج نماید .



سئوال: گناه نیست ولی بهتر است ازدواج نماید .

فقه

بعد از حمد و سلام و درود بر همه انبیاء و اولیاء بویژه پیغمبر ما و ائمه معصومین و سلام بر امام بزرگوار و امت شهید پرور و شهداء اسلام و همه مجاهدین فی سبیل الله، سلام بر میهمانان خدا، سلام بر کسانی که نفسهای آنان تسبیح و خواب آنها عبادت است . سلام بر آنان که لیاقت دعوت خداوند را دارند و پذیرای آنند . سلام بر ماهی که روزهای آن بهترین روزها و شبهای آن بهترین شبهاست . سلام بر ماهی که در آن شب قدر هست که در فضیلت بالاتر از هزار ماه است و در آن ملائکه و روح بتمام امور و تقدیرات باذن پروردگارشان نازل میشوند . سلام بر کسانی که مهبط نزول این امور و تقدیراتند . در زیارت معتبره حضرت ابا عبد الله -

الحسین علیه السلام وارد است :

"رَأَى رَادَةَ الرَّبِّ فِي مَقَامٍ دِيرًا مَوْرَةً تَهَيَّبُ الْيَوْمَ"

"وَوَصَّيْتُ مِنْ بِيوتِكُمْ" (۱)

یعنی اراده پروردگار در تقدیرات امور او به شما نازل می شود و از منزلهای شما صادر می شود . گذشته از تعبیرات عجیبه ای که در زیارت جامع نسبت به آنان دارد و این مضمون همان مضمون آیه شریفه سوره قدر است و انشاء الله جمالیان خواهد شد . و لذا سوره قدر می تواند بر وجود امام در هر زمان دلیل باشد که حضرتش مهبط اراده پروردگار در مقام دیر امور و محل نزول ملائکه و روح بتمام امور است .

در سوره قدر نسبت نزول را بقرآن در شب قدر بصورت فعل ماضی داده :

"إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ"

یعنی ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم ، ولی نسبت نزول ملائکه و روح را در این شب بصورت فعل مضارع بیان فرموده :

"تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ"

تحلیلی درباره

شب قدر

و

بعض مسائل روزه



" رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ "

یعنی ملائکه و روح در شب قدر باذن پروردگارشان به تمام امور نازل می شوند ، و اهل ادب گفته اند اسناد فعل مضارع بخصوص در مثل این مورد که ظرف اسناد متکسر و مستمر است دلالت بر استمرار می کند . از این آیه به ملاحظه اینکه هر سال شب قدر دارد معلوم می شود که ملائکه و روح هر سال در شب قدر نازل می شوند . حال این سؤال پیش می آید که ملائکه و روح هر سال بر چه کسی نازل می شوند .

و گذشته از اینکه خود این جمله دلیل بر وجود امام در هر زمان هست ، در روایات معتبره از معصومین علیهم السلام هم اصل سؤال طرح شده و هم جواب این سؤال داده شده است و بیان شده که هر سال در شب قدر ملائکه و روح بر امام زمان نازل میشوند و تقدیرات بوجود مبارکش عرضه میشود . سلام ما بر کسانی که قدر این روزهای عزیز و شبهای پرارزش را بدانند و خود را مجهز کنند و متوجه بخدا و منصرف از غیر او شوند و وقتی ماه رمضان میگذرد انسانهایی الهی و مورد غفران حق تعالی باشند و چنانچه در حدیث شریف است شقی و بدعا قبت کسی است که این ماه بگذرد و از غفران و آمرزش خدا محروم شود .

اینکاز فرصت استفاده میکنم و قبل از ورود در بحث فقهی بذکر روایاتی میپردازم که مناسب است بآن توجه شود :

روایتی است از حضرت صادق علیه السلام که فرمودند : پدرم از پدرش از جدش از رسول خدا (ص) نقل فرمود که حضرت فرمودند :

" مَنْ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ حَفِظَ فَرَجَهُ وَ لِسَانَهُ وَ كَفَّ أَذَاهُ عَنِ النَّاسِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَ مَا تَأَخَّرَ وَ اعْتَقَهُ مِنَ النَّارِ وَ أَحَلَّهُ دَارَ الْقَرَارِ وَ قَبِلَ شَفَاعَتَهُ بَعْدَ رَمَلِ عَالِجٍ مِنْ مُذُنِبِي أَهْلِ التَّوْحِيدِ . (۲) "

یعنی کسی که ماه رمضان روزه بگیرد و دامن و زبان خود را از گناه حفظ کند و خود را از آذیت بمردم نگهدارد ، خداوند تمام

گناهان او را میآورد و او را از آتش جهنم آزاد و در بهشت وارد میکند و شفاعت او را نسبت بگناهکاران از اهل توحید قبول میکند . و روایت دیگر از حضرت باقر علیه السلام منقول است که فرمودند :

" اِنَّ لِلّٰهِ تَعَالٰی مَلَائِكَةً مُّوَكَّلِيْنَ بِالصَّائِمِيْنَ يَسْتَقْرِوْنَ لَهُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ اِلٰى اَخِرِهِ ، وَيُنَادُوْنَ الصَّائِمِيْنَ كُلَّ لَيْلَةٍ عِنْدَ اِفْطَارِهِمْ . اَبْتَرُوْا عِبَادَ اللّٰهِ فَقَدْ جَعَلْتُمْ قَلِيْلًا وَ سَتَسْبَعُوْنَ كَثِيْرًا ، يَبُوْرِكْتُمْ وَ يَبُوْرِكُ فِيْكُمْ ، حَتٰى اِذَا كَانَ اَخْرَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ نَادُوْهُمْ اَبْتَرُوْا عِبَادَ اللّٰهِ فَقَدْ غَفَرَ اللّٰهُ لَكُمْ ذُنُوْبَكُمْ وَ قَبِلَ تَوْبَتَكُمْ فَانظُرُوْا كَيْفَ تَكُوْنُوْنَ فَيَمَّا " تَسْتَأْنِفُوْنَ " (۳) "

یعنی خداوند ملائکه ای دارد که موکل بروزه داران هستند و طلب آموزش برای آنان در هر روز ماه رمضان میکنند . تا آخر ماه رمضان و هر شب وقت افطار روزه داران را ندا میکنند : گاهی بندگان خدا بشارت باد شما را ، گرسنگی کمی تحمل کردید و سیری بسیار در پیش دارید و چون شب آخر ماه رمضان فرارسد روزه داران را ندا میکنند که ای بندگان خدا بشارت باد شما را خداوند گناهان شما را آمرزید و توبه شما را قبول کرد . ببینید در آینده چگونه عمل خواهید کرد .

و روایت دیگری که ذکر آن را مناسب میبینم روایتی است راجع بحکمت جعل روزه که چرا خداوند روزه را واجب کرده و آن صحیحه هاشم بن الحکم است که از حضرت صادق علیه السلام از علت روزه سؤال کرد و حضرت فرمود :

" اِنَّمَا فَرَضَ اللّٰهُ الصِّيَامَ لِيَسْتَوِيَ بِهِ الْغَنِيِّ وَالْفَقِيْرَ ، وَ ذَلِكُمْ اَنَّ الْغَنِيَّ لَمْ يَكُنْ لِيَجِدْ مِنَ الْجُوعِ قَبِيْرًا حَمَّ الْفَقِيْرَ لِاَنَّ الْغَنِيَّ كُلَّمَا اَرَادَ شَيْئًا قَدَّرَ عَلَيْهِ ، فَاَرَادَ اللّٰهُ تَعَالٰى اَنْ يَسْتَوِيَ بَيْنَ خَلْقِهِ وَ اَنْ يَذِيْقَ الْغَنِيَّ مِنَ الْجُوعِ وَ الْاَلَمِ لِيَبْرُقَ عَلٰى الضَّعِيْفِ " وَ يَرْحَمَ الْجَائِعَ " (۴) "

یعنی خداوند روزه را بدینجهت واجب

کرد که بین غنی و فقیر تساوی برقرار شود چون غنی و بی نیاز گرسنگی را نمیفهمد تا بر فقیر رحم کند چون غنی هر چه بخواد بر آن قدرت دارد و لذا خداوند متعال خواست تا بین خلقش تساوی برقرار کند و اثر و درد گرسنگی را به شخص غنی بچشاند تا برضعیف رقت کند و بر گرسنه رحم نماید .

و چنانکه توجّه خداوند متعال ببندگان از این حدیث ظاهر میشود که حتی روزه را برای این جعل فرموده که قدرتمندان بفکر بیفتند و ضعفاء از محرومیت بدر آیند و این بالاترین وظیفه برای اشخاص قدرتمند است که فکر ضعفاء و محرومین جامعه باشند . همه اشخاص نمیتوانند قدرتمند باشند و طبیعی است که در هر اجتماعی عده ای دارای قدرت و دیگران فاقد آن هستند ، بر قدرتمندان است که بحال دیگران هم بیندیشند و در فکر رفع محرومیتها و جبران ضعفهای آنان نیز باشند .

و بمناسبت ماه مبارک رمضان سئوالاتی در نظر گرفته ام که با استدلالی اجمالی بجواب آنها میپردازم :

اول : از شبهای معروف بلیالی قدر کدام یک شب قدر بودن آن اقوی است ؟

دوم : کسانی که شغلهایی دارند که نمیتوانند با داشتن آن شغل روزه بگیرند تکلیف آنها چیست ؟

سوم - کسی که از روی علم و عمد روزه ماه رمضان را افطار کند ، وظیفه شخصی او از قضا و کفاره و حکم جزائی او در محکمه اسلامی چیست ؟

اما جواب سؤال اول : از مجموع روایات

باب واد له دیگر و بعض روایات خاصه میتوان فهمید که شب قدر بیست و سوم ماه مبارک رمضان است .

نظر خوانندگان محترم را به بعض روایاتی که در این باب رسیده و کیفیت استدلال با آنها و بعد از آن بآدله مطلب جلب میکنیم :

موتقه حسان بن مهران از حضرت صادق علیه السلام :

" سَأَلْتُهُ عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقَالَ : اَلْتَمِسْهَا "

فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ أَوْ لَيْلَةِ ثَلَاثٍ
وَعِشْرِينَ " (۵)

از حضرت سؤال کردم از شب قدر فرمود:
آنرا در شب بیست و یکم یا بیست و سوم
جستجو کن. از این حدیث شریف معلوم
میشود شب قدر مردد بین یکی از این دو
شب است بنابراین این شب نوزدهم نفی میشود
و روایاتی که شب قدر را مردد بین یکی از سه
شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم

شب وارد شده که میتواند مؤید این باشد که
شب قدر همین شب است .

۳- خواندن سوره دخان در این شب
رسیده که اول آن سوره است :

"إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ"

یعنی ما قرآن را در لیله مبارکه نازل
کردیم ، ولیله مبارکه همان شب قدر است
چنانکه سوره قدر دلالت دارد که قرآن در
شب قدر نازل شده است .

زراره از امام صادق (ع) روایت می کند که فرمودند: تقدیر در شب نوزدهم میشود و در شب بیست و یکم محکم و مهیای برای امضاء میشود و امضاء و گذشتن تقدیرات در شب بیست و سوم (رمضان) است

ذکر کرده نسبت به شب نوزدهم حل میشود و
این شب از طرف تردید خارج میشود مثل
روایت حسان که گفت :

"سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ
قَالَ أُطْلِبُهَا فِي تِسْعِ عَشْرَةَ وَاحِدَى وَ
عِشْرِينَ وَ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ . (۶)

از حضرت صادق (ع) سؤال کردم از شب
قدر فرمود طلب کن آنرا بین نوزدهم و بیست
یکم و بیست و سوم .

و هر چند در روایات بطور ابهام و تردید
شب قدر بیان شده و حتی در بعض احادیث
فرموده اند :

"مَا أَيْسَرَ لَيْلَتَيْنِ فِيمَا تَطَلَّبُ"

یعنی چقدر کم است دو شب برای عبادت
در آنچه طلب میکنی که فضل شب قدر است .
لکن بچند دلیل میتوان فهمید که شب قدر
همان شب بیست و سوم است که ذیلا به آن
اشاره میشود .

۱- اعمال خاصه ای در این شب وارد شده
مثل دو غسل که اهمیت و فضیلت این شب را
بر شبهای دیگر کشف میکند .

۲- خواندن هزار مرتبه سوره قدر در این

۴- بعضی روایاتی که شب قدر را در سه
شب ذکر کرده مثل روایت زراره امضاء
تقدیرات را در شب بیست و سوم ذکر نموده و
روایت زراره اینست :

"قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) : التَّقْدِيرُ فِي
لَيْلَةِ تِسْعَةِ عَشْرٍ وَالْإِبْرَامُ فِي لَيْلَةِ
إِحْدَى وَعِشْرِينَ وَالْإِمْضَاءُ فِي لَيْلَةِ
ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ . " (۷)

حضرت صادق (ع) فرمودند تقدیر در شب
نوزدهم میشود و در شب بیست و یکم محکم
و مهیای برای امضاء میشود و امضاء و گذشتن
تقدیرات در شب بیست و سوم است . و چون
معلوم است که شب قدر یک شب بیشتر نیست
معلوم میشود که این شب همان شب امضاء
تقدیرات یعنی شب بیست و سوم است .

روایت سفیان بن السط - قال :
"قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) اللَّيَالِي
الَّتِي يُرْجَى فِيهَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ
فَقَالَ "تِسْعَ عَشْرَةَ وَ إِحْدَى وَعِشْرِينَ
وَ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ . قُلْتُ فَإِنِ أَخَذْتُ
إِنْسَانَ الْفِتْرَةَ أَوْ عَلَهُ مَا لَمْ يَعْتمِدْ عَلَيْهِ
مِنْ ذَلِكَ . فَقَالَ ثَلَاثٌ وَعِشْرِينَ " (۸)

حضرت فرمود شبهایی که در آنها امید
میرود که شب قدر باشد نوزدهم و بیست و
یکم و بیست و سوم است . سفیان گفت اگر
کسی معذور باشد به کدام اعتماد کند . حضرت
فرمود : بیست و سوم .

۶- قصه شخصی بنام جهنی که از حضرت
باقر منقول است که فرمود :

"إِنَّ الْجَهْنِيَّ أَتَى النَّبِيَّ (ص) ، فَقَالَ
يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي لِبِلَا وَعَنَّمَا وَعَلَمَةٌ
(عَمَلَةٌ) فَأُحِبُّ أَنْ تَأْمُرَنِي بِلَيْلَةٍ
أَدْخُلُ فِيهَا فَأَشْهَدَ الصَّلَاةَ وَ ذَلِكَ فِي
شَهْرِ رَمَضَانَ ، فَدَعَاهُ رَسُولُ اللَّهِ قَسَارَةً
فِي أُذُنِهِ فَكَانَ الْجَهْنِيُّ إِذَا كَانَ لَيْلَةَ
ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ دَخَلَ بِإِبِلِهِ وَ عَنَمِهِ وَ
أَهْلِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ " . (۹)

جهنی خدمت پیغمبر اکرم رسید و عرض
کرد من شتران و گوسفندان و کارگرانی دارم ،
دوست دارم که یک شب در ماه رمضان معین
فرمائی تا من بنماز حاضر شوم . حضرت در
گوشا و مطلبی را سری فرمودند بعدا جهنی
شبهای بیست و سوم ماه رمضان با شتران و
گوسفندان و کارگران شوارد مدینه میشود . و
بجز اینها روایات دیگری هم هست .

از این ادله مطمئنان حاصل میشود که شب
قدر شب بیست و سوم ماه رمضان است .
و اما جواب از سؤال دوم : و آن تکلیف
کسانی که در ماه مبارک رمضان شغلی دارند
که با آن شغل نمیتوانند روزه بگیرند مثل
دروگری که اگر بخواهد درو کند و روزه بگیرد
طاقت ندارد و از شدت گرما نمیتواند روزه
بدارد . یا کسی که در جبهه جنگاگر بخواهد
فعالیتهای جنگی داشته باشد و روزه بگیرد
قدرت ندارد و مثالهای دیگر . این اشخاص
چند دسته اند : یکدسته آنها که میتوانند و
جایز است عملی که منافات با روزه دارد را
ترک کنند مثل دروگر بتواند دروگری نکند
و روزه بگیرد و در زندگی بزحمت و مشقت
نیافند ، این اشخاص باید روزه بگیرند و
حق ندارند بخاطر کار روزه را افطار کنند و
اگر نمیتوانند جمع بین کار و روزه کنند کار را
ترک کنند و روزه بگیرند زیرا وجوب روزه برای

این شخص هیچگونه مزاحمی ندارد .

دسته دوم : آنها که اگر بخواهند کار را ترک کنند در زندگی بمشقت میافتند بنا بر این لازم نیست کار را ترک کنند ولی حق ندارد همان اول روزه را افطار کنند چون اول وقت روزه مزاحمی ندارد وقتی روزه بر آنها حرجی شدو بمشقت افتادند میتوانند افطار کنند چون لازم نیست کار را ترک کنند و خود را بمشقت بیندازند و لازم نیست روزه را ادامه دهند چون فعلا دارای حرج و مشقت است .

دسته سوم : کسانی که عمل منافی روزه بر آنها واجب است مثل کسانی که در جبهه مستقر هستند و لازم و واجب شرعی است بر آنها که فعالیت های جنگی داشته باشند اگر این اشخاص نتوانند هم روزه بگیرند و هم بواجبشان عمل کنند در صورتی که واجب اهام باشد مثل جنگ ، باید روزه را افطار کنند چون مزاحمت بین دو تکلیف اهم و مهم است و برای عمل بتکلیف اهم باید تکلیف مهم مخالفت شود ولی در این صورت هم از همان اول حق ندارد روزه را افطار کنند بلکه وقتی مزاحمت واقع شده در بین روز نتوانند جنگ کنند و روزه باشد میتواند روزه را افطار کند ، و ناگفته نماند که این بیان مربوط به کسانی است که در جبهه مسافر نباشند مثل اینکه قصد ده روز در یک محل کرده باشند و الا مسافر در هر صورت نباید روزه بگیرد .

و اما جواب از سؤال سوم : یعنی وظیفه شخصی و حکم جزائی کسی که از روی علم و عمد روزه ماه مبارک رمضان را بدون عذر افطار کند بر چنین شخصی واجب است قضای روزه و کفاره آن که اگر افطار بحرام نباشد (مانند خوردن چیزی که اگر روزه نبود خوردنش حرام نبود) ، یکی از سه چیز است : بنده آزاد کردن یا شصت مسکین اطعام کردن یا شصت روز روزه گرفتن و اگر بحرام باشد (مانند خوردن چیزی که اگر روزه نبود هم خوردنش حرام بود) کفاره جمع است که هم باید بنده آزاد کند و هم شصت مسکین اطعام نماید و هم شصت روز روزه بگیرد .

علاوه بر قضا و کفاره اگر نزد حاکم شرع ثابت شود که شخص بدون عذر روزه ماه رمضان را افطار کرده حاکم او را تعزیر میکند . اگر مرتبه دوم مرتکب این جرم شد بار دیگر او را تعزیر میکند و اگر مرتبه سوم بعد از دو تعزیر مرتکب شد کشته میشود و بنا بر بعضی اقوال باز تعزیر میشود و بعد از مرتبه چهارم کشته میشود . دلیل ثبوت قضا گذشته از ضرورت فقه تعبیرات وارده در ادله مفطرات و ادله ای که حکم قضای ماه رمضان را بیان میکند که تفصیل آنها ضرورتی ندارد و دلیل ثبوت کفاره و خصال آن روایات بسیاری است که از جمله آنها صحیح ابن سنان است :

" عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي رَجُلٍ أَفْطَرَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مَتَعَمِدًا يَوْمًا وَاحِدًا مِنْ غَيْرِ عَذْرٍ قَالَ (ع) : يَعْتَقُ نَسَمًا وَيَصُومُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ أَوْ يَطْعَمُ سِتِينَ مَسْكِينًا فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ يَتَصَدَّقْ بِمَا يَطْبِقُ " (۱۰)

ابن سنان از حضرت صادق (ع) نقل میکند درباره مردی که بدون عذر یکروز روزه ماه رمضان را عمدًا افطار کرد حضرت فرمود : بنده آزاد کند یا دو ماه بی در پی روزه بگیرد یا شصت مسکین اطعام کند و اگر قدرت ندارد هر مقدار میتواند صدقه دهد .

و اما دلیل کفاره جمع با افطار حرام روایت حضرت رضا (ع) است که در آن این جمله ذکر شده :

" وَأَفْطَرَ عَلَى حَرَامٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ " " فَعَلَيْهِ ثَلَاثُ كَفَّارَاتٍ " (۱۱)

روایت از جهت سند بحث مفصلی دارد که در محالش ذکر شده و در هر صورت این

روایت دلیل مسأله است . (۱۲)

و اما دلیل تعزیر حاکم شرع چنین مجرمی را که روزه ماه مبارک رمضان را بدون عذر افطار کرده صحیح برید عجلی است که از حضرت باقر (ع) سؤال کرد :

" عَنْ رَجُلٍ شَهِدَ عَلَيْهِ شَهْوُهُ أَنَّهُ أَفْطَرَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ . قَالَ (ع) يُسْأَلُ هَلْ عَلَيْهِ مِنْ أَفْطَارِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِثْمٌ فَإِنْ قَالَ لَا ، فَإِنَّ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَقْتُلَهُ وَإِنْ قَالَ نَعَمْ ، فَإِنَّ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَنْهَكَ ضَرْبًا . " (۱۳)

از حضرت سؤال کرد درباره مردی که شهود بر او شهادت دادند که سه روز از ماه رمضان افطار کرده . حضرت فرمود از او بپرسند آیا این کار را گناه میداند . اگر گفت نه امام او را میکشد و اگر گفت بلی بر امام است که او را تعزیر کند . معنای این حدیث این است که اگر مجرم افطار را حلال بداند کشته میشود

اگر کسی عمدًا روزه ماه رمضان را افطار کند و این کار را حلال بداند بر امام است که او را بکشد و اگر روزه خوردن را گناه میدانند امام باید او را تعزیر کند

الاعتزیر میشود . و گر چه در حکم بتعزیر روایت مطلق است ولی روایت دیگر در باره بعضی از مفطرات بیست و پنج شلاق ذکر کرده و ظاهرا این است که تجاوز از موردش بدون دلیل است و اختیار کیفیت تعزیر با حاکم شرع است و اگر جرم بعد از تعزیر اول دو مرتبه تکرار شد بار دیگر تعزیر ثابت است و بعد از آن اگر مرتبه سوم تکرار شد مجرم کشته میشود و دلیل مسأله ، گذشته از شهرت بین فقهاء موثق " سماعه " است :

" سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَخَذَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَقَدْ أَفْطَرَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَقَدْ رَفَعَ إِلَيَّ

مناسبت‌های

مهم

اول تیر - صدور فرمان تاریخی امام مبنی بر عزل اولین رئیس جمهوری ایران پس از ثبوت خیانت‌های وی و رأی قاطع مجلس شورای اسلامی بر عدم کفایت سیاسی او (۱۳۶۰)

هفتم تیر - تکرار عاشورائی دیگر در ایران ، در اثر انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و به شهادت رسیدن شهید مظلوم آیت الله بهشتی و ۷۲ تن از یاران با وفای امام امت . (۱۳۶۰)

هشتم رمضان - وفات حضرت ابوطالب (سه سال قبل از هجرت)
دهم رمضان - وفات حضرت خدیجه - (سه سال قبل از هجرت)

شانزدهم رمضان - ولادت سبط اکبر حضرت امام حسن مجتبی (ع) (سوم هجری)
هفدهم رمضان - اولین نبرد اسلام با کفر (جنگ بدر) .

هیجدهم رمضان - فتح اندلس بدست مسلمانان (حدود ۱۳۱ هجری قمری)
نوزدهم رمضان - ضربت خوردن حضرت امیرالمؤمنین (ع) در محراب مسجد کوفه (۴۰ هجری)

بیستم رمضان - فتح مکه (۸ هجری)
بیست یکم رمضان - شهادت حضرت امیرالمؤمنین (ع) (۴۰ هجری)
بیست یکم تیر - کشف توطئه کودتای نافرجام آمریکائی . (۱۳۵۹)

بیست چهارم رمضان - روز جهانی قدس - به امر امام امت و امید مستضعفان روز جمعه آخر ماه مبارک رمضان بعنوان روز جهانی قدس و حمایت از مستضعفین اعلام گردید .

بیست نهم رمضان - غزه حنین (۸ هجری)
اول شوال - روز عید فطر .

زیرا این دو نفر در این طریق هستند لکن قرائنی هست که از مجموع آن وثوق و اطمینان یوناق تا این دو نفر حاصل میشود و لذا هم این روایت که مورد بحث ما است معتبر است و هم طریق مرحوم صدوق بغض بن شاذان ، و اما قرائن نسبت عبدالواحد بن عبدوس :
۱ - ایشان از مشایخ صدوق هستند که مرحوم صدوق بلا واسطه از ایشان نقل روایت فرموده اند و این مطلب مکررا در روایات دیده شده است . بخصوص که در بعض موارد مرحوم صدوق بعد از ذکر نام او فرموده است رضی الله عنه که معلوم است مورد علاقه صدوق بوده که برای او طلب رضایت خدا نموده است .

۲ - مرحوم صدوق در کتاب عیون الاخبار روایتی را از سه طریق نقل فرموده که یکی از آنها از طریق عبدالواحد بن عبدوس است و بعد از نقل این روایت صدوق فرموده اند و حدیث عبدالواحد بن عبدوس عندی اصح و ظاهر این عبارت شهادت صدوق است بصحت روایت از جهت وثاقت راوی .

۳ - صدوق در آخر جلد اول عیون الاخبار فرموده است که آنچه را شیخ او محمد بن الحسن بن الولید تصحیح نکرده باشد در تصنیفاتش نقل نمیکند پس از نقل این روایت معلوم میشود مورد تصحیح محمد بن الحسن بن الولید است و این شهادت است باینکه عبدالواحد نزد محمد بن الحسن موثق است . و اما قرائن نسبت به علی بن محمد بن قتیبه .

۱ - شیخ طوسی درباره او فرموده است انه تلميذ الفضل بن شاذان النيسابوري فاضل و این عبارت مدح ایشان است .
۲ - نجاشی در حق او فرموده است : عليه اعتماد ابو عمرو الكشي في الرجال ، پس بشهادت نجاشی ایشان مورد اعتماد کشی است که از رجالین معروف است و خود این تعبیر از نجاشی مدح نجاشی است از او .
۳ - اعتماد کشی بر او است و اضافه کرده است درباره او که انه صاحب الفضل بن شاذان و راویه کتبه له .

و این قرائن هر چند بعضی آنها بتنهائی دلیل بر وثاقت راوی نیست ولی از ملاحظه مجموع آنها اطمینان حاصل میشود باعتبار این دو نفر و اعتبار روایاتی که نقل میکنند و هر چند این مباحث از حوصله نشریه و مجله خارج است لکن چون بعضی برادران خواستند که در جهات تخصصی سطح مقاله بالاتر باشد اشاره‌ای بسند این حدیث کردیم که البته از آن مطلب کلی تری استفاده میشود که اهمیت آن کم نیست و آن صحت طریق مرحوم صدوق بغض بن شاذان است و از موقعیت استفاده میکنیم که بعضی روایاتی را که مادر مقاله با اسم روایت نقل میکنیم از جهت سند تمام نمیدانیم لکن در استفاده‌های فقهی با آنها استناد نمیکنیم و نقل آن در موردی است که مربوط با استنباط حکم فقهی نیست و فقها هم در این مورد مسامحه را تجویز میکنند و این قبیل روایات را نقل میفرمایند

۱۳ - وسائل ج ۷ ص ۱۷۸ روایت ۱
۱۴ - وسائل ج ۷ ص ۱۷۹ روایت ۲

الْإمام ثلاث مرات قال (ع) يَقْتُلُ فِي الثَّلَاثَةِ " (۱۴)

سما عده میگوید از حضرت سؤال کردم (معلوم است که از امام معصوم سؤال کرده چون سما عده چنین مطلبی را از غیر امام نقل نمیکند) از مردی که دستگیر شد و سه مرتبه روزه را افطار کرده بود و در هر سه بار او را نزد امام (حاکم شرع) بردند حضرت فرمود مرتبه سوم کشته میشود . و باید معلوم باشد که حکم قتل در صورتی است که قبل از آن دو تعزیر شده باشد و الا تنها سه مرتبه افطار موجب قتل نیست . و بعضی علماء فرموده اند که قتل بعد از تکرار جرم در مرتبه چهارم است و روایت مرسله‌ای هم بر آن هست و البته احتیاط بسیار خوب است که حتی الامکان بخصوص در دماء و نفوس مراعات آن لازم است . از خداوند تعالی توفیق نیل بفیوضات ماه مبارک رمضان و شبهای قدر را مسألت داریم .
والحمد لله رب العالمین .

۱ - مشایخ ثلاثه (کلبینی و شیخ طوسی و شیخ صدوق) رحمهم الله این زیارت را نقل نموده اند بلکه مرحوم شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه فرموده : برای این کتاب این زیارت را انتخاب کردم زیرا که آن باعتبار روایت اصح زیارات است نزد من و فرموده همین زیارت ما را کافی و وافق است .
۲ - وسائل ج ۷ ص ۱۷۴ روایت ۸
۳ - وسائل ج ۷ ص ۱۷۶ روایت ۱۰
۴ - وسائل ج ۷ ص ۱۷۲ روایت ۱
۵ - وسائل ج ۷ ص ۲۵۸ روایت ۱
۶ - وسائل ج ۷ ص ۲۶۳ روایت ۲۱
۷ - وسائل ج ۷ ص ۲۵۹ روایت ۲
۸ - وسائل ج ۷ ص ۲۶۱ روایت ۸
۹ - وسائل ج ۷ ص ۲۶۲ روایت ۱۶
۱۰ - وسائل ج ۷ ص ۲۸ روایت ۱
۱۱ - وسائل ج ۷ ص ۳۵ روایت ۱
۱۲ - زیرا اولاً اصحاب به روایت عمل کرده اند و در صحت روایت کفایت میکند که فقهاء اسلام که در شناخت احکام اسلام و مدارک آن تخصص دارند روایتی را بعنوان مدرک حکمی قبول کنند و بر طبق آن فتوی دهند .
و ثانیاً اشکالی در این روایت نیست مگر از جهت عبدالواحد بن عبدوس و علی بن محمد بن قتیبه که جماعتی فرموده اند و ثاقت ایشان ثابت نشده است و بهمین دلیل طریق مرحوم صدوق بغض بن شاذان را رد میکند



پاداش (اجر)

چه کسانی پاداش خود را از خدا می‌گیرند ؟

۱ - حضرت رسول اکرم (ص) :
 " وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ " (سوره قلم - آیه ۳)

والبته تورا پاداشی نامحدود است .

۲ - نیکوکارانی که خود را تسلیم خدا کنند :
 " بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ " :
 " فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ " (سوره بقره ، آیه ۱۱۲)

آری ، کسی که خود را تسلیم خداوند کرده و نیکوکار است ، پاداش او نزد خدا است .

۳ - جهاد کنندگان در راه الله :
 " وَقَضَى اللَّهُ الْمَجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا " (سوره نساء - آیه ۹۵)

خداوند به جهاد کنندگان بر نشستگان برتری داد به پاداش بزرگ .

۴ - رزمندگان فی سبیل الله :
 " وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ ، " :
 " فَسَوْفَ نُوْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا " (سوره نساء - آیه ۷۴)

هر کس در جهاد در راه خدا کشته شد یا فاتح گردید ، زود باشد که او را پاداشی بزرگ بدهیم .

۵ - کسی که به قصد مهاجرت از خانه خود بیرون آید ، و مرگ او را فرا رسد :
 " وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ، ثُمَّ يُدْرِكُ الْمَوْتَ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ " :
 " عَلَى اللَّهِ " (سوره نساء - آیه ۱۰۰)

هر گاه کسی از خانه خویش برای هجرت به سوی خدا و رسول او بیرون آید ، و در سفر مرگ وی را فرا رسد ، اجر و ثواب چنین کسی بر خدا است .

۶ - کسانی که اموال خود را در روز و شب ، پنهان و آشکار ، برای خدا انفاق کنند :
 " الَّذِينَ يَتَّقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ " :
 " سِرًّا وَعَلَانِيَةً ، فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ " (سوره بقره - آیه ۲۷۴)

کسانی که اموال خود را در شب و روز ، پنهان و آشکار انفاق کنند ، آنان را نزد پروردگارش پاداش نیکو خواهد بود .

۷ - کسانی که ایمان آورده و تقوی پیشه خود کنند :
 " وَإِنْ تَوَسَّعْتُمْ فَلََكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ " (سوره آل عمران - آیه ۱۷۹)

هر گاه ایمان آورید و پرهیزکار شوید ، شما را اجری بزرگ خواهد بود .

۸ - کسانی که برای خدا به نیازمندان قرض بدهند :
 " مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ ، " :
 " وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ " (سوره حدید - آیه ۱۱)

آن کیست که به خدا قرض نیکو دهد ، تا خدا بر او چندین برابر گرداند و پاداش با لطف به او عنایت فرماید .

۹ - کسانی که توبه آخرت را پیش از مرگ آماده کنند :
 " وَمَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا " :
 " وَأَعْظَمُ أَجْرًا " (سوره نساء - آیه ۶۷)

هر عمل نیک برای آخرت خود ، پیش فرستید ، پاداش آن را نزد خدا می‌یابید ، و آن اجر و ثواب آخرت بسی بهتر و بزرگتر است .

۱۰ - منافقینی که توبه کنند و اطاعت از امر خدا بنمایند :
 " ... وَإِذَا كَانُوا مِنْ لَدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا " (سوره نساء - آیه ۶۷)

در آن صورت آنها را مزدی بزرگ (به پاداش طاعت عطا می‌کردیم) .

۱۱ - پژوهشگران در علم :
 " لَكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ " :
 " يُؤْتُونَ مِمَّا آتَىٰ بِكُم مِّنَ الْمَالِ " :
 " وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتِينَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ " :
 " بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ، أُولَٰئِكَ سَوْفَ يُعْطَوْنَ أَجْرًا عَظِيمًا " (سوره نساء - آیه ۱۶۲)

لیکن کسانی از آنها که در علم قدمی ثابت و نظری عمیق دارند و با ایمان هستند به آنچه بر تو و پیغمبران پیش از تو نازل شده ، و آنانکه نماز می‌دارند و زکاة میدهند ، و بسه خدا و روز قیامت ایمان می‌آورند ، بزودی خدا آنان را اجر و پاداش عظیم عطا خواهد کرد .

۱۲ - کسانی که قدرت بر انتقام داشته ولی عفو کنند :
 " فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ " (سوره شوری - آیه ۴۱)

اگر کسی عفو کرده و بین خود و خصم عفو نمود ، اجر او بسا خدا است .

۱۳ - صابرین و شکیبایان :
 " وَلَنَجْزِيَنَ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِحَسَنٍ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ " (سوره نحل - آیه ۹۶)

و البته به صابرین اجری و پاداشی خواهیم داد ، که بهتر از اعمال آنها خواهد بود .

۱۴ - وفاداران به پیمان با الله :
 " وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهُ ، فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا " (سوره فتح - آیه ۱۰)

و هر که به عهدی که با خدا بسته وفا کند ، به زودی خدا به او پاداش بزرگ خواهد داد .

سخاوت (۲)



آیت الله مشکینی

گرد آمدند و از آن پس مشهور شد که بهلول دیوانه شده است . این نمونه ای است از " سخاوت مقام " از انسانی بزرگ و با فضیلت و نمونه های آن در اسلام زیاد است . همچنین می توان از جابر بن یزید جعفی شاگرد ممتاز امام باقر علیه السلام نام برد . فردی که به امام باقر علیه السلام عرض می کند یا ابن رسول الله آنقدر معارف الهی و اسرار به من القاء فرموده ای که قلبم تنگی می کند و تحملش برایم مشکل شده و افرادی هم که بتوان بدانها اسرار را گفت نمی یابم چه کنم ؟ حضرت فرمود برو در بیرون شهر و سر در چاهی گذار و هر چه می خواهی بگو تا سبک گردی !

یک چنین مرد عظیم الشان و درس خوانده و صاحب کمالات و مقامات روحانی بخاطر مصالح دینی و اجتماعی که جوآن عصر اقتضاء آنرا داشت از مقامش گذشت و تظاهر بدیوانگی نمود . این هم یک نوع سخاوت است . . . سخاوت مقام و آبرو بخاطر الله و حفظ شئون اسلام . در ضمن درسی است برای کسانی که لایق اشغال و اداره پست و مسئولیتی نیستند ، اما از آنجا که اسیر حب نفس و جاه و مقام شده اند برایشان مشکل است دست بکشند و آنرا به اهلش بسپرنند . چون سخاوت ندارند . اینان را یاباید خلعتشان کنند و دورشان اندازند و یا با دسائسی بمانند و سر تا پا برای جامعه و امت و آئین اسلام ضرر و فساد باشند . اگر کسی به چنین حالتی برسد که سخاوت در مقام داشته



سخاوت در اسلام

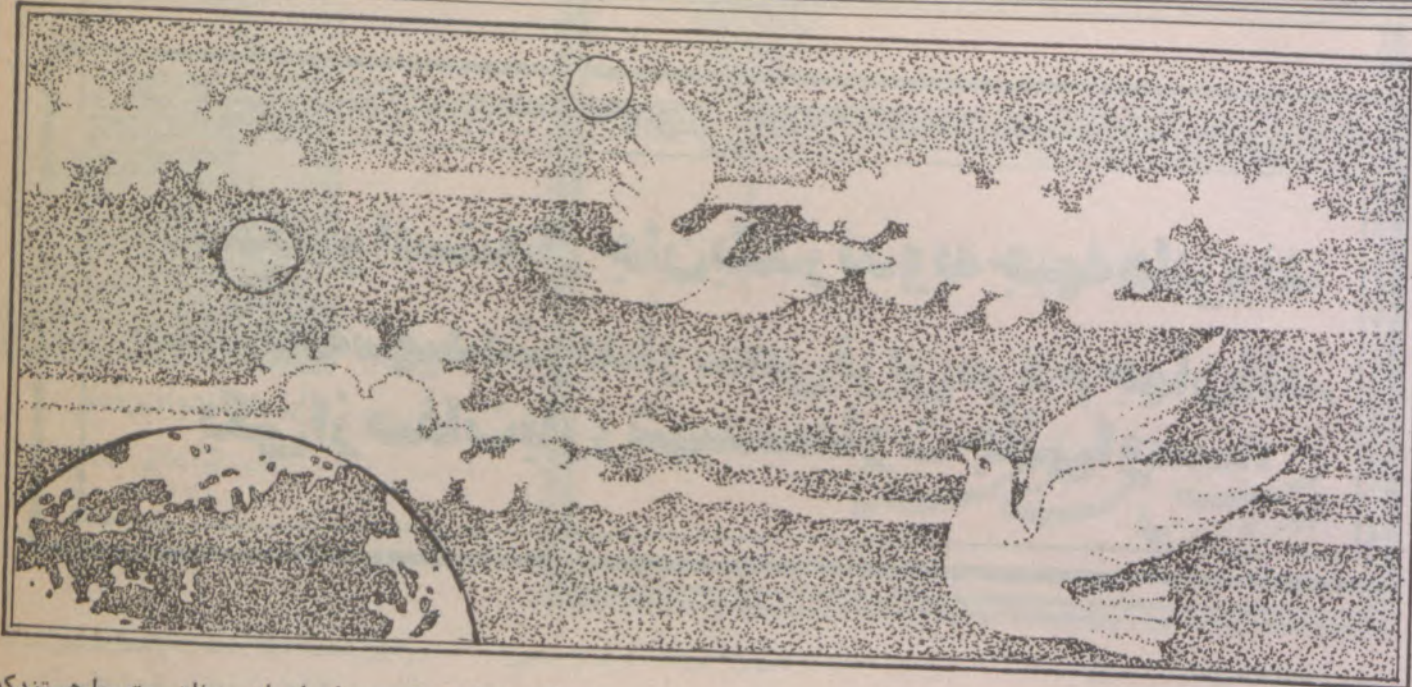
مصادیق سخاوت

سخا دارای مصادیق زیادی است . سخاوت در جان ، مال ، مقام ، اولاد و لذتها نمودهائی از این صفت می باشد . سخاوت و گذشتن از مقام و ریاست بالاتر از سخاوت در مال است ، چه بسا افرادی از مقام و پست خودشان که بسیار هم والا بوده است ، بخاطر خدا دست کشیده اند .

یکی از این بزرگان ، بهلول شاگرد امام صادق علیه السلام بوده . مردیست با فضل و صاحب علم و از پرورش یافته گان مکتب ائمه اطهار علیهم السلام . از فضلش همین بس که بسا پرتاب کلوخی به آن عالمی که بر علیه حضرت صادق علیه السلام صحبت و اشکال می نمود ، پاسخی دندان شکن داد که :
اولا : همانطور که کلوخ همجنس تو (خاک) بر تو اثر کرد پس ابلیس هم می تواند در آتش بسوزد .

ثانیا : درد ناشی از برخورد کلوخ (که موجود است) امکان روءیت آن نیست پس خداوند هم که موجود است دیده نخواهد شد .

ثالثا : اگر افعال ما جبر است و مشیت خدا پس عقاب نباید بشویم ، چرا بخاطر پرتاب کلوخ از من شاکی هستی ؟ چنین مرد وارسته و بزرگی صلاح بر این شد که مقام و شخصیت خود را در میان مردم از دست بدهد خود را بدیوانگی بزند ، لباسش را کند و همانند کودکان بر چوبی بعنوان اسب سوار گردید و داد زد که کنار بروید تا اسب من شما را زیر نگیرد . بچه ها اطرافش



باشد و وقتی ببیند مقام و ریاستش بضرر جامعه و دین استزود حاضر است رفع ید کند و استعفاء دهد و با واگذار کردن آن به اهلش سراغ کار دیگری رود، اگر چنین حالتی در خود دید باید از خدا تشکر کند و سجده شکر بجا آورد که خداوند چنین روحیه‌ای به او داده است. اینها جزء سخاوتمندان دنیا هستند خیال نکنند کار کوچکی انجام داده‌اند. بر عکس آنکس که چنین نیست و با احراز عدم لیاقت خود برای چنین مسئولیتی، حاضر به ترک پست نیست از بخیلهای دنیا می‌باشد، و بدترین بخلها این بخل است.

اما سخاوت بنفس و جان که احتیاج به شرح زیادی ندارد چه آنکه جامعه اسلامی کنونی ما خود میدان چنین امتحانی است تا معلوم شود سخاوتمندان کیانند، آنانکه توانستند از جان بگذرند (شهادی ما) و به جبهه‌ها بروند و عاشقانه شهید بشوند از سخیترین مردم جهانند، مقام شهداء والا است، و یکی از صفات بارز شهید سخاوت جانی اوست، فرق است بین سخاوت در مال و سخاوت در جان. بنا بر این می‌توانیم بگوئیم که سخیترین افراد شهدا هستند.

مرز سخاوت

سخاوت صفتی است "حد وسط" که یک طرفش افراط است یعنی اسراف و یک طرفش تفریط است یعنی بخل:

اصولا صفت‌های نیکو و زیبای انسانی صفاتی متوسط هستند که بین دو مرحله افراط و تفریط واقع می‌شوند و سخاوت هم از این قاعده مستثنی نیست. بعنوان مثال کسی که مال و ثروتی دارد نسبت بدان سه حالت می‌تواند داشته باشد:

اول آنکه از مالش آنچه که سزاوار است و اقتضاء دارد انفاق کند و، بقدری که برای خودش نگه دارد. بعبارت دیگر تعهدات خود را در قبال خدا انجام دهد یعنی مالیاتهای واجبش را بپردازد و انفاقهای مستحبی را هم انجام دهد و ما بقی را برای زندگی خود و عائله‌اش نگه دارد: به این برنامه الهی عمل کردن، حد وسط سخاوت را دارا بودن است.

ثانیا - هیچ گونه گذشت و پرداختی نداشته باشد حتی یک ریال از ثروتش را به جامعه ندهد، این مرحله تفریط است. این حالت و صفت، بخل است.

ثالثا - هر چه دارد می‌بخشد، یعنی افزون بر آن مقدار واجب و مستحب انفاق می‌کند. بطوریکه خود را در مضیقه قرار می‌دهد، حتی در مواردی مصرف می‌کند که گناه است. این ریخت و پاش مرحله افراط در سخاوت است و اسراف می‌باشد. پس سخاوت صفتی بین دو مرحله افراط و تفریط و دو صفت اسراف و بخل است.

همانگونه که تذکر دادیم این حد وسط در تمام صفات نیکو مورد نظر است. از باب نمونه: شجاعت صفتی است بین ترس

آنانکه توانستند از جان بگذرند و به جبهه‌ها بروند و عاشقانه شهید بشوند از سخی‌ترین مردم جهان‌اند. یکی از صفات بارز شهید سخاوت جانی اوست.

و تهور . آنجا که اعمال شجاعت و حمله لازم است نشستن و سکون " جبن " است و اما بی تردید و بدون تصور و بی مهابا خود را به آب و آتش زدن و هلاک کردن مرحله تهور است که اینهم ناپسند می‌باشد .

در مورد سخاوت از آیات قرآن استفاده می‌شود که حد متوسط است مثلاً آیه ۲۹ از سوره اسراء می‌فرماید :

" وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ
" الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا "

دستت را بگردنت نبند و بکلی دستت را هم باز نکن که بنشیننی و پشیمان و نادم بشوی .

این کنایه است از اینکه عدم بخشش و عدم انفاق " وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ " و در مقابلش بخشیدن و دست باز نمودن زیادی که هر چه داری بریزی بمیان جامعه که هیچ برایت نماند " وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ " و پس از آن " فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا " به ملامت خودت بنشیننی که چرا چنین کردم و بیچاره شدم ، هر دو صورت انحراف است و خطا .

در تفسیر همین آیه شریفه در روایت است که حضرت صادق علیه السلام دست برد و یک مشت خاک یا شن از زمین برداشت و چنان دستش را باز کرد که هم‌ماش ریخت ، و بار دوم طوری دستش را نگه داشت که هیچ از او ریخته نشد و برای بار سوم که مستی خاک برداشت آنرا بحالت نیمه باز قرار داد بطوریکه

یکمقدار ریخت و یکمقدار ماند .

البته یک مسئله‌ای هست بنام ایثار که بعداً ممکن است متعرض آن بشویم . ائمه علیهم السلام ایثار می‌کردند که مقامی دیگر است و شرائطی خاص دارد و برای مثل ما نیست . حضرت امیر سلام الله علیه باغ خود را فروخته و هم‌ما با فقرا داد ، به خانه برگشت دید نان ندارد و زهرا و حسنین (ع) گرسنه‌اند . حضرت از تمام ثروتش در راه الله می‌گذشت و زن و فرزندانش هم حاضر بودند گرسنه بمانند و شب گرسنه بخوابند و لسی دیگران سیر باشند این برای ما میزان نیست .

البته اگر کسی پیدا شد که زن و بچهاش اینطوری باشند یعنی حاضر باشند جز غذائی اندک و لباسهائی مندرس هرچه دارند انفاق کنند ، اشکال ندارد . و لکن افراد عادی نوعاً حق ندارند یک چنین کاری بکنند .

باز آیه‌ای از قرآن را شاهد می‌آوریم که انفاق حد متوسط است . آیه ۶۷ از سوره فرقان که می‌فرماید :

" وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ
" لَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا "

عبادالله کسانی هستند که وقتی انفاق می‌کنند راه اسراف را پیش نمی‌گیرند و خساست و لثامت نیز ندارند و مشیشان بین این دو حالت است و این روش برای عموم باید میزان باشد .

ادامه دارد



آیت الله جوادی آملی
عضو شورای عالی قضائی



ضرورت رسالت انبیا

در بحث گذشته ادله‌ای بر ضرورت رسالت و حتمی بودن وحی از قرآن کریم درسه اصل ذکر کردیم :

اصل اول : انسان موجودی است که از عالمی به عالمی دیگر منتقل می‌شود ، و هدفی دارد : پس از بین نمی‌رود .

اصل دوم : هدف بدون راه ممکن نیست اگر مسافری قصد سفر داشته باشد ، و هدف و مقصدی داشته باشد ، ولی راهی نباشد ، امکان ندارد به مقصد برسد .

اصل سوم : اگر مقصد در دنیا خلاصه می‌شد ، امکان داشت انسان تا اندازه‌ای به هدف برسد ، ولی هدف اعم از دنیا و آخرت است سعادت انسان نیز اعم از سعادت دنیوی و اخروی است ، و بخش اخرویش مهم‌تر از دنیوی است .

بنا بر این تشخیص این راه در اختیار هر فرد نیست ، و راهنما لازمست تا آدمی در این راه دور و دراز به کمال و مقصد و سعادتش برسد .

* * *

ضرورت رسالت سنت الهی است

خداوند بشر را آفریده ، و او را بدون راهنما رها نمی‌کند ، و این سنت الهی است . اگر گیاهی را خدا آفرید ، لوازم پرورش او را هم می‌آفریند . ممکن نیست خدا گیاه بیافریند ، ولی باران نفرستد . کسی که مسئول تربیت کودک است ، نمی‌شود کودک را بدون حامی و سرپرست رها کند ، چون مسئول تربیت او است . همانطور که در آفرینش و نظام هستی هیچ موجودی بدون عوامل کمال و رشد امکان رشد ندارد ، آفرینش انسان هم اینچنین است . خداوند انسان را به حال خودش واگذار نمی‌کند که در هر بی‌راهی برود ، بلکه برای او راهنما و رهبر فرستاده است .

اینک دلیلی از قرآن کریم برای این موضوع می‌آوریم :

"كَمْ يَكُنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ
"الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ
"حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ"

(سوره بینه - آیه ۱)

بشر خواه آنها که مشرکند و خواه آنها که اهل کتابند ، منفک از رسالت نیستند ،

و این سنت خداست . در صورتی که آفرینش گیاهان از باران جدا نیست ، و پرورش کودکان از سرپرستی پدر و مادر جدا نیست ، بشر هم از راهنما و بینه جدا نیست . بینه کی است ؟ در ادامه آیه گذشته می‌فرماید : "رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً" بینه رسول خداست که صحیفه‌های پاکیزه را برای مردم می‌خواند . و این صحف مطهره اشاره به ره آورد پیامبر است که وقتی آمد چه می‌آورد . و آنچه آورده شریعت و دین نامگذاری می‌شود . فعلا بحث ما در اصل نبوت است ، و اینکه وجود انسانی الهی که بر خوردار از وحی و معجزه و عصمت باشد ، لازم است .

بنا بر این خدا هرگز بشر را بدون رسولی که بینه و روشنگر باشد رها نمی‌کند . باید رسول آنگونه باشد که حجت خدا بر مردم باشد و راه هدایت و ضلالت را بر همه کس روشن گرداند . "قَدَّتَبَيِّنَ الرُّشْدَ مِنَ الْغَيِّ" بعد از آنکه پیامبر احکام را آورد ، مردم در قبال او به سه دسته تقسیم می‌شوند :

۱ - گروهی برآستی می‌پذیرند ، و در

این راه استقامت می‌ورزند.

۲- گروهی بطور جدی تکذیب میکنند ،
و در راه خود ایستادگی مینمایند .

۳- گروهی بینابین هستند ، گاهی از
اینطرف و گاهی از آنطرف .

یعنی همانطور که از نظر سلامتی بدن ،
مردم سه دسته‌اند : یا زنده و یا مرده و یا
زنده ولی بیمار ، از نظر جان هم ، از این
سه حال بیرون نیستند . جان و روان آدمی
یا زنده و سالم است که همانا موه‌من و عالم
می‌باشد . و یا زنده و مریض است که او -
مسلمان فاسق است . و یا اینکه جان مرده
است که در آن صورت کافر می‌باشد .

پس جانها در مقابل دعوت انبیاء این
سه حالت را دارند ، و لذا خداوند در سوره
مبارکه حج ، آیه ۵۲ می‌فرماید :

"وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ
رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا لِيُذَكِّرَ
الَّذِينَ فِي الْأُمِّيَّةِ"

هیچ فرستاده و پیامبری را قبل از تو
ای پیغمبر نفرستادیم جز اینکه در برنامه
او و آنچه مورد تمنی و آرزوی او بود ،
شیطان القاء دسیسه و فتنه‌گری کرد . و
این فتنه‌گری در بعضی آنچنان اثر
گذاشت که آنها را از پای درآورد و کافر
شدند ، و در بعضی از افراد مقداری اثر
گذاشت که آنها را مریض کرد و مسلمانان
فاسق شدند ، و در عده‌ای به هیچ وجه
اثر نگذاشت که آنها موه‌من عالمند . هر
پیامبری نباید شیطان مانع او است ، و
بدون هیچ تردیدی شیطنتش را اعمال
میکند و فتنه‌هایش را القاء می‌نماید . ولی
در ادامه آیه چنین می‌خوانیم :

"فَيَسْخُخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ"
خداوند فتنه‌ها و دسیسه‌های او را نسخ

می‌کند و از بین می‌برد ، و همانا برنامه
پیامبران اجرا شدنی است .

"ثُمَّ يَحْكُمُ اللَّهُ أَيَّتَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ"
ولی در میان این فتنه‌گریها است که
انسانها امتحان میشوند و سه دسته از
امتحان بیرون می‌آیند .

۱- شوبگریهای شیطان بر چه کسانی اثر
میگذارد :

فتنه‌گریهای شیطان در دو گروه اثر
میگذارد :

۱- آنها که قلبشان مریض است :

"الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ"

۲- آنها که قساوت قلب دارند و سخت
دل هستند .

این دو گروه در یک آیه قرآن ذکر
شده‌اند ، در آیه ۵۳ از سوره حج که ادامه
آیه گذشته است چنین می‌فرماید :

"لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً
لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ
الْقَاسِيَةِ قُلُوبَهُمْ"

تا خداوند به آن القاءات شیطان ،
کسانی را که دل‌هایشان مبتلا به مرض و
قساوت است بیازماید .

آنان که دل‌هایشان بیمار است ،
مسلمانان فاسق هستند که هنوز از حیات
اسلامی بهره دارند . قرآن افرادی را که
با شنیدن صدای نامحرم تحریک میشوند
مریض میدانند ، و لذا به همسران پیامبر
دستور میدهد که صداها را نازک و رقیق
نکنند تا آنان که دل‌هایشان مریض است ،
طمع نکنند .

"فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي"

"فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ"

(سوره احزاب - آیه ۳۲)

زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگوئید
مبادا آنکه در دلش بیماری (هوی و هوس)
است به طمع افتد .

انسانی که به دنبال صدای نامحرم
حرکت طمع آمیز دارد ، قلبش مریض است
و اگر این قلب را معالجه نکند ، مصداق
این آیه شریفه میشود :

"فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَرَّادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا"

قلوب آنان بیمار است و خداوند بیماری
آنان را افزونتر میکند . اسلام مکتبی است
که بی‌عفتی را مرض میدانند . و همچنین
سایر معاصی نیز مرض است . و این فاسقان
در مقابل منافقین قرار دارند ، زیرا منافق
مریض نیست بلکه مرده است . وقتی کافر
مرده باشد یقینا منافق مرده است ، و این
هر دو مرده‌اند و دیگر حیات ندارند . ولی
مسلمان فاسق باز حیات دارد گرچه مریض
و بیمار است .

و اما غرض از سخت دلان "القاسیه
قلوبهم" کفار و منافقین میباشد . هنگامی
که خلافکارها ادامه پیدا می‌کنند ، و
گناهان صغیره به گناهان کبیره مبدل
میشود ، سرانجام قلب قسی خواهد شد ،
و آن وقت است که دیگر تعالیم انبیاء در
آنها اثر نمیگذارد .

خدای متعال در آیه ۱۶ سوره حدید
قساوت دل را مطرح میکند :

"الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَأْتُوا بِالْحَقِّ
قُلُوبِهِمْ لِيَذُكُرُوا اللَّهَ وَمَا نَزَلَ مِنْ
الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ
قُلُوبُهُمْ"

آیا هنگام آن نرسیده است که آنان که
گفتند ما ایمان داریم دل‌هایشان بیاد
خدا بلرزد و خاشع گردد ، و به آنچه از

حق نازل شد توجه کنند، و مانند کسانی که پیش از این کتاب آسمانی بر آنها نازل شد نباشند که دوره طولانی بر آنها گذشت و دلهاشان زنگ قساوت گرفت.

برای توضیح آیه، اگر دقت کرده باشید آبهای معدنی همراه با رسوبات است، و در مسیری که طی میکند کم کم رسوبات در مسیر آب ناخالص زیاد میشود و به صورت تل بزرگی در می آید، و حتی راه را بر

و خاشع شود که اخبات همان نهایت خشوع و کرنش است.

بنابراین، آنانکه مورد آرزوی پیامبرانند این دسته سومند، و اینها چون پذیرفتند از نعمت توفیق و هدایت برخوردار میشوند:

"وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا"
 "إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ"
 (سوره حج - آیه ۵۴)

و همانا خداوند هدایت میفرماید

که اینها کفارند.

۲- گروهی بینابین هستند که اینها مسلمان فاسق و بیمارند، و اگر در این گمراهی ادامه دهند و خود را معالجه نکنند، می میرند و جزء دستاورد میشوند.

۳- آنانکه ره آورد انبیاء الهی را پذیرفتند و از هدایت دوم، خداوند بهره مند گردیدند و مشمول هدایت خاصه الهی شدند.

ادامه دارد

خدا هرگز بشر را بدون رسولی که بینه و روشنگر باشد درها نمی کند باید رسول آنگونه باشد که حجت خدا بر مردم باشد و راه هدایت و ضلالت را بر همه کس روشن گرداند

خودش می بندد. امراض در وجود آدمی مانند همان رسوبات آب معدنی است، اگر طول کشید و در مقام علاج بر نیامد، به مرحله قساوت دل میرسد و می میرد، و راه را برای رسیدن به کمال بر روی خودش می بندد.

و اما گروه سوم، آنان که برنامه انبیاء را پذیرفتند. یعنی آن گروه مؤمن عالم که آشوبگرهای شیطان در او اثر نمیگذارد در ادامه آیه قبل (سوره حج - آیه ۵۴) میفرماید:

"وَلْيَعْلَمِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ
 "الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيَوِّضُوا بِهِ"
 "فَقَضَيْتَ لَهُ قُلُوبَهُمْ"

باید آنانکه علم به آنها داده شد (۱) بدانند که ره آورد انبیاء حق است از پروردگار تو، پس ایمان بیاورند و بپذیرند و قلوب آنها در مقابل این ره آورد خاضع

مؤمنین را به راه راست و مستقیم، خداوند به اینها دو هدایت عنایت فرموده، یکی هدایت عام که شامل همه میشود:

"وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ"
 او را به راه خیر و شر رهنمون ساختیم. و هدایت دوم، هدایت مخصوص است که شامل آنهایی میشود که ره آورد انبیاء را پذیرفتند.

نتیجه بحث:

در اینجا بحث به اختصار بیان میشود:

اول: سنت الهی است که بشر از پیامبران و دعوت آنها جدا نیست، و پیامبران بینه الهی هستند. و این مطلب برای مشرکین و اهل کتاب هم هست.

دوم: مردم در مقابل انبیاء و دعوت آنها به سه دسته تقسیم میشوند:

۱- آنان که تکذیب میکنند و می ایستند

(۱) معمولاً اینگونه موارد، کلمات با فعل مجهول استعمال میشوند مانند "أوتوا العلم" برای اینکه کسی خیال نکند من به زحمت خودم عالم شدم و به این مقام رسیدم اگر کسی چنین فکر کرد راه قارون را طی میکند قارون هم می گفت: خودم عالم به اقتصاد بودم و این مال را بدست آوردم.

باید انسان بداند آنچه پیدا میکند از خدا است. در سوره نحل می فرماید:

"مَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ"

چه بسا افرادی که خواستند دانشمند بشوند ولی نشدند، و چه بسا افرادی که علمی آموختند ولی عملی نیندوختند، و چه بسا افرادی که نیمه راه برگشتند پس آنچه نعمت است از خداوند است، و لذا در آیه شریفه می فرماید: آنها که علم به ایشان داده شد، و نگفته است: آنها که خود تحصیل علم کردند.



حضرت آیت الله
حسین نوری



رقص اسلام

فصل اول

طرحی از کلیات مسئله سرمایه داری در اسلام

بسمه تعالی

در قسمت های پیشین این سلسله مباحث، اصول مسائل اقتصادی اسلام، به صورت طرحی از کلیات و مطالب پایه‌یی و زیر بنائی، مورد بحث قرار گرفت، که می‌توان آنها را مدخل و پیش در آمدی برای مباحث تحلیلی دیگر دانست.

اکنون، که اطلاعات کلی و لازم بدست آمده، فصول جدیدی را در این مباحث می‌گشائیم، که هر یک به تنهایی، در بردارنده یک بحث محوری و اساسی خواهد بود و بحث‌های مستقلی را در بر خواهد گرفت.

اولین مبحثی که اینک مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم، یکی از مباحث مهم اقتصادی اسلام است که در عین حال، با اوضاع و احوال جاری زمان ما نیز تناسب دارد و مکرر مورد سؤال و بحث و گنجگاو قرار می‌گیرد.

این مبحث، موضوع مهم "سرمایه از نظر اسلام" است، که تجزیه و تحلیل آن، در حال حاضر از ضروریات حیاتی زمان ما به شمار می‌آید.

"سرمایه" در اسلام، چه ابعادی دارد و این آئین مقدس، مسأله سرمایه را - که از مسائل همیشگی زندگی انسان بوده است - از چه دیدگاهی می‌نگرد؟

برای روشن شدن مسأله، از دیدگاه اسلام و قرآن، یکی از داستانهای قرآنی را، که با موضوع مورد بحث ما، تناسب کامل دارد، مطرح ساخته، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم. این داستان، از ثروتمندی بنام "قارون" بحث می‌کند، اما باید در نظر داشت، که این شخص، تنها به عنوان یک "فرد" مطرح نیست، بلکه قرآن کریم، او را به عنوان یک الگوی قابل بحث و مظهر سرمایه داری معرفی می‌کند، تا نشان دهد که در قرآن و اسلام، سرمایه داری مذموم چیست.

آیاتی که در این مبحث مورد گفت و گوی ما قرار می‌گیرد، از آیات سوره مبارکه قصص است، که هر یک را، در جای خود، مطرح خواهیم کرد. نخستین آیه‌ای که از آن استعانت می‌کنیم، وبه وضوح و روشنی، در باره بزرگترین سرمایه دار دنیای قدیم - یا بزرگترین ثروتمندی که تاریخ بشر تا امروز از

وی نام بردم سخن می گوید ، آیه ۷۶ از سوره مبارکه قصص است .

می فرماید :

" اِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ وَاَتَيْنَاهُم مِّنَ الْكُتُوبِ مَا لَانَ " " مَفَاتِحَهُ لَتَنُوۡا بِالْعَصْبِ اُولٰٓئِی الْقُوَّة " " اِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهٗ : لَا تَفْرَحْ اِنَّ اللّٰهَ " " لَا يُحِبُّ الْفَرِحِيْنَ "

قارون از قوم موسی بود و بر آنها (افراد قوم خود) ستم روا داشت . و ما او را چندان ثروت دادیم که حمل کلیدهای گنج هایش برای گروهی از مردان نیرومند نیز سنگین بود . و افراد قوم قارون به او گفتند مغرور مشو و تکبر مفروش که خداوند مغروران و متکبران را دوست نمیدارد .

در این یک بحث اقتصادی مطرح است . و البته ، اقتصاد دیدگاه اسلام که متعالی - ترین و آسمانی ترین و انسانی ترین وجوه اقتصادی است . در پرتو این آیه که شعله بی جاویدان از شعله های چراغ هدایت قرآن کریم است ، می توانیم نور هدایت بگیریم ، پیش پای خود را روشن سازیم و در راهی درست و دوزخ تاریکی جهالت های بشری گام برداریم و بجایی برسیم که یکی از کلید های بحث اقتصاد اسلامی در آنجا است . بجایی برسیم که آشکارا ببینیم سرمایه و سرمایه داری ، در اسلام چگونه مطرح شده است و چه صورتی دارد ؟ اساسا ، در اسلام ، سرمایه داری به چه مفهومی مورد قبول است و به چه معنی مذموم و محکوم شمرده میشود ؟ تردیدی نیست که اسلام ، برای کار و تلاش و فعالیت های انسان ، ارزشی شایسته قائل است و حاصل و نتیجه بی را که از کار و تلاش بدست آید ، محترم می شمارد . زیرا اگر قرار بر این شود که انسان صاحب حاصل تلاش و فعالیت خود نباشد ، و میان کسی که زحمت می کشد و برای تدارک وسایل آسایش خود بجان میکوشد با کسی که تن به کار نمیدهد و با تنبلی و تن آسائی وقت می گذراند و به صورت موجودی عاطل و باطل و مفت خور سربار جامعه میشود تفاوتی وجود نداشته

باشد ، نظام زندگی اجتماع در هم میریزد ؛ از یکسو ، مردان کار و تلاش وقتی ببینند که صاحب نتیجه زحمات خود نیستند و آنچه با فعالیت شرافتمندانه بدست آورده اند ، بنا - حق از دست شان گرفته میشود و بین آنها و بیکاره ها و تن پرورها یکسان تقسیم میشود ، از این بیعدالتی آشکار ، که در بعض جوامع بنام (عین عدالت " اجرا میشود) رنجیده و مأیوس و سرخورده میشوند .

در نتیجه دیگر دل به کار نمیدهند ، دست از فعالیت و سازندگی می کشند و بدینسان نیروهای فعال جامعه ، از کالا و تلاش و تولید و بازدهی میمانند و امور جامعه فلج میشود . از سوی دیگر ، وقتی بیکاره ها و تن پرورها ببینند که با وجود فرار از کار و سازندگی ، و با وجود بطالت و عدم قبول مسئولیت ، همانقدر از مواهب زندگی برخوردار میشوند که صاحب کار و زحمت برخوردارند ، هرگز خود را موظف به زحمت و تلاش نمی بینند و نه تنها خودشان تمام عمر را عاطل و باطل می گذرانند ، بلکه وضع آنها ، عده بسیار دیگری را نیز تشویق به تنبلی می کند و امیدارد که دست از کار و تلاش بردارند و در سایه دیوارها بنشینند و منتظر بمانند که " عدالت گستران مادی نگر " لقمه را از دست فعالان و زحمت کشان بگیرند و یکسان در دهان هر دو بگذارند .

اگر در منطق بعضی ایدئولوژیها و مکتب های سیاسی و اجتماعی ، معنی " برقراری عدالت " این باشد ، اسلام چنین عدالتی را عین ظلم و بیعدالتی میدانند و محکوم می کند و از آن روی برمی تابد .

اما جنبه دیگر قضیه هم مطرح است : در بعض جوامع دیگر نیز ، کارگزاران استعمار و استثمار ، بنام " آزادی حق مالکیت " به قیمت هر خیانت و جنایتی که باشد ، ثروتی نامشروع فراهم می کنند و آنگاه در سایه سرمایه و پول که قدرت و زور را نیز بدنبال دارد ، فقر وضعفای زحمتکش را استثمار می کنند و در سایه رنج و تلاش بی امان آنها هر روز بر ثروت مسموم خود می افزایند حال

آن که جز لقمه بی نان بخور و نمیر ، حقی برای زحمتکش و صاحبان اصلی آن ثروت و سرمایه قائل نمی شوند .

اسلام ، اینگونه " آزادی حق مالکیت " را نیز ، نه تنها به رسمیت نمی شناسد که آن را جنایتی شوم نسبت به افراد انسان ، که وارثان برحق زمین و مواهب و نعمت های آنند ، می شمارد .

راه حق و راستی در اقتصاد اسلامی :

پس اسلام چه میگوید و بین این دو راه ، چه راه دیگری را انتخاب می کند که هم نظام جامعه در هم نریزد ، هم بیکاره ها سربار جامعه نباشند ؟ هم مردان کار و تلاش دست از فعالیت و سازندگی نگشند ، هم تنبلی و تن پروری تشویق و اشاعه نشود ؟ هم حق مالکیت مشروع ، محترم شمرده شود ، هم استثمار از بین برود و در نتیجه کار و زحمت اکثریتی عظیم ، یک اقلیت خائن و خونخوار در ثروت های باد آورده و نامشروع غوطه نزنند و خون مستضعفان و خانواده آنها را در شیشه نکنند ؟

اینچنانیز ، مثل همیشه ، اسلام بهترین و متعالی ترین راهها را انتخاب کرده و پیش پای انسان گذاشته که دقیق و جزئیات آن ، به روشنی ، در آیات روشنگر قرآن روشنائی بخش آمده است ، راهی که می توان از آن به " راه حق و راستی ، تعبیر کرد .

برای یافتن مدخل این راه ، بهتر آن که نخست ببینیم در اسلام ، چگونه سرمایه های روا (حلال) و چه سرمایه هایی ناروا (حرام) است . زیرا که در تمام مسائل انسان در ارتباط با جامعه اش ، شناختن مرز حلال از حرام و روا از ناروا است که راه درست و روشن را پیش پای یک مسلمان می گذارد .

یک فرد انسان ، اگر از راه کار شرافتمندانه ، فعالیت عقلانی ، کسب حلال و هر گونه تلاش و زحمت صحیح و صواب ، از مواد جهان و مواهب و نعمت های زمین برای پیشرفت خود و تعالی بخشیدن به زندگیش استفاده کند ، و با مال ، با رعایت موازین اسلام زندگی

مرفهی برای خود و خانواده اش فراهم کند و مال حلالی بیندوزد، اینگونه سرمایه دار شدن از نظر اسلام نه تنها عیب و ایرادی ندارد، بلکه مقبول و رضا بخش و در خور تحسین و تشویق نیز هست.

پروردگار توانا، به حکمت مدبرانه اش ما را آفرید و با تدبیر حکیمانهاش به ما عقل و هوش و نیروی فکر و اندیشه داد، و آنگاه مواد این عالم و نعمت های روی زمین را در اختیار ما قرارداد تا از آنها بهره مند شویم. خداوند به ما امکان داد تا از مواد و مواهب این جهان برای هر چه بهتر ساختن زندگی خود استفاده کنیم، ارزش انسانی خویش را بشناسیم و خود را لایق زندگی مرفه و آسوده بدانیم، فقر و گرسنگی را از میان ببریم، بیکاری و بیکاری را ریشه کن کنیم، غبار بینوایی را از چهره زندگی بزدائیم، برای تمام افراد جامعه، خانه و آشیانه و سروسامان

قالب و چهارچوب موازین اسلامی (حلال) است. همان است که قرآن، پیروان اسلام را بدان تشویق و توصیه می کند. همان است که شرع مقدس می خواهد و میگوید که باید در یک جامعه اسلامی تحقق پذیرد. زیرا اسلام نمی خواهد که پیروانش بیکاره و تن پرور و فقیر و گرسنه و فلاکت زده و درمانده و بینوا باشند بلکه می خواهد مسلمانان، یک جامعه مرفه، خودکفا، مستقل، آسوده، برخوردار از نعمت های زندگی، و با مال قدرتمند و سربلند تشکیل دهند. و جامعه هم آهنگ را، بدین معنی ایجاد کنند.

نقش ولایت فقیه در تعالی جامعه:

امام سألہ، بهمین جا ختم نمیشود. در یک جامعه اسلامی که همه ثروتمندان، از راه حلال به مال و رفاه رسیده باشند و مالکیت شان نیز با موازین اسلامی محترم و محفوظ

اجتناب علی و ناتوان شده است، یا بیوه زنی که با کودکان خردسال خود، بی سرپرست مانده است، یا کودکی یتیم که حتی خویشتاوندی نیز ندارد تا نگهداری از او را عهده دار شوند و دهها و دهها از افراد دیگر که هر یک به دلایلی قادر به کار و فعالیت و تأمین معاش نیستند و نمی توانند در مسابقه شرافتمندان کسب روزی شرکت جویند، چه وضعی خواهند داشت؟ آیا این عده، چون به دلایلی که ذکر شد، قادر نیستند و وسایل رفاه و آسایش خود را بدست آورند، باید همچنان در فقر و گرسنگی و رنج بمانند؟ و از طرف دیگر، آیا ثروتمندان جامعه، چون ثروت خود را از راه حلال و منطبق با موازین اسلامی بدست آورده اند و موازین اسلام مالکیت آنها را محترم و محفوظ و مصون می شمارد، می توانند با فراغ و آسودگی به سرمایه های خود تکیه کنند و به زندگی رنج آمیز گروه محرومان و مستمندان

اسلام نمی خواهد که پیروانش
بیکاره و تن پرور و فقیر باشند بلکه
می خواهد مسلمانان یک جامعه
مرفه، خود کفا، مستقل، آسوده،
قدرتمند و سربلند تشکیل دهند



زندگی فراهم آوریم، و بطور کلی، یک جامعه خوشبخت و مرفه و متعادل و هماهنگ ایجاد کنیم. هم آهنگ، نه بدان معنی که مشوق تنبلی و تن پروری باشد، بلکه بدان معنی که از راه کار و تلاش برای کسب معاش و تحصیل وسایل رفاه برای همه افراد جامعه بدست آمده باشد. اگر مسأله رفاه و دارایی را، از این دیدگاه بنگریم، همان است که در

شمرده شود، باز هم مواردی وجود خواهد داشت، که فقر و گرسنگی و محرومیت، چهره زشت خود را نشان دهد و چنگ و دندان تیز کند: پیرمرد و پیرزنی که نیروی کار و فعالیت خود را از دست داده اند، یا کسی که بر اثر نقص عضوی به صورت فردی از کار افتاده در آمده است، یا فردی که - چه بطور مادرزادی و چه بر اثر حادثه و سانحه ای غیر قابل

بی اعتناء بمانند؟ و آیا در چنان وضعی، فقراناچار باید همواره در معرض گرسنگی و در خطر مرگ و هلاک باشند؟

پاسخ به این سؤالها، منفی است. زیرا قوانین اسلام، در این موارد نیز ساکت ننمانده و محرومان را به حال خود رها نکرده است. زیبایی و شکوه معنای جامعه هم آهنگ اسلامی در این گونه موارد است که بیش از پیش جلوه

گرمیشود. در این موارد، دیگر همه افراد جامعه مسئولیت دارند و همه باید با هم آستین همت بالا بزنند و به یاری محرومان جامعه بشتابند. ولی این کار، به چه صورتی باید انجام بگیرد که هم نظم و انتظامی داشته باشد، هم کسی از قلم نیفتد، هم میان محرومان تبعیضی صورت نگیرد، و هم کسی از انجام مسئولیت خود و کمک به محرومان شانه خالی نکند؟

طبیعی است که در این میان، بایست دستگاهی برای سازمان دادن به چگونگی "دریافتی‌ها" و هماهنگ و یکسان کردن "پرداختی‌ها" وجود داشته باشد. این دستگاه، در زمان حکومت عدل علی (ع)، تشکیلات خزانه بیت‌المال بوده است که مالیات‌های اسلامی دریافت شده از توانگران و غنائم جنگی و عائدات مربوط به انفال در آن گردمی‌آمد و در کمال عدل و مساوات در میان محرومان تقسیم میشد. و یکی از نمونه‌های بارز اجرای این عدالت آتش بردن به نزدیک دست عقیل بود که اندکی بیش از حق خود مطالبه کرده بود.

ولی امروز، که سازمان و ساختمان تشکیلاتی جوامع دگرگون شده، بر اساس همان محورا صلی اسلامی، ولی در قالب و چهار چوبی که حکومت جمهوری اسلامی ترتیب آن رامعین خواهد کرد، باید به حل این مسأله پرداخت. زیرا شک نیست که حکومت و حاکمیت ولایت فقیه، بهترین و عملی‌ترین صورتی را که در این زمان امکان آن باشد، برای حل این مسأله مقرر و دایر خواهد کرد. چون اصل، در حاکمیت ولایت فقیه از جنبه اقتصاد، بر همین محورا استوار است که جامعه‌ای متعادل و هماهنگ ایجاد شود و در آن، از فقر و گرسنگی و بیماری و بی‌مسکنی و بی‌کاری و نااهم‌آهنگی و درماندگی و ناتوانی اثری نباشد.

در قوانین اسلامی، هنگامی که حاکمیت ولایت فقیه برقرار میشود، فقیه عادل، آنقدر قدرت دارد که می‌تواند برای ایجاد یک جامعه متعادل و هماهنگ از افرادی که سرمایه

و ثروت بیشتری دارند، بهر مقدار که صلاح بداند، با وضع مالیات‌های عادلانه و مطابق با اوضاع و احوال زمان، حتی به صورت مالیات تصاعدی، از مال و سرمایه آنها بگیرد و در میان فقرا و محرومان تقسیم کند. اینکه شما در این زمان، می‌بینید در کشورهای اسلامی همچون عربستان سعودی، پاکستان، ترکیه، اردن، مصر، مراکش، سودان و دیگر ممالک اسلامی دو قطب، یکی قطب ثروتمندهای متنعم و دیگری قطب مستضعفان محروم و فقیر وجود دارد، این بر خلاف روح اسلام و موازین شرع است.

البته در باره کشور عزیز اسلامی خود ایران نیز توجه داریم که هنوز، در کشور ما هم آن موازین اسلامی بطور کامل پیاده نشده است. و این شگفت نیست. زیرا که جمهوری اسلامی کشور ما، فقط سه سال و چند ماه از عمر خود را پشت سر گذاشته است. اگر بیدیدانصاف و مروت بنگریم، اعتراف خواهیم کرد که این دوره کوتاه سه ساله - تازه، در صورتی که تمامی آن در کمال آرامش و آسودگی و بدون تلاش‌های سرکوبگرانه دشمنان خارجی و زحمت‌آفرینی‌های ضدانقلاب داخلی و فارغ‌زدر - گیری‌های جنگ‌تحمیلی هم میگذشت - برای جبران خرابکاریها و ویرانگریهای ۱۴۰۰ ساله حکومت‌های فسق و فجور و ظلم و فساد پادشاهان و حکام و امرای ستمگر و خونخوار و ضد اسلام، کافی نبوده است. چه رسد به آن که در این مدت، نه ملت شریف و شهیدپرور ما فارغ از فتنه‌ها و توطئه‌ها بوده است، و نه گردانندگان حکومت اسلامی، فراغت لازم برای جبران خرابکاریهای ۱۴ قرن و استقرار ارکان و موازین اسلام را داشته‌اند.

دشمنان اسلام، از چه می‌ترسند؟

حتی دشمنان قسم خورده انقلاب و حکومت اسلامی ما، در کمال عجز و بیچارگی، چشم‌انداز روشنی را که در انتظار این کشور اسلامی و این ملت جان‌برکف و شهید پرور است، می‌بینند و با درماندگی و هراس و نومیدی، به پیروزی کامل و قریب الوقوع حکومت اسلامی

اعتراف می‌کنند. آنها بخوبی میدانند که: دور نخواهد بود آن روز خجسته‌یی که اسلام، با همه لطیفه‌های الهی و دقیقه‌های ملکوتی‌اش، ابعاد قوانین حیات بخش خود را در سراسر خطه حکومت اسلامی بگستراند. و همه هراس و عجز تلخ و جانگهاگان از این است که در همین مدت کوتاه، دانستند که اسلام برای مردم، برای طبقات گوناگون "ناس" چه می‌خواهد:

اسلام می‌خواهد در قلمرو حکومت خود جامعه متعادل و هماهنگی ایجاد کند که در آن، از فقر و محرومیت و ذلت و درماندگی - و در یک تعبیر کلی و کامل: از استضعاف - کمترین نشانی باقی نماند. دانستند که با پیاده شدن احکام و قوانین اقتصاد اسلامی، یکبار دیگر و برای همیشه فقر مالی و فرهنگی، محرومیت رفاهی و معنوی، پایمال شدن عدالت اجتماعی، گرسنگی و بی‌کاری، از بین خواهد رفت. همه افراد جامعه، با سواد و تحصیل کرده، و بالاتر از آن صاحب فرهنگ و درک و بینش عمیق و آگاهی تزلزل ناپذیر خواهند بود. هیچکس از بیماری و عدم دسترسی به پزشک و دارو، صدمه نخواهد دید و جان عزیز از کف نخواهد داد. هیچکس در زاغه‌ها و حلبی‌آبادها زندگی نخواهد کرد، و هر کس خانه‌یی متناسب با تعداد عائله‌اش و فراخورشان و فطرت انسانی‌اش خواهد داشت.

و در یک کلام: هر کس که تحت لوای حکومت اسلامی زندگی می‌کند، حتی اگر مسلمان نباشد و از دین و آئین الهی و آسمانی دیگری پیروی کند، در سایه این حکومت رفاه جسمی و مادی و اجتماعی، بدست خواهد آورد و در پرتو خورشید تعالی روحی و معنوی و فرهنگی بسر خواهد برد. این است جنبه مثبت مال و ثروت در چهار چوب مورد قبول موازین اسلامی و شاخه‌های سایه گستری که از آن سربر می‌زنند و بالندگی می‌گیرد اما سرمایه‌داری مذموم که مورد انتقاد و ناهنجار است و با فطرت انسانی ناسازگار است در مقاله‌های بعد با توفیق خداوند متعال مورد بحث قرار خواهد گرفت. ادامه دارد

مرآتی کشف الاسرار

نموده ، دانشمندان او را به خدائی و عدل و داد نمی پذیرند و مقام خدائی از چنین بیهوده کاری منزّه است .

پس از این مطلب و مطالب بسیار دیگر در صفحه ۲۸۱ میفرمایند :

تنها حکومتی که خرد آن را حق میدانند و با آغوش گشاده و چهره باز آن را میپذیرند حکومت خدا است . ما نمی گوئیم حکومت حتما باید با فقیه باشد بلکه میگوئیم حکومت باید با قانون خدائی که صلاح کشور و مردم است اداره شود و این بی نظارت روحانی صورت نمیگیرد .

این کلام چهل سال قبل امام است و در پاریس در تمامی مصاحبهها در جواب اینکه جمهوری اسلامی یعنی چه ؟ آیا بمعنای اینست که روحانیون در رأس قرار گیرند امام بلااستثناء میفرمودند :

جمهوری اسلامی یعنی جمهوری ای که با اتکاء به مردم تشکیل میشود ولی محتوای آن صد در صد اسلامی است . و یا در بعضی از مصاحبهها فرمودند : نظارت با روحانیون است .

در بعضی فرموده اند :

ما نمی خواهیم روحانیون در رأس حکومت باشند خیر بلکه روحانیون ناظرند تا خلاف اسلام نشود .

در اینجا این سؤال پیش میآید که پس چرا روحانیون در رأس حکومت قرار گرفتند رئیس جمهور روحانی است بعضی از وزراء روحانی میباشند .

این سؤال را امام اینگونه جواب دادند فرمودند :

به دولت موقت نگاه کنید یک روحانی نیست حتی وزارت ارشاد را به غیر روحانی داده بودیم این کار دنبال همان نوع تفکر

بررسی قرار گیرد آنستکه این اولوالامر چه کسانی هستند بعضی میگویند که آنها پادشاهان و امرا هستند !! خدا واجب کرده بر مردم که اطاعت کنند از سلاطین و پادشاهان خود !! اینک ما از عقل خدا داده داور می خواهیم : خدای جهان پیغمبر اسلام را فرستاد با هزاران احکام آسمانی و پایه ی حکومت خود را بر اصل توحید و عدالت بنا نهاد . . . همین خدا که پایه عدل را در جهان با فداکاریهای مسلمانان استوار نمود و از ستمگاریها و بی-عفتیها جلوگیری کرد آیا به مردم امر میکند که همه اطاعت کنید از آتاتورک که همه میدانند با دینداران چه کارها کرد و با مردم چه ستمکاریها نمود ؟ یا بگوید باید از پهلوی اطاعت کنید که همه دیدید چه کرد ؟ !! که اگر کسی بخواهد مخالفت-های ضریح او را با قرآن و خدا بشمارد شاید نیازمند بیگ کتاب گردد ، چنین خدائی که خود اساس دین و عدل را بسپارده خود به دست خود به خراب آن امر

بسم الله الرحمن الرحيم

قول داده بودم مطلبی کوتاه از کشف اسرار و حکومت اسلامی یا کتاب ولایت فقیه و سایر کتب امام بنویسم بار دیگر به کشف اسرار مراجعه کردم . مسائلی در آن دیدم که حیقم آمد از آن بگذرم . این کتاب پرخاشی است علیه زور و تجاوز و بی دینی با اینکه در چهل سال قبل نوشته شده ولی با مقایسه با کتابها و روزنامه های چهل سال قبل از نثری خوب برخوردار است در این کتاب به مسائلی برمیخوریم که معلوم است امام از همان موقع در فکر حکومت اسلامی بوده اند در صفحه ۱۳۸ کتاب مذکور آمده است :

خدای تعالی با این آیه (که اشاره است به آیه " بِاللّٰهِ يَتَوَكَّلْ وَاللّٰهُ هُوَ الْمَوْلٰى وَ الْحَمِيْدُ ") تشکیل حکومت اسلامی داده است تا روز قیامت و پرورش است که فرمانبرداری کسی جز این سه را واجب نکرده و چون بر تمام امت واجب کرده اطاعت اولوالامر را ، آنچه باید مورد



بچه‌های مظلوم آنان را سقط‌کنند این دولت
دولت ظالمانه و اعانت به آن عدیل گفر
است .

ما حکومت دیکتاتوری را ظالمانه و عمال
آنها ظالم و ستمکار میدانیم ، هر کس آنها
را محترم بداند از شرف و انصاف بوئی
نبرده است . آن روزنامه‌هایی که از اعمال
ظالمانه دیکتاتور گریز یا طرف‌داری میکنند
کمک کار با اصول وحشیانه‌ی دیکتاتوری
میباشد و باید اوراق آنها را در میدانها
آتش زد .

و در جای دیگر کتاب کشف اسرار آمده
است :

دستوری که دولت دیکتاتوری رضا خان
قاچاق داده به پک پول سیاه ارزش ندارد و
باید حتما قانونهایی که در آن زمان از
مجلس گذشته اوراقش را سوزاند و محو کرد
وکلای زوری آن روزها حق وکالت امروز را
ندارند . و اگر مجلس امروز مجلس باشد
باید اعتبار نامه آنها را رد کند .

در جای دیگر کشف اسرار آمده است :
آن حرف بی‌خرदानه که از مغز یک سرباز

به حکومت رضاخان . این را نباید فراموش
کرد که روحانیون در چهل سال قبل نوعا
کاری باین کارها نداشته‌اند . در زمانی امام
این مطالب را گفته‌اند که بسیاری روحانیون
دخالت در این امور را حرام میدانستند
نه تنها آنموقع حتی وقتی امام شروع به
مبارزه کردند - سال ۴۲ را می‌گویم - در
آنموقع هم عده‌ای از خدا بی‌خبر گفتند
امام از روحانیون و حوزه علمیه قم نیست .
در کشف اسرار آمده است :

ما میگوئیم دولتی که چندین هزار افراد
مظلوم کشور را در معبد بزرگ مسلمین و
جوار امام عادل با شصت تیر و سر نیزه
سوراخ سوراخ و پاره پاره کند این دولت ،
دولت گفر است و اعانت آن عدیل گفر و
بدتر از گفر است .

ما میگوئیم دولتی که بر خلاف قانون
کشور و قانون عدل ، یک گروه دیوان‌آدم -
خوار را بنام پاسیان در هر شهر و ده به
جان زنهای عقیف بی‌جرم مسلمان بیندازد
و حجاب عفت را با زور سرنیزه از سر آنها
برباید و محترمت را در زیر لگد انداخته و

پاریس بود ولی بعدا بر خورد کردیم به
اینکه آنگونه که مردم و ما میخواستیم که
مسائل اسلام صد در صد رعایت شوند نشد
ما گفته بودیم که روحانی را در راس قرار
نمی‌دهیم اما نه بصورتی مطلق حتی اگر
غیر روحانی‌ای باشد که باسلام معتقد نباشد
نه ، ما در زمانی که یک روحانی با غیر
روحانی در تمام زمینه‌ها مثل هم باشند ،
غیر روحانی را در مشاغل اجرایی بر روحانی
ترجیح می‌دهیم . ولی دیدیم که نه ! آنان
بآنصورت به اسلام عمل نمی‌کنند . در این
صورت نه اسلام اجازه چنین کاری را میدهد
و نه مردم مسلمان ایران . تازه این موضوع را در
مورد دولت می‌گفتم و الا در مورد قضاء که
باید مجتهد عادل باشد و مجلس را هم که
مردم انتخاب می‌کنند و من میگویم که در
دولت هم که تنها وزیر کشور و ارشاد معمم
هستند . از این گذشته عمامه که نباید
موجب شود که اگر کسی لایق بود بر سر آن
کار گذاشته نشود .
برگردیم به کشف اسرار در مباحث گوناگون
این کتاب برمیخوریم به حملات خیلی تند

بی سواد (رضا خان) تراوش کرده بود پسید و کهنه شد فقط قانون خداست که خواهد ماند و دست تصرف روزگار آن را کهنه نمی کند .

در جای دیگر کشف اسرار آمده است : کسی که گفته بود من یک سرباز دزد را از تمام معارف ایران بالاتر و بهتر میدانم او معنی روحانی و معارف را نمیداند گر چه معارف آنروز (معارف زمان رضا خان) از سرباز دزد هم خیلی ننگین تر بود لکن رضا خان فهم صلاح و فساد را نداشت و فشارهای او به روحانیین برای اصلاح نبود ، او میخواست ریشه را از بیخ بکند .

در جای دیگر آمده است : ملاها از همان روزهای اول ، تصدی رضا خان را بر خلاف مصالح کشور تشخیص دادند و تا توانستند عمومی و وقتی نشد مخفیانه و خصوصی فسادهای خانمانسوز او را به مردم گوشزد کردند .

در جای دیگر کشف اسرار امام به رنگین نامه ها و روزنامه های آنروزها حمله کرده اند و فرموده اند که :

نوگ قلم و اوراق ننگینی که در آن روز نشر افکار و الفاظ بی خردانه رضا خان را میگردند صدها مقابل مسموم تر و بدتر است از نوگ سوزن احمدیها .

در جای دیگر کتاب آمده است :

جمله کلام اینکه این زمامداران خائن بی خرد این اجزاء بزرگ و کوچک شهوت پرست قاچاقچی باید عوض شوند تا کشور عوض شود و گر نه از این روزگار بدتری خواهید دید (روزگاری) که اکنون دارید پیش آن بهشت است . مگر امروز کشور ما را باید جزء کشورها بحساب آورد . اگر این زندگی و این کشور را خوب بدانیم دیگر لغت بد را از قاموس جهان باید محو کنیم . امام در آخر کتاب کشف الاسرار علاوه بر دو آیه آیه و اعدوا لهم ما استطعتم الی اخره را آورده اند و میفرمایند :

هم میهنان عزیز ، خوانندگان گرامی ، برادران ایمانی ، جوانان ایران دوست ،

ایرانیان عظمت خواه ، مسلمانان عزت طلب دین داران استقلال خواه :

اینکه این فرمانهای آسمانی است این دستورات خدائی است این پیامهای غیبی است که خدای جهان برای حفظ استقلال کشور اسلامی و بنای سرفرازی به شما مله قرآن و پیروان خود فرو فرستاده است . آنها را بخوانید و تکرار کنید و پیرامون آن دقت کنید و آنها را بکار بندید تا استقلال و عظمت شما برگردد و پیروزی و سرفرازی را دوباره در آغوش گیرید و گرنه راه نیستی و زندگی سراسر ذلت و خواری را خواهید پیمود و طعمه جهان خوران خواهید شد .

بار دیگر تذکر این نکته را ضروری میدانم که این کتاب در چهل سال پیش و شاید بیشتر نوشته شده است مسائلی که امام طرح فرمودند مسائلی است که بالاخره با تلاش و پشت کار بآن رسیدند خداوند موفق ترشان فرماید .

نگاهی به کتاب حکومت اسلامی

کتاب ولایت فقیه یا حکومت اسلامی که ۱۶ درس می باشد موجب سر و صدای بسیار در نجف و ایران شد ، البته سر و صدائی که در نجف شد درست عکس سر و صدائی بود که در قم و ایران گردید . ارتجاع حاکم بر نجف با تمام نیرو بکمک دستهای آشکار و پنهان رژیم شاه کوشیدند تا از گسترش

بینش انقلابی امام با تمام وجود جلوگیری کنند . آنان افرادی را که درس امام می آمدند با تهدید مانع از شرکت در جلسه درس میشدند بسیاری از کتابها را نابود کردند ، و بعضی از افرادی را که مسائل را درست درک نمی کردند وادار میکردند تا با امام تماس بگیرند و بگویند که نجف تحمل این گونه حرفها را ندارد ولی امام ، امام بود و کارش را برای جهان اسلام دنبال میکرد نه چند نفری که نفس حوزه نجف در دستشان بود و با کمال وقاحت هر دروغی و نسبتی را که برای پیش بردن نفسشان صلاح می دانستند می گفتند .

بگذرم از نجف که روزهای بسیار بسیار تلخی بر امام و یاران اندکش در این شهر گذشت در ایران ابتدا قم و تهران و بعد هم اصفهان و مشهد و شهرهای دیگر دوستان و یاران امام به پلی کپی کردن درسهای امام مشغول شدند . و بحمدالله موفق هم بودند در این کتاب که بیش از ۲۰۰ صفحه است بیشتر روی این موضوع تکیه شده است که باید از صفر شروع کرد حال این موضوع را در بعضی از صفحات میشود دیدودر بعضی از صفحات مطلب بگونه ایست که این معنا از آن استفاده میشود . باید متکی به نفس بود باید جلوی تبلیغات سوئی که میگوید ما نمی توانیم حکومت کنیم را گرفت . من هرگز بفکر بررسی کتاب نیستم بلکه چند

امام در کتاب کشف اسرار:

ما حکومت دیکتاتوری را ظالمانه و عمال آنرا ظالم می دانیم هر کس آنها را محترم بداند از شرف و انصاف بویی نبرده است . آن روزنامه هایی که از اعمال ظالمانه دیکتاتور گریز پای (رضا خان) طرفداری می کند کمک کار به اصول وحشیانه دیکتاتوری می باشد و باید اوراق آنها را در میدانها آتش زد .

مطلب از کتاب مذکور رامیا آورم و خوانندگان را به خواندن کتاب دعوت می‌کنم. امام به بوروکراسی موجود در ایران تاخته‌اند و معتقدند که حکومت اسلام بدون این تشریفات می‌باشد. استعمار و کسانی را که در داخل و خارج به هر چه بیشتر مستعمره شدن ما کوشش می‌کنند را ترسیم کرده‌اند و نقش تبلیغات را در این زمینه ذکر کرده‌اند دلایل لزوم تشکیل حکومت از قرآن و سنت نقل شده است و طرز حکومت اسلامی و اختلاف با سایر طرز حکومت‌ها، شرائط زمامدار و شرائط زمامدار در دوره غیبت که میرسد به فقیه، ولایت اعتباری و ولایت تکوینی، حکومت وسیله‌ای است برای تحقق هدفهای عالی خدائی و انسانی و خصال لازم برای تحقق این هدفها و اثبات ولایت فقیه از طریق نص و بالاخره برنامه مبارزه برای تشکیل حکومت اسلامی و مقاومت در مبارزهای طولانی. اصلاح حوزه‌های روحانیت و از بین بردن آثار فکری و اخلاقی استعمار که میرسد به اصلاح مقدس نماها و تصفیه حوزه‌ها و در نهایت براندازی حکومت‌های جائز، در صفحه ۱۷۳ آمده است:

ما موظفیم برای تشکیل حکومت اسلامی جدیت کنیم. اولین فعالیت ما را در این راه تبلیغات تشکیل می‌دهد بایستی از راه تبلیغات پیش بیاییم. در همه عالم همیشه همینطور بوده است چند نفر با هم می‌نشستند فکر میکردند تصمیم میگرفتند و بدنبال آن تبلیغات میکردند. کم‌کم بر نفرات همفکر اضافه میشد سرانجام بصورت نیروی در یک حکومت بزرگ نفوذ کرده یا با آن جنگیده و آنرا ساقط میکردند. محمد علی میرزائی را از بین میبردند و حکومت مشروطه تشکیل میدادند همیشه از اول قشون و قدرتی در کار نبوده است. فقط از راه تبلیغات پیش میرفته‌اند قلدریها و زورگوئیها را محکوم میکردند، ملت را آگاه میساختند و بمردم میفهماندند که این قلدریها غلط است کم‌کم دامنه تبلیغات توسعه می‌یافت و همه گروههای جامعه را فرا میگرفت مردم

بیدار و فعال میشدند و به نتیجه میرسیدند. شما الان نه کشوری دارید و نه لشگری، ولی تبلیغات برای شما امکان دارد. دشمن نتوانسته همه وسائل تبلیغاتی را از دست شما بگیرد. البته مسائل عبادی را باید یاد بدهید اما مهم مسائل سیاسی اسلام است، مسائل اقتصادی و حقوقی اسلام است اینها محور کار بوده و باید باشد وظیفه ما این است که از حالا برای پایه ریزی یک دولت حقه اسلامی کوشش کنیم، تبلیغ کنیم تعلیمات بدهیم همفکر بسازیم یک موج تبلیغاتی و فکری بوجود آوریم تا یک جریان اجتماعی پدید آید و کم‌کم توده‌های آگاه و وظیفه شناس و دیندار در نهضت اسلامی متشکل شده قیام کنند و حکومت اسلامی تشکیل دهند. تبلیغات و تعلیمات دو فعالیت مهم و اساسی است.

در جای دیگر این کتاب آمده است: مردان بزرگ که دارای سطح فکر وسیعی می‌باشند هیچگاه مأیوس نگردیده و بوضع فعلی خود که در زندان و اسارت بسر می‌برند و معلوم نیست آزاد میشوند یا نه نمایندیشند و برای پیشبرد هدف خویش در هر شرائطی که باشند طرح نقشه می‌کنند تا بعدا اگر توانستند شخصا آن طرح را بر مرحله اجراء در آورند و اگر خودشان فرصت نیافتند دیگران هر چند بعد از ۲۰۰ - ۳۰۰ سال دنبال این طرح بروند و اجرا نمایند. اساس بسیاری از نهضت‌های بزرگ بهمین صورتهای بوده است.

با نقل جملاتی چند از صفحات آخر کتاب ولایت فقیه صحبت در باره کتابهای امام را تمام می‌کنم در صفحه ۱۹۷ کتاب مذکور آمده است:

روزی مرحوم آقای بروجردی مرحوم آقای حجت مرحوم آقای صدر مرحوم آقای خوانساری رضوان الله علیهم برای مذاکره در یک امر سیاسی در منزل ما جمع شده بودند به آنان عرض کردم که شما قبل از هر کار تکلیف این مقدس نماها را روشن کنید با وجود آنها مثل این است که دشمن شما

حمله کرده و یک نفر هم محکم دستهای شما را گرفته باشد اینهایی که اسمشان مقدسین است - نه مقدسین واقعی - و متوجه مفاسد و مصلح نیستند دست‌های شما را بسته‌اند و اگر بخواهید کاری انجام دهید حکومتی را بگیرید مجلسی را قبضه کنید که نگذارید این مفاسد واقع شود آنها شما را در جامعه ضایع میکنند. شما باید قبل از هر چیز فکری برای آنها بکنید، امروز جامعه مسلمین طوری شده که مقدسین ساختگی جلو نفوذ اسلام و مسلمین را میگیرند و با اسم اسلام به اسلام صدمه میزنند، ریشه این جماعت که در جامعه وجود دارد در حوزه‌های روحانیت است در حوزه‌های نجف و قم و مشهد و دیگر حوزه‌ها افرادی هستند که روحیه مقدس‌نمایی دارند و از اینجا روحیه و افکار سوء خود را بنام اسلام در جامعه سرایت میدهند. اینها هستند که اگر یک نفر پیدا

شود بگوید بیائید زنده باشید بیائید نگذارید ما زیر پرچم دیگران زندگی کنیم نگذارید آمریکا و انگلیس اینقدر با تحمیل کنند، نگذارید اسرائیل اینطور مسلمانان را قلج کند با او مخالفت میکنند. این جماعت را ابتدا باید نصیحت و بیدار کرد و به آنها گفت بیدار شوید باین حقایق و واقعیت‌ها توجه کنید بمسائل روز توجه کنید خودتان را تا باین اندازه مهمل بار نیاورید شما با این اهمال کاریها میخواهید که ملائکه اجنحه خود را زیر پای شما پهن کنند مگر ملائکه تنبل پرورند ملائکه بالشان را زیر پای امیر المومنین پهن میکنند . . . هر گاه که بعد از تذکر و ارشاد و نصیحت‌های مکرر بیدار نشده و به انجام وظیفه برنخاستند معلوم میشود تصورشان از غفلت نیست بلکه درد دیگری دارند. آنوقت حسابشان طور دیگری است.

در اینجا مناسب است نامه‌ای که حضرت امام در سال ۱۳۶۳ هجری قمری نوشته‌اند که نشان دهنده استواری و ثبات فکری و سیاسی امام از آغاز تا کنون میباشد در اختیار خوانندگان عزیز قرار گیرد.



بسم بر الرحیم (مجموعه و بطا بر بند)

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تعالى قل انما اعظكم بواحدة ان تقوموا لله مثنى و فرادا .

قال بدتالی قدر انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله مثنى و فرادا خدا تالی در این کلمه شریف از سر تالی طبیعت
 تا ختمی بر بنیت را بیان کرده و بهترین مواعظ است که خدا عالم ازین تا هم هر خطی تا بن فرموده و این
 یک کلمه را پیشنهاد فرموده این کلمه تناره صلح دو جهان است قیام برای خداست که ابراهیم خلیل الرحمن را
 بمنزل خدمت رسانده و از جمله ای که اکنون عالم طبیعت را نده خدیو سار علم الهی زن خوار لاجب الیقین
 قیام دست که در کلمه را یک عصاره بیرون چیره کرد و تمام تحت ریح انوار بیادنی داد و نیز ادر ایست
 محبوب رساند و تمام صق و صحت قیام برای خداست که خاتم نبین صاب علیه و له را یک تیر تمام
 عادات و عقاید جا بهایت غلبه داد و بهار از خانه خدا برانخت و بکاران توحید و تهور را گذشت
 و نیز ان ذات سدر را بمقام قاب قوسین اودان رساند خود خدای درک قیام برای خدا ما را این کلام
 سیاه رسانده و هر جهانیان را بر ما چیره کرده و کشور ای هدی ما نیز نغز در کمان در کرده قیام بر یک
 نافع شخصی است که روح وحدت و برادری را در دست هدی خفه کرده قیام برای تفرست که تیر زنده
 میون جمعیت شیعه را بطوری از هم تفرق و جدا کرده که طعمه شتی شوت پرست پشت یزیدین شده
 قیام برای تفرست که یک تیر از زان به برادر را بر یک کرده چندین میونه چیره میکند که حرث و انوار
 دست خوش شوت خود کند قیام بر این شخصی است که این هم چند تیر که در میان کرده و تمام کلمه
 بر اموال و تنور و مرض مسلمان حکومت داده قیام برای تفرست که مدارس علم و تفرست تقسیم شتی
 کور ک ساده کرده و مراکز علم قرآن را مراکز خفا کرده قیام برای خدمت که موقوفات مدارس و مدارس
 بر این تقسیم شتی هرزه کرد به شرف کرده و تفرست از کجور درمی آید قیام برای تفرست که چادر حضرت را

خدای تعالی در این کلام شریف از سر - منزل تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت را بیان کرده و بهترین مواعظ هائی است که خدای عالم از میان تمام مواعظ انتخاب فرموده و این یک کلمه را پیشنهاد بشر فرموده این کلمه تنها راه اصلاح دو جهان است قیام برای خدا است که ابراهیم خلیل الرحمن را بمنزل خدمت رسانده و از جمله های گوناگون عالم طبیعت رهانده خلیل - آسا در علم الیقین زن، ندای لاجب الافلین زن قیام لله است که موسی کلم را با یک عصا بفرعونیان چیره کرد و تمام تخت و تاج آنها را بیاد فنا داد و نیز او را بمقامات محبوب رساند و بمقام ضق و صحو کشاند قیام برای خدا است که خاتم النبیین صلی الله علیه و آله را یک تنه بر تمام عادات و عقاید جاهلیت غلبه داد و بنها را از خانه خدا برانداخت و بجای آن توحید و تقوی را گذاشت و نیز آن ذات مقدس را بمقام قاب قوسین او ادنی رساند خود خواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران در آورده قیام برای منافع شخصی است که روح وحدت و برادری را در ملت اسلامی خفه کرده قیام برای نفس است که بیش از ده ملیون جمعیت شیعه را بطوری از هم متفرق و جدا کرده که طعمه مشتکی شوت پرست پشت میز نشین شدند، قیام برای شخص است که یک نفر از ان بی سواد را بر یک گروه چندین ملیونی چیره میکند که حرث و نسل آنها را دست خوش شهوات خود کند، قیام برای نفع شخصی است که الان هم چند نفر کودک خیابان گرد را در تمام کشور بر اموال و نفوس و اعراض مسلمانان حکومت داده قیام برای نفس اماره است که مدارس علم و دانش را تسلیم مشتکی کودک ساده کرده و مراکز علم قرآن را مرکز فحشاء کرده، قیام برای خود است که موقوفات مدارس و محافل دینی را بر ایگان تسلیم مشتکی هرزه گرد بی شرف کرده و نفس از هیچکس در نمی آید، قیام برای نفس است که چادر عفت را از سر زنهای عقیف مسلمانان برداشت و الان هم این امر خلاف دین و قانون در مملکت جاری است و کسی بر علیه آن سخنی نمی گوید، قیام برای نفع های شخصی است

از زان خفیه مسلمان بردشت و این هم این امر خدای دین و قانون در مملکت جبار است و کمر بریدنی
 شخصی میگوید قیام برای نفع ای شخصی است که روزنامه که که پیشش فدا خدق است امروز هم همان نشانی را که
 از سفر خند رفاغان به شرف تراش کرده تعیین میکند و در میان توده عمر نشسته قیام برای خدمت که مجال
 بعضی از این دکنر با چاق داده که در پاران بر علیه دین و روحیات هر چه بخورد بگوید و کمر نشسته آن
 اس در حقیقت هدی از علمای بانه اردنشان دین دار اگر که بیان این درست ای دین دران خدا خواه
 از خدا خزان حق پرست ای حق پرستان ثلثت نه ای شرفندان وطن خواه ای وطن خزان با نگر

که روزنامه ها که کالای پخش فساد اخلاق است امروز هم همان نقشهها را که از مغز خشک رضا خان بی شرف تراوش کرده تعقیب میکنند و در میان توده پخش می کنند قیام برای خود است که مجال به بعضی از این وکلای قاچاق داده که در پارلمان بر علیه دین و روحانیت هر چه می خواهد بگوید و کسی نفس نکشد . هان ای روحانیین اسلامی علماء ربانی ای دانشمندان دیندار ، ای گویندگان آئین دوست ای دین داران خدا خواه ای خدا خواهان حق پرست ، ای حق پرستان شرافتمند ای شرافتمندان وطن خواه ای وطن خواهان با ناموس موعظت خدای جهان را بخوانید و یگانه راه اصلاحی را که پیش نهاد فرموده بپذیرید و ترک نفع های شخصی کرده تا بهمه سعادت های دو جهان نائل شوید و با زندگانی شرافتمندانه دو عالم دست در آغوش شوید .

ان لله فی ایام دهرکم نجات
الا فتعرضوا لها .

امروز روزی است که نسیم روحانی الهی وزیدن گرفته و برای قیام اصلاحی بهترین روز است اگر مجال را از دست بدهید و قیام برای خدا نکنید و مراسم دینی را عودت ندهید فردا است که مشتی هرزه گرد شهوتران بر شما چیره شوند و تمام آئین و شرف شما را دستخوش اغراض باطله خود کنند . امروز شماها در پیشگاه خدای عالم چه عذری دارید همه دیدید کتاب های یک نفر تبریزی بی سرو پا را که تمام آئین شماها را دستخوش ناسزا کرد و در مرکز تشیع با امام صادق و امام غائب روحی له الفداء آن همه جسارتها کرد و هیچ کلمه از شماها صادر نشد . امروز چه عذری در محکمه خدا دارید ، این چه ضعف و بیچاره ایست که شماها را فرا گرفته ای آقای محترم که این صفحات را جمع آوری نمودید و بنظر علماء بلاد و گویندگان رساندید خوب است یک کتابی هم فراهم آورید که جمع تفرقه آنان را کند و همه آنان را در مقاصد اسلامی همراه کرده از همه امضاء میگرفتید که اگر در یک گوشه مملکت بدین جسارتی میشد همه یک دل و یکجا جهت از تمام کشور قیام میکردند خوب است دینداری را دست کم از سبانیان یاد بگیرید که اگر یک نفر آنها در یک دیه زندگی کند از مراکز حساس آنها با او رابطه دارند و اگر جزئی تعدی با او شود برای او قیام کنند . شماها که بحق مشروع خود قیام نکردید خیره سران بی دین از جای برخاستند و در هر گوشه زمزمه بی دینی را آغاز کردند و بهمین زودی بر شما تفرقه زده ها چنان چیره شوند که از زمان رضا خان روزگارتان سخت تر شود . و من یخرج من بیته مهاجرا الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله . ۱۱ شهر جمادی الاولی ۱۳۶۳
سید روح الله خمینی

عظمت خدا جهان را بخوانید و راه مصلحتی را که پیش نهاد فرموده بپذیرید و ترک نفع شخصی کرده تا بهمه سعادت دو جهان نایل شوید و باز نماند تفرقه اند که در عالم دست در آغوش نشوید ان لله فی ایام دهرکم نجات الا فتعرضوا لها
امروز روزی است که نسیم روحانی وزیدن گرفته و برای قیام اصلاحی بهترین روز است اگر مجال را از دست بدهید و قیام برای خدا نکنید و مراسم دینی را عودت ندهید فردا است که مشتی هرزه گرد شهوتران بر شما چیره شوند و تمام آئین و شرف شماها را دستخوش اغراض باطله خود کنند امروز شماها در پیشگاه خدای عالم چه عذری دارید همه دیدید کتاب های یک نفر تبریزی بی سرو پا را که تمام آئین شماها را دستخوش ناسزا کرد و در مرکز تشیع با امام صادق و امام غائب روحی له الفداء آن همه جسارتها کرد و هیچ کلمه از شماها صادر نشد . امروز چه عذری در محکمه خدا دارید این چه ضعف و بیچاره ایست که شماها را فرا گرفته ای آقای محترم که این صفحات را جمع آوری نمودید و بنظر علماء بلاد و گویندگان رساندید خوب است یک کتابی هم فراهم آورید که جمع تفرقه آنان را کند و همه آنان را در مقاصد اسلامی همراه کرده از همه امضاء میگرفتید که اگر در یک گوشه مملکت بدین جسارتی میشد همه یک دل و یکجا جهت از تمام کشور قیام میکردند خوب است دینداری را دست کم از سبانیان یاد بگیرید که اگر یک نفر آنها در یک دیه زندگی کند از مراکز حساس آنها با او رابطه دارند و اگر جزئی تعدی با او شود برای او قیام کنند . شماها که بحق مشروع خود قیام نکردید خیره سران بی دین از جای برخاستند و در هر گوشه زمزمه بی دینی را آغاز کردند و بهمین زودی بر شما تفرقه زده ها چنان چیره شوند که از زمان رضا خان روزگارتان سخت تر شود . و من یخرج من بیته مهاجرا الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله . ۱۱ شهر جمادی الاولی ۱۳۶۳
سید روح الله خمینی

همه یک دل جهت از تمام کشور قیام میکنند خوب است دینداری را دست کم از سبانیان یاد بگیرید که اگر یک نفر آنها در یک دیه زندگی کند از مراکز حساس آنها با او رابطه دارند و اگر جزئی تعدی با او شود برای او قیام کنند . شماها که بحق مشروع خود قیام نکردید خیره سران بی دین از جای برخاستند و در هر گوشه زمزمه بی دینی را آغاز کردند و بهمین زودی بر شما تفرقه زده ها چنان چیره شوند که از زمان رضا خان روزگارتان سخت تر شود . و من یخرج من بیته مهاجرا الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله . ۱۱ شهر جمادی الاولی ۱۳۶۳
سید روح الله خمینی





حجة الاسلام والمسلمین
طاهری خرم آبادی
نماینده امام درسپاه پاسداران

جهاد و تقوا

انواع دفاع

"وَمَا لَكُمْ لَأَتَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ
وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا
مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا ، وَاجْعَلْ
لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ
لَدُنْكَ نَصِيرًا . الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ
فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ ، فَقاتِلُوا أَوْلِيَاءَ
الشَّيْطَانِ ، إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا "
(آیات ۷۵-۷۶ سوره نساء)

چه شده است شما را که در راه خدا جهاد
نمی کنید، و چرا برای نجات مردم مستضعف
از مردها و زنهای و بچه هایی که همواره
میگویند: پروردگارا ما را از این شهری که
مردمش ستمکارند بیرون آور، و از جانب خود
برای ما سرپرست و یاور بفرست. آنها که
ایمان آوردند در راه خدا قتال می کنند، و
آنان که کافر شدند در راه طاغوت می جنگند

پس بجنگید با یاوران و دوستان شیطان، همانا
کید و مکر شیطان ضعیف است.
این آیه نیز یکی از موارد و مصادیق
"سبیل الله" را بیان فرموده است، و آن
یاری مردم مسلمانی است که به استضعاف
کشیده شده اند وزیر ضربات شکنجه های
طاقت فرسای ستمگران قرار گرفته اند.
جمعیتی که در زمان نزول آیه چنین وضعی
داشتند، و آیه به آنها نظر دارد، مسلمانی
بودند که پس از هجرت پیامبر (ص) نتوانستند
از مکه خارج شوند، و یا کفار از پیوستن آنان
به دیگر مسلمانان جلوگیری می نمودند، و در
مدت زیادی (حدود شش سال تا صلح حدیبیه)
گرفتار انواع عذابها و زجرهای معمول آن زمان
بودند، و در شرایط بسیار سختی بسر میبردند
قرآن نجات این گروه را از اهداف و انگیزم
های جهاد دواز مصادیق "فی سبیل الله"
شمرده است. و با اینکه "فی سبیل الله" این

مورد را فرامی گیرد ولی برای تحریک بیشتر
مردم و ترغیب آنان به جهاد، این مورد را
بالخصوص ذکر نموده است. زیرا درجات
ایمان مردم متفاوت است: یک دسته ایمان و
اخلاصشان تا آن حد است که فرمان خدا و راه
او، آنان را به حرکت و قیام وامی دارد و در
مقام فداکاری برمی آیند اما پاره ای از مردم
در عین اینکه مسلمانند و ایمان دارند، ولی
درجه ایمان نشان به آن اندازه نیست که
فرمان خداوند به تنهایی در آنها ایجاد
حرکت کند، بلکه باید از احساسات و
وابستگی های فامیلی و عواطف انسانی آنان
استفاده شود. و مسلمانها بویژه مهاجرین
آنها دارای فامیل و بستگانی بودند که زیر
شکنجه های مشرکین در شرائط سخت و
محدود دیتنهائی بسر می بردند.
و به تعبیر دیگر، قرآن از تعصب فامیلی و
خویشاوندی در مسیر صحیح استفاده نموده

است، زیرا حمایت از خویشان و نزدیکان نسبی و سببی و هر کس که با انسان رابطه نزدیکی دارد بویا مورد احترام او است، از فطریات بشر است، و این به دو گونه ممکن است واقع گردد:

۱- حمایت و پشتیبانی فقط بر اساس روابط و عصیبت باشد، اگر چه دفاع از باطل و علیه حق باشد.

۲- بر اساس حق به حمایت و دفاع از منسوبین و خویشان خود برخیزد، و معیار حق و ایمان آنها باشد.

اسلام این حس فطری انسانی را در مسیر صحیح و حق قرار میدهد، و انسان را برای حمایت از خویشان و نزدیکان که موء من هستند و دچار استضعاف و ستم گردیده اند، دعوت می کند. و خلاصه آنکه حکم و خواسته فطرت را از انگیزه های باطل و فاسد خالی می کند و آن را در قالب توحید و حق می ریزد و از مصادیق "فی سبیل الله" قرار میدهد، و در عین حالی که معیار برای اسلام دفاع از حق است نه شخص و نه بستگان و نزدیکان، از این حس فطری هم استفاده نموده است، و آن را در مسیر صحیح و حق و خدا انداخته و از

دیگر از خواسته های فطری انسان است.

البته صرف نظر از آنان که فطرت خدا - دادی خود را زیر پرده های غرائز و هواها برده و از شکوفائی استعداد های پاک انسانی خود جلوگیری نموده اند، که در برابر دیده آنها هزاران انسان مظلوم و بی گناه، پایمال امیال و خواسته های حیوانی ستمگران میگردند و دم نمی زنند و یا خود از عوامل ظلم و ستم هستند و در یک چشم برهم زدن صدها کودک و پیر مرد و پیرزن را زیر خروارها خاک دفن می کنند. اینها نه تنها فطرت انسانی خود را فراموش نموده و از دست داده اند، بلکه گرگان درنده های هستند که به جان انسانهای بی پناه افتاده اند و بر همه آنها که از فطرت الهی انسانی برخوردارند لازم و ضروری است که برای نجات انسانهای ناتوان و ستم دیده با این خوک صفتان بجنگند.

لذامی بینیم در این آیه، قرآن با لحنی عتاب آمیز از مسلمانان سؤال می کند که چرا برای نجات انسانهایی که به استضعاف کشیده شده اند و تحت فشار و شکنجه قرار گرفته اند حرکت نمی کنید و در راه آنان نمی جنگید، و مخصوصاً برای تحریک هر چه بیشتر موافق،

"نصیراً"

جملاتی که به صورت دعا از این گروه نقل شده است، از جهاتی حائز اهمیت است:

۱- این گفتار از روح توحید و یکتاپرستی این گروه حکایت می کند، زیرا تنها به خدا پناه برده و از او استمداد جستند، و دست نیاز و درخواست به سوی هیچ انسانی حتی برادران مسلمان خود دراز نموده اند تا چه رسد به اینک از دشمن تقاضا کنند و زیر بار ذلت روند.

اینجا بجای اینکه همچون سایر مردم از دیگران و احیاناً از دشمن استغاثه کنند و از آنان مدد خواهند، از خدا یاری می جویند، و می گویند: خداوند ما را از این سهری (شهر مکه) که ساکنین و اهلس ستمگر هستند خارج فرما، و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار بده که ما را یاری دهد.

۲- از این دعا چنین استفاده میشود که آن مسلمانهای مستضعف و زیر شکنجه توجه به ضرورت مسئله ولایت و رهبری برای نجات از ستم و ظلم ستمگران داشته اند. آنها بخوبی میدانستند که انقلاب و مبارزه علیه استکبار و ستم در هر شرایطی نیاز به ولی و رهبر دارد،

انگیزه هر دان مؤمن راه خداست یعنی راه به سوی واقعیت

و کمال مطلق که حرکت انسان به سوی او است و هدف

آنان هدفی است که با فطرت و خلقت انسان منطبق است

بهره برداری غلط و برای غیر خدا از آن جلوگیری شده است.

و از طرفی هر انسانی نسبت به انسانهای و اما نده و ضعیف، انسانهای زیر ستم و شکنجه مخصوصاً آنها که قدرت دفاعی ندارند، احساسی دارد و عواطفش در برابر آنان تحریک میشود، و اگر قادر باشد به پشتیبانی و حمایت از آنها برمی خیزد. و این نیز یکی

نام زنها و کودکان را می برد و از عواطف فطری انسانی در این راه استفاده میکند. آنگاه به معرفی مستضعفین و مردم زیر ستم می پردازد و گفتار آنان را معرف آنها قرار می دهد و می فرماید:

"الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ
"الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ
"لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ"

و بدون رهبری امکان موفقیت نیست.
۳- این حقیقت را نیز یافته بودند که این رهبر و ولی باید از طرف خدا باشد، و لذا بر این جهت تکیه داشتند و گفتند که:

"وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا"

برای ما از نزد خودت ولی و سرپرستی قرار بده. یعنی ولایت از آن خدا است و باید او فردی را برای این امر قرار دهد، و همچنین

قومی که بیاری آنها بر می خیزند نیز از طرف خدا باشند. و این هم حکایت از آن روح توحید و یکتاپرستی آنان دارد که در آن محیط شرک و بت پرستی، چگونه مردمی این چنین موحد میشوند که یاری نمودن پیامبر و یارانش را هم از خدا طلب می کنند، و از پروردگار خود آرزوی فراهم شدن شرائط برای نجات آنان بدست رسول خدا و یارانش می نمایند.

۴ - این نکته را نیز باید توجه داشت که لحن گفتار در تحریک مسلمین تأثیر فراوانی دارد، زیرا انسانهای موحد و خدا گونه، انسانهایی که فطرت خدا پرستی و توحید در آنان شکوفا گردیده است هر گاه ببینند که انسانی به خدا متوسل گردیده و از ظلم و ستم بما و پناه میبرد و با او راز و نیاز میکند و استغناء و بی نیازی خود را از انسانهای دیگر و همه موجودات نشان میدهد، بهتر و بیشتر برای دفاع و نجات - برای خدا - تحریک میشوند، تا انسانی که بخود آنان متوسل شود و از آنها مدد گیرد، زیرا این دریافت فطری انسان است که دفاع از این نوع انسانها که به کمال خود رسیده اند و خداجو شده و به مرحله توحید و فعالیت رسیده اند، لازم تر و ضروری تر است تا انسانی که ضعف و ناتوانی او را به التماس از این و آن می کشاند، آدمی با فطرت پاک و بی آرایش خود نسبت به انسانهای با فضیلت و موحد عشق می ورزد و از درد و رنج آنها درد می کشد و به تهور و سربعتر برای دفاع از آنان حاضر است.

از این رو امروز یکی از نتایج انقلاب اسلامی ما، همان حرکتی است که در مردم برای نجات مستضعفین از مسلمانها بوجود آمده است، این حرکت در پرتو ایمانی است که مردم به خدا پیدا نموده اند. و از طرفی تمام مستضعفین جهان و مخصوصا مسلمین چشم به امام امت و ملت انقلابی ایران دوخته اند. و همانگونه که مردم ستم دیده مکه از خداوند می خواستند که پیامبر را به یاری آنان بفرستد و وسیله نجات آنان را بدست پیغمبر و یارانش فراهم سازد. امروز مردم

موحد جهان هم باید از خداوند بخواهند تا با صدور انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام امت استکبار جهانی به زانو در آید و موجبات رهایی مستضعفین فراهم شود و بدنبال آن حکومت جهانی ولی عصر (عجل الله فرجه) با ظهورش تشکیل گردد.

* * *

پس برای روشن شدن هر چه بیشتر راهها و هدفها و تأکید بیشتر بر جهاد و مقاتله در راه خدا در ادامه آیه می خوانیم:

"الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ"
 "وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ"
 "الطَّاغُوتِ"

آنهايي که ايمان آورده اند، در راه خدا مي جنگند. و آنان که کافرند، در راه طاغوت اين مقایسه ای است بين دو گروه و دو جبهه حق و باطل: مؤمن و کافر، از جهت انگیزه و هدفی که میتواند آنان را به نبرد بکشد.

انگیزه مردان مؤمن، راه خدا است، یعنی راه به سوی واقعیت و کمال مطلق که حرکت انسان به سوی او است، و هدف آنان هدفی است که با فطرت و خلقت انسانی منطبق است که پیوستن به ابدیت مطلق است

و این راه طبیعی و فطری هر انسانی است. فداکاری در راهی است که فنا پذیر نیست. اینان در راه کسی قتال می کنند که بی نیاز از هر چیزی است و از آن بهره ای نمی برد، و برای او نیست بلکه بسوی او و برای خود انسان است، نفع و سودش عائد خود انسان می شود نه عائد خدا.

ولی کسانی که به خدا ایمان ندارند، قهرا در راه طاغوت یعنی متجاوزین و مستکبرین، زورگویان چپا و لگران و جهان خواران می جنگند و فدای مطامع و هواهای نفسانی آنان می شوند جان خود را در راه کسانی می دهند که در حقیقت ذلیل و زبون هستند، از فداکاری مردم بیچاره کور دل بهره می برند و در نتیجه استکبار و چپاولگری و ظلم و ستم طاغوتها بیشتر میشود، و نه تنها نفعی عائد آن بیچارگان نمیکرد بلکه هلاکت و شقاوت را برای خود می خردند و استفاده و بهره اش برای طاغوت و طاغوتیان است. و خلاصه راه مؤمنین در دعوت به قتال و مبارزه با دشمن.

بعد از این نتیجه می گیرد که: پس بجنگید با دوستان شیطان "فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ" یعنی اینک که کفار در راه طاغوت که راه شیطان است می جنگند طرفدار و یار شیطان



وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ
 وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْفَرِيضَةِ الظَّالِمِ
 أَهْلِهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا ﴿٥٥﴾
 الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ
 فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا

هستند و شما که موه من هستید و در راه خدا می جنگید، پس با دوستان شیطان بجنگید ستاراهی جز راه خدا نباشد و حرکت همه انسانها به سوی او باشد و به امنتی شود و عرصه را بر شیطان و اولیاءش تنگ کنید و مانع و سد راه خدارانان بود سازید .

* * *

آنگاه میفرماید :

"إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا"

همانا فریب و نیرنگ شیطان سست و ناچیز است .

در اینجا به چند مطلب باید توجه داشت :

۱- چرا مکر و فریب شیطان ناچیز و ضعیف است ؟

کید : کاری را گویند که صورت و ظاهر خوبی دارد ولی باطن آن چیز دیگری است راغب اصفهانی در مفردات خود می گوید :

کید نوعی حیل و دام نهادن است .

و شیطانها چه انسانی و چه غیر انسانی کارشان کید و مکر است ، زیرا باطل را به صورت حق و زیبا جلوه می دهند و انسانها را به دام می اندازند و شکار می کنند ، انسان بیچاره و غافل تصور می کند که حق است و واقعیت دارد و به سود او و جامعه است ، ولی در واقع باطل و پوچ و تو خالی است و به ضرر و زیان جامعه و فرد است . بنا بر این کارهای شیطانها و شیطان صفتها و طرفداران شیاطین از همین قبیل است : مکر و کیدی بیشتر نیست آنها هیچگاه باطل را با جلوه واقعی عرضه نمی دارند و نشان نمی دهند و گر نه مردم از آنان تبعیت نمی کنند . لذا باطل را به صورت حق و در لباس حق جلوه میدهند و مردم را با وسوسه فریب می دهند و با حربه باطل به جنگ حق می آیند . ولی باید توجه داشت که باطل ضعیف و بی اساس است زیرا :

۱- اساس عالم خلقت بر حق است نه بر

باطل " رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا " خدایا این

عالم را باطل و پوچ و بی هدف نیافریدی .

" وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا "

" بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا "

(سوره ص آیه ۲۷)

+ ما آسمان و زمین و آنچه میان آنها است بر باطل نیافریدیم ، این گمان آنهایی است که کافر هستند .

بنابر این کسی که طرفدار حق است حرکتش همگام با عالم خلقت و آفرینش است و مانند کسی است که در مسیر آب در حرکت باشد . و طرفداران باطل بر خلاف آفرینش و خلقت سیر می کنند و مانند کسانی هستند که در غیر جهت آب حرکت می کنند . و هر کسی که در جهت مخالف حرکت کل عالم و آفرینش باشد حرکتی است غیر طبیعی و موقت و بگفته فلاسفه " الْقَسْرُ لِأَيُّومٍ " حرکت های قسری مانند حرکت سنگ به طرف بالا و یا حرکت مشک آب به زیر آب چون با فشار دست انجام می گیرد ، دوام ندارد ، و دوام آن تا وقتی است که فشار و قوه محرکه باقی باشد ، و باز بین رفتن آن خاتمه می یابد .

آنچه با سن آفرینش و تکوین هماهنگ است دائمی و خلل ناپذیر است و آنچه ناهم آهنگ باشد ، زودگذر و بی اساس و از بین رفتنی است . و به همین جهت باطل ضعیف و از بین رفتنی است و حق دائمی و غالب است کید شیطان نیز از این جهت که باطل است ضعیف است .

۲- آنها که در راه شیطان و طاغوت قرار گرفته اند از ولایت خدا خارج گشته اند و به ولایت طاغوت وارد گردیده اند و قهرا اینان از نصرت و یاری خداوند محرومند و پناهگاه و پشتوانه ای جز نیروهای مادی ندارند و ماده هر قدر باشد محدود و غیر قابل اعتماد است و در مقابل ، موه منین تحت سرپرستی و ولایت خداوند ، با تکیه به نیروی لایزال و غیر محدود الهی از نصرت و یاری خداوند و امدادهای غیبی او برخوردارند ، و همواره نیروی کفردر برابر نیروی ایمان ضعیف و ناتوان است .

"... إِنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا"

نیرو و قدرت همش از آن خداوند است ، و راه طاغوت چون راه خدا نیست ناچار در مقایسه با راه خدا ضعیف است . گر چه ممکن است نیروهای شیطانی هر یک نسبت به دیگری قوی و یا قوی تر باشد ولی در قیاس با نیروی

الهی سست و ناتوان است .

۳- این جمله (إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا)

بیان علت برای فرمان جنگ و مقاتله با طرفداران و یاران شیطان است . و گویا در مقام بیان این مطلب است که چون کید شیطان و همه توطئه ها و نقشه هایی که دارد ناتوان و ناچیز است ، پس درنگ نکنید و به مبارزه و جنگ برخیزید و اولیاء شیطان را از میان بردارید . یعنی هیچگاه قدرت و نیروی دشمن چشم شما را خیره نسازد و رعب و وحشت شما را نگیرد ، زیرا دشمن هر اندازه نیرومند باشد باز هم در برابر حق ضعیف است .

* * *

کوتاه سخن اینکه در این آیه از جهات مختلفی برای تحریک به جنگ استفاده شده که آنها عبارتند از :

۱- ایمان به راه خدا و انگیزه اصلی و اساسی از جهاد در اسلام که همان " فی سبیل الله " است .

۲- تحریک عواطف و احساسات مردم نسبت به مستضعفین و کسانی که به انواع بلاها و شکنجه ها مبتلا بودند .

۳- توجه به گرفتاری خویشان و بستگان مسلمانها و استفاده از علاقه طبیعی مردم نسبت به خویشاوندان ، زیرا مردمی که در مکه گرفتار بودند از بستگان نزدیک مهاجرین بودند .

۴- از زنان و کودکان به عنوان مستضعفین نام بردن .

۵- معرفی مستضعفین با بیان گفتار آنان و استمدادی که از خداوند می جستند و راز و نیازی که با خدا داشتند .

۶- مقایسه بین موه منین و کفار در هدف و انگیزه های که هر یک در قتال و مبارزه دارند و اینکه راه موه منین راه خدا است و راه کفار راه طاغوت .

۷- تعبیر از کفار به اولیاء و یاران شیطان و کسانی که سدره تعالی و تکامل انسانها هستند .

۸- نشان دادن ضعف نیروی طرف مقابل

در برابر نیروهای الهی با جمله " إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا " ادامه دارد .

عاشورای ۱۰
 عید حسرت
 عید توبه
 عید شکر

بررسی و تحلیل وقایع اجتماعی ، در
 ظرف زمانی خود نمی تواند تمام نتایج را
 نمایان سازد . چراکه اهداف حادثه آفرینان
 و مفسران مخالف و موافق آن ، بر حدسیاتی
 ضعیف و قوی مبتنی است . اما کند و کاو
 حوادث آنگاه که بصورت تاریخ در می آید ،
 پیامدهایش تجسم یافته و به پدیده عینی
 تبدیل میشود و لذا انکار و اثباتش آسان
 است و قابل فهمتر . تازه اینگونه تحلیلها
 بر این فرضیه استوار است که صرفاً مادی و
 بدون حضور قدرت " خداوند " انجام پذیرد
 شما در این مدت سه سال و اندی که از
 پیروزی انقلاب می گذرد و حتی قبل از آن ،
 در هیچ یک از تحلیلهای جرائد ، نشریات
 و صداها بیگانه شرقی و غربی و وابستگان
 مختلف داخلی آنها ، مشاهده نخواهید کرد
 که از مسئلهای بنام " حق " و مشیت خداوند
 نام ببرند و آن را بحساب آورند . و علت
 غلط از آب درآمدن تمام پیش بینیهای آنها از
 روند انقلاب نیز همین است زیرا ما بر
 اساس این پیش گوئیهها باید تاکنون هزاران
 بار شکست خورده باشیم !

تازه ترین حرفهای آنان نیز حاکی از
 استمرار کوریشان دارد ! و الحمدلله که
 چنین هست :

" ذَرَّهُمْ يَا كَلْبُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيَلْبِثْهُمْ "
 " الْأُمَلُ سَوْفَ يَعْلَمُونَ " (سوره صجر آیه ۳)
 ای پیامبر : این کافران را به خور و خواب
 و لذات حیوانی و اگذار تا آمال و آرزوهای
 دنیوی آنها را غافل گرداند و نتیجه این
 کارانی بیهوده را به زودی دریابند .

در تحلیل هر حادثه ای که دشمن در
 جهت نابودی و مقابله با نیروهای مؤمن
 بوجود می آورد ، به حساب آوردن " خدا "
 این تضمین را می دهد که سستی و شکست

امام :

چند نفر عزیز که بسیار خاطرشان عزیز است
 گرفتن از ملت ، ملت را عقب نمی نشاند
 صفها فشرده تر میشود و مشتتها
 گره اش محکمتر میشود



مکر و حيله باطل حتمی است .

امروز یکسال از هفت تیر می‌گذرد ، یوم اللهی دیگر در تاریخ نهضت و شهادت بزرگانی از انقلاب اسلامی که مایه خواهیم ضمن قدردانی از این عزیزان و از این روز ، برخی از نتایج عینی ببار آمده یکساله آن را برشمريم .

قلمهای خیانت بار و ذهن‌های نکته‌گیر و حتی مغزهای منحرف ، این فاجعه را از ابعاد مختلفی تفسیر می‌کنند و نتایج مورد نظر خود را اثبات می‌نمایند که درستی و نادرستی آنها با محک تجربه امکان پذیر است و ما می‌خواهیم بگوئیم که طراحان این جنایت نه تنها به نتایج پیش بینی شده خود نرسیدند بلکه به نابودی هم کشیده شدند .

شکست اهداف طراحان :

ماهیت دست اندرکاران فاجعه هفت تیر شیطانی است ، آن هم وابسته به شیطان بزرگ و این گفته و برداشت مردم ما است . اما چقدر اسناد و مدارک رسمی و غیر رسمی و ادله و براهین ، ارتباط مستقیم بین مجربان و کاخ نشینان برون مرزی را اثبات می‌کند ، بماند . حداقل این است که شیوه عمل و ترتیب اهدافی که بر آن بار می‌کردند ارتباط تنگاتنگ و همسوئی دقیقی را بین منافع عاملین اجراء و امپریالیسم نشان می‌دهد .

انقلاب اسلامی ایران به ضرورت ماهیت اسلامی خود ، دشمن آشتی ناپذیر امپریالیسم و صهیونیسم (کفرجهانی) می‌باشد که این برای آنان هم مسلم است . روی همین جهت کینه‌های آتشین از اسلام و رهبران آن در دل دارند که زبانه‌هایی از

آن را بصورت کلمات از آنتن‌ها و قلمهای خود به خورد مردم جهان میدهند .

انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی شیوه‌های فاشیستی است که از درنده خوئی و کینه‌های عمیق سرچشمه می‌گیرد چنین شیوه‌های را در عصر کنونی جز از آمریکا (در ویتنام) و صهیونیسم (در فلسطین) و روسیه (در افغانستان) سراغ نداریم . حال ببینیم که اهداف طراحان و مجربان فاجعه چه بود ؟

وقتی التقاط نفاق چپ در مقابل تضاد اصلی یعنی " جمهوری اسلامی " و درراس آن روحانیت و شخصیت‌های سیاسی مذهبی ، توان مانور برای کسب قدرت را از دست می‌دهد ، و التقاط لیبرالیسم راست نیز در شرف طرد شدن و از بین رفتن قرار می‌گیرد به هم می‌پیوندند و به این نتیجه میرسند که :

الف : تکیه روی مردم و جو شائناژیسیم با وجود اهرمهای قدرت روحانیت بی‌فایده است و توان براندازی رژیم را ندارند .
ب : قدرت رژیم منهای امام خمینی

روی شانه روحانیت آگاه و رجال مذهبی است و قدرت برنامه ریزی و اجرا نیز به عهده همین‌ها است که باید نابود شوند .

ج : با توجه به اینکه رژیم درگیر جنگی تمام عیار است ، هر چه ضربه‌ها متمرکزتر و سریعتر باشد قدرتش را در جهت از هم پاشیدگی بافت سیاسی هیئت حاکمه و اشاعه یاس بردلهای مردم طرفدار آنان و به صحنه آوردن مخالفین (که برای خود طرفداران خیالی زیادی را محاسبه می‌کردند) و منزوی و بی‌اعتبار ساختن رژیم در انظار جهانیان ، بیشتر خواهد کرد .

د : با از بین بردن امکان حل بحران - های سیاسی - نظامی - اقتصادی ناشی از ضربه وارده ، ظهور آنها را براریکه سیاست به سادگی امکان پذیر می‌سازد و با کمک نیروهای بالقوه در سازمان سیاسی نظامی خود (منافقین خلق) و نیز زمینه مساعد بین المللی ، سریعاً ایران را زیر چتر خود کشیده و

روی همین جهت اینها سعی می‌کنند با یک برنامه‌ریزی دقیق ، هر چه بیشتر

مسئولین درجه یک انقلاب را به قتلگاه بکشند که با نظر خداوند بزرگ موفق نمی شوند. اما چهره‌های بزرگ و مغزهای متفکری را که برای پرورش هر کدام از آنها سالها و عمرها وقت می‌طلبید، مانند آیت‌الله بهشتی، حجت الاسلام محمد منتظری حجة الاسلام حقانی و وزیران مدیری چون کلانتری، قندی، قیاض‌بخش، عباسپور را از انقلاب گرفتند و در ظاهر پیروزی بزرگی به دست آوردند.

این اهداف از پیش تعیین شده بر این فرضیه بنا شده بود که: علت اصلی ثبات رژیم، وجود همین چند روحانی و شخصیت سیاسی است و الا اکثریت مردم با بی تفاوت هستند و یا طرفدار ما ۱۱

امام تحلیل فرمودند که این خیال باطلی است چرا که اولاً خداوند یاران خود را به نیروهای غیبی یاری می‌دهد و ثانیاً: اینها سردارانی هستند که هر کدامشان بیفتند دیگری علم را بلند خواهد کرد و ثالثاً: مردم خواهان اسلام و روحانیت هستند و همیشه در صحنه حاضرند.

طراحان فاجعه به آرمانهای خود نرسیدند و در نتیجه شکستی کامل نصیبشان شد، چون بر اساس تفسیری مادی در محاسبه قدرت و کسب اطلاعات لازم از میزان دخالت پارامترهای مختلف اجتماعی سیاسی، فرهنگی و نظامی اشتباه کرده بودند و بنظر ما خدا را فراموش کرده بودند این را اربابان آنها نیز اقرار کرده‌اند و خودشان نیز فهمیده‌اند و در فردای نزدیکی با تحلیل‌های پرمطراق اعلان "اشتباهات فاحش" می‌کنند و با متهم کردن یکدیگر جمع ناپایدارشان از هم پاشیده میشود.

نتایج مثبت فاجعه:

هفت تیر فاجعه بود و حادثه‌ای شوم، ولی همان مقدار که برای دشمن بد بود و نتایج معکوس داشت برای ما و ملت ما نتایج خوب و ثمرات ارزنده‌ای داشت.

در این روز عزیزانی از دست دادیم همچون بهشتی و محمد منتظری که هر یک استوانه‌ای محکم برای انقلاب و ملتی برای ملت ما بودند، ولی خون این شهیدان - همچون زندگی پربرکتشان - چنان جوشی داشت که برای همیشه ملت ما را در مقابل توطئه‌ها و خطرات واکسینه کرد و صلابت بخشید و بسیاری از بی تفاوتان و مردگان ما را روحی تازه داد و ایمانی قوی عطا کرد.

اگر از تمام نتایج خوب این فاجعه بگذریم، همین یک نتیجه برای ما بسیار ارزشمند است. در اینجا بجای است از حضرت امیرالمؤمنین (ع) جمله‌ای را نقل کنیم که همین معنی را در بردارد:

در خطبه ۱۲۲ نهج البلاغه چنین میفرماید:

"فَمَا زَادَ عَلَيَّ كَلَّ مُصِيبَةٍ وَثِدَّةٌ"
 "لَا إِيمَانًا وَ مُضِيًّا عَلَيَّ الْحَقِّ وَ تَسْلِيمًا"
 "لِلْأَمْرِ وَ صَبْرًا عَلَيَّ مَضَى الْجِرَاحِ"

در هر مصیبت و سختی که به ما روی می‌آورد ایمان ما را افزونتر و حرکت ما را در مسیر حق و تسلیم شدن ما را در مقابل امر الهی و صبر ما را در برابر ناملایمات بیشتر می‌کند.

آری، انسان می‌بایست دردها و رنجها و فراق‌ها و مصیبت‌ها را همواره تحمل کند و آنچنان تلخی مصیبت را در کام خود بجشد تا اینکه درجه تحمل او صد درصد شود. آن وقت است که باروانی آسوده با قلبی مطمئن و نیرومند حوادث و پیشامدهای دوران را می‌پذیرد و از آنها می‌گذرد و این امواج کوبنده خوردکننده را همچون کشتی -

ای محکم و با صلابت می‌زداید و در خود فرو می‌برد. و آن وقت است که می‌تواند امانت خدائی را که بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه شد و تاب مقاومت نیاوردند و از زیر بارش شانه خالی کردند با همتی علی‌گونه بر دوش خود حمل کند و دنیا را به اعجاب وادارد. و آن وقت است که روح بزرگش سیل‌انده‌ها و غم‌ها و افسردگی‌ها را پس زند زیرا این بار روح خدا در او دمیده و این روح چنان او را نیرو داده است که تمام پیش‌بینیها و پیش‌گوئیهای استعمارگران در مورد او اشتباه از آب در می‌آید چرا که شناختن چنین انسانی برای آنان که از خدا دورند میسر نیست.

یادی از شهید بهشتی

گر چه هفتم تیر با سختی و دشواری گذشت و گر چه در آن روز قلب هر انسان با وجدانی آزرده شد و گر چه آن روز از درها و دیوارها و کوی‌ها و خیابانها و شهرها و قصبه‌ها و روستاهای کشورمان خون میبارید و گر چه اشکهای اولیاء خدا چون سیلی روان بود و گر چه آن روز امت امام با ناله و فریاد، عزیزان به خون خفته خود را با چشمانی گریان و قلبهائی آزرده و داغ می‌کردند ولی با این حال هفت تیر برای ما درسی بود جاودانی و برای دشمنان ننگی ابدی.

ما را بر آن داشت که بهشتی را - گرچه تا کنون ناشناخته است - قدری بشناسیم و به مقام والای این مرد الهی کمی پی ببریم دشمن همانگونه که امام سجاد (ع) میفرماید احمق و نادان است و گر نه چرا آیت الله

**بهشتی شهید شد ولی با
 شهادتش توانست به جامعه ما
 ایمانی پاک و یقینی بزرگ و
 تصمیمی آهنین و عزمی راسخ و
 وحدتی کامل... و خروشی ممتد و
 فریادی بلند ببخشد**

بهشتی را شهید کرد؟ مردم شناخت کمتری از شهید بهشتی در زندگیش داشتند ولی پس از شهادتش عنوان سرور شهیدان انقلاب گرفت و چه بجا است این لقب برای این سرور. این بزرگمردی که تا آخرین روز حاضر نشد از خودش دفاع کند. و برای خدا آن همه ناسزاها و گستاخیها و بد-زبانیها و جسارتها و بی احترامیها و دشنامهای دشمنان را بشنود و علی وار سکوت کند. چرا که او خود را به خدا فروخته بود و همه این دردها و زنجها را با قلبی آکنده و لبریز از عشق به الله تحمل کرده و چنان تاب آورده که دشمنان را بهت زده و حیران ساخت، و اگر او را به شهادت نرسانده بودند همچنان ناشناخته میماند.

از یادمان نمیرود آن لبخند و تبسم شیرین که بر لبان مبارکش نقش بسته بود، هنگامی که خبرنگار از او سؤال کرد: چرا روز ۱۷ شهریور ۵۹ یاران رئیس جمهور (آن گمراه نفرین شده غاصب) به شما آن همه توهین و جسارت کردند؟ در جواب فرمود: لابد نظر لطفی به ما دارند. و حاضر نشد آن یاوه گویان از خدا بی خبرا نفرین کند. این سرور شهیدان انقلاب صبر کرد و پایداری نمود و استقامت ورزید که هزاران چکامه و مقاله نمی توانستند استقامت را ترسیم کند یا بسراید و تنها قرآن است که از او و امثال او تجلیل و تقدیر می کند آنگاه که می فرماید:

"إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أُنَّ لَا تَخَافُونَ وَلَا تَحْزَنُونَ وَأَبْشُرُوا"

"يَا لِحَنِّهِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ"

(سوره فصلت - آیه ۳۰)

آنان که گفتند پروردگار ما "الله" است و بر این ایمان پایدار ماندند، فرشتگان بر آنها نازل شوند و مژده دهند که نهراسید و افسرده نباشید و شما را به همان بهشتی که وعده دادند بشارت باد.

استقامت در عین سختی یا لذت است و دل پسند. پایداری گرچه رنج آور است و اندوه بار ولی چون برای خدا و در راه خدا است، برای مردان خدا خوش است و دلخواه. اگر این دریای بیکران فضیلت و تقوی استقامت نداشت امام در باره او نمی فرمود:

"بهشتی یک ملت بود برای ملت ما"

درست است که او مظلوم زندگی کرد و مظلوم به شهادت رسید ولی بگفته امام خاری در چشم دشمنان بود. و مگر آنها می توانستند این خار را با رفتن بهشتی و پیوستن به ملاء اعلی از چشم خود خارج کنند؟! اگر نام بهشتی همچو نام دشمنانش خاموش و پادشاه را زیاد برده بودند این سخن حقیقت داشت ولی آن بی خردان با به شهادت رساندن بهشتی عزیز یاد او را برای تمام نسلها در تاریخ باقی گذاردند. و همین جا است که روایت حضرت رسول (ص) تحقق می یابد که همواره این دین بوسیله فاجرین (و فاسقین) تأیید میشود. همینقدر که ملت دشمن خود را شناخت با هر که آن دشمن بیشتر دشمنی کند، محبت و دوستی ملت با او بیشتر میشود.

بهشتی شهید شد ولی با شهادتش توانست به جامعه ما ایمانی پاک و یقینی بزرگ و تصمیمی آهنین و عزمی راسخ و

ما عمر زیاد نمی کنیم چون دشمن فراوان داریم بنا بر این باید هر چه می توانیم از اوقات زندگی خود را بیشتر در خدمت به انقلاب و امت اسلام صرف کنیم.

شهید منتظری

وحدتی کامل و اتحادی همگانی و استقامتی جاویدان و احساسی رقیق و رفتاری خداگونه و خروشی ممتد و فریادی بلند، بخشد

یادی از شهید محمد منتظری:

سخن از محمد منتظری گفتن برآستی دشوار است چرا که سخن هر چه زیاد و جامع باشد نمیتواند ابعاد شخصیت این تربیت شده امام خمینی و فرزند خلف آیت الله العظمی منتظری را در برگیرد.

او دلباخته خدا و عاشق انقلاب و شاگرد راستین امام و پدر جنبشهای آزادیبخش و استاد انقلابیون و برادر تمام مستضعفین و محرومین و الگوئی از یک مجاهد با ایمان بود. او در پیشبرد انقلاب همانگونه که امام فرمودند سر از پا نمی شناخت و بیش از ۲۰ ساعت در شبانه روز به فعالیت و حرکت مداوم و بی وقفه مشغول بود. او عقیده داشت باید ساعتی خواب و آسایش را به هر نحو کم کرد و به فعالیت پرداخت. او می گفت:

"ما عمر زیاد نمی کنیم چون دشمن"

"فراوان داریم، بنا بر این باید"

"هر چه می توانیم از اوقات"

"زندگی خود را بیشتر در خدمت"

"انقلاب و امت اسلام صرف کنیم"

و چه خوب فهمیده بود.

دشمن تاب تحمل او را نداشت و در کمین بود که او را از سر راه خود بردارد و با به شهادت رساندنش خواست نام او را برباد دهد. و چه کورخوانده بود!

محمد منتظری پس از شهادتش چنان جلوه ای کرد که اگر در ایام حیاتش افراد معدودی او را می شناختند، امروز دنیا در برابر عظمت و شخصیت فوق العاده او سر تعظیم فرود آورده است و دوستان همچنان از نور این آفتاب درخشان کسب نور میکنند و هدایت می جویند و استفاده می برند و دشمنان همواره از خیره خیره نگریستن به این نور الهی کور میشوند و نابود میگردند و این شیوه مردان خدا است که با دوستان



بیش از چهل بهار از عمر پیر برکتش نمی‌گذشت که بدست نوکران افتخاری شیطان بزرگ در فاجعه هفت تیر ۱۳۶۰ در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی همراه دیگر یاران امام خمینی شهادت رسید.

وی در سال ۱۳۳۵ وارد حوزه علمیه قم شد و پس از طی مقدمات و سطح و کسب علم و معرفت از محضر اساتید بزرگ حوزه موفق به حضور در حوزه درس امام خمینی گردید. همگام با تحصیل، از تبلیغ و رفتن به میان مردم و استفاده از منبر و محراب برای ارشاد و آگاه کردن مردم غافل نبود و در حال و هوای افکارواندیشه‌های امام خمینی پرواز می‌کرد و می‌نوشت.

با مؤسسه در راه حق همکاری نزدیک داشت و جزواتی را برای این مؤسسه تهیه می‌کرد در سال ۱۳۴۶ کتاب "اسلام پیشرو نهضتها" را تالیف و منتشر نمود. شهید دارای تالیفات دیگری هم هستند که منتشر نشده است.

این روحانی مبارز نیز همچون دیگر هم‌زمان خود از شر ساواک در امان نبوده و بارها گرفتار این دژخیمان گشت در سال ۵۴ پس از بازگشت از مسافرت خارج (به عراق و خدمت امام هم‌رفته بود) دستگیر و پس از شکنجه‌های فراوان به ۱۲ سال زندان محکوم گردید.

سرانجام با اوج گیری انقلاب از زندان آزاد شده و در مسیر سرنوشتی شاه و تشکیل جمهوری اسلامی به تلاش ادامه داد در اسفند ۵۷ به نمایندگی امام روانه سیستان و بلوچستان و هرمزگان می‌شود و به ایفای نقش در این دو استان آشفته می‌پردازد و سپس به امامت جمعه بندر عباس منصوب می‌گردد و در حل و فصل امور و شکل دادن به پایگاه هوایی و دریایی بندر عباس نقش بسزایی ایفا می‌کند. تا آنکه از طرف مردم به نمایندگی مجلس شورا انتخاب می‌شود ایشان در سال ۵۹ در شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و شورای عالی تبلیغات اسلامی مشغول به فعالیت شد و علاوه بر کارهای شورای تبلیغات و مجلس شورای تشکیل کلاس و تدریس نیز باز نماند و شبانه روز به تلاش مشغول بود. در ۲۲ بهمن ۵۹ یک سفر تبلیغی به کشورهای یمن جنوبی و شمالی، عربستان سعودی، لبنان و سوریه نمود و اهداف انقلاب اسلامی را توجیه و تشریح کرد.

یادشان گرامی و راهشان مستدام باد.



ولی با تلاشهای پی‌گیر خود درخت دشمنی با آمریکا و درخت دوستی با مستضعفین را بارور و بارورتر ساخت و ما باید راه او را دنبال کنیم و در آبیاری این دو درخت کوشا باشیم.

شاید بسیاری از مردم از بعد الهی محمد منتظری کمتر اطلاعی داشته باشند ولی آنان که با او بودند و از نزدیک او را می‌دیدند بخوبی دریافته بودند که او تنها برای خدا کار می‌کند و نظری جز بدست آوردن رضای خدا ندارد.

یکی از دوستان می‌گفت:

"شب محمد منزل ما بود. نیمه شب گذشته بود که حرکتی در دل شب مرا بیدار کرد. برخوادم ببینم چه خبر است؟ در کنار آشپزخانه دیدم زیلوئی فرش شده و سری به سجده رفته است، و در آن هنگام که چشمها خواب و صداها خاموش و سکون و سکوت کاملی فضا را پر کرده است، پرده سکوت شب به آهنگ دلنشین مناجات و راز و نیاز محمد منتظری با خدای خود، دریده شده و فضا را چنان روحانیت و معنویت بی‌بخشیده بود که مرا نیز منقلب کرد. پس از نماز متوجه من شد و با ناراحتی گفت:

(من نمی‌خواستم کسی از حالم با خبر شود ولی الان که سر من نزد تو فاش شد، راضی نیستم تا زنده‌ام با کسی در میان بگذاری) "

مهربان و با دشمنان شدید و بی رحم "اَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ" و شهید محمد منتظری در حیات و پس از شهادت چنین بود.

این مختصر گنجایش ذکر مبارزات اوچه در رژیم سابق و چه پس از انقلاب را ندارد و این را باید تاریخ نویسان با دقت بررسی و تحلیل کنند و در تاریخ ثبت نمایند ولی تنها چیزی که می‌توان گفت اینست که: او دشمن درجه یک آمریکا حساب می‌شد و آن قدر در تضعیف خط آمریکا پس از انقلاب کوشید که یکی از نتایج آن بالا رفتن سطح آگاهی مردم و سپس تسخیر لانه جاسوسی بوسيله دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بود.

آنقدر دشمنان قسم خورده انقلاب از او صدمه دیدند که حتی تاب شنیدن سخنان او را هم نداشتند و با شایعه پراکنیها و تبلیغات مسموم بالاترین تلاش خود را در تضعیف روحیه او و در نتیجه دورنگهداشتن او از ملت کردند. با این حال میتوان گفت: او به جای ضربه خوردن، پایدار تر و با استقامت تر شد و حملات سهمگین خود را همچون گذشته بر پیکر پلید استعمار و دست نشاندهان و خود فروختگان آن با شدت بی‌بیشتر و صلابتی افزونتر فرود آورد و جنایتها و خیانتهای آنان را بر ملا ساخت. و گر چه خود در این راه رنج بسیار دید



توانستن کفر بر دین اسلام

محارِب

عنوان دوم از عناوینی که دادگاه های انقلاب اسلامی در محاکمه مجرمین مورد تمسک قرار میدهند عنوان محارب است که از طرف شرع مقدس اسلام کیفرهای متفاوتی برای محارب تعیین شده است .

قبل از آنکه وارد مسئله محارب بشویم ، بلحاظ اینکه در سلسله مقالات ما جزای محارب اولین حدی است که در باره آن بحث می کنیم لازم است که در مقدمه مطالبی را متذکر شویم :

۱ - حکمت اجرای حدود و تعزیرات و کیفر های اسلامی و منافع آن در جامعه مسلمین :
از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمودند :

" حَدُّ يُقَامُ فِي الْأَرْضِ أَرْكَبِي فِيهَا مِنْ "
 " مَطَرٍ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَأَيَّامَهَا "

(وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۲۰۸ خبر ۲)

حنان بن سدید میگوید امام باقر فرمودند :
یک حد الهی که بوسیله آن مجرمی در روی زمین کیفر میشود برای پاکسازی و حیات جامعه و تزکیه آن از جهل شبانه روز باران مفید تر و بهتر است . .

عبدالرحمن بن الحجاج نقل می کند که امام کاظم (ع) در تفسیر آیه شریفه :

" يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا "

(زنده میکند خداوند زمین را پس از مردنش) فرمودند :

" لَيْسَ يُحْيِيهَا بِالْقَطْرِ وَلَكِنْ يَبْعَثُ اللَّهُ "
 " رَجُلًا فَيُحْيِيونَ الْعَدَلَ فَتُحْيِي الْأَرْضَ "
 " لِأَحْيَاءِ الْعَدْلِ وَالْإِقَامَةَ الْحَدِّ فِيهَا نَفْعٌ "
 " فِي الْأَرْضِ مِنَ الْقَطْرِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا "

(وسائل ج ۱۸ ص ۳۰۸ خبر ۳)

یعنی : مراد این نیست که خداوند با قطرات باران زمین را زنده میکند لکن منظور این است که پروردگار مردان بزرگی را بر-

حجه الاسلام والمسلمین موسوی تبریزی

داستان کل انقلاب اسلامی



انگیزته میکند و آنان عدالت و آثار آن را در روی زمین احیاء میکنند و زمین با احیاء عدالت زنده میشود و یقیناً اجرای حدود در روی زمین از چهل روز متوالی باران مفیدتر و بارورتر است .

از رسول الله (ص) نیز نقل شده است که فرمودند :

" سَاعَةُ اِمَامٍ عَادِلٍ اَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ "
 " سَبْعِينَ سَنَةً وَ حَدْ يُقَامُ لِلَّهِ فِي - "
 " الْاَرْضِ اَفْضَلُ مِنْ مَطَرٍ اَرْبَعِينَ صَبَاحًا "

(وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۳۰۸ خبر ۵)
 یک ساعت حکومت امام و رهبر عادل (که عدالت را در روی زمین میگسترند و احکام حیات بخش اسلام را اجرا میگذارد و مردم را با الهام از قرآن رهبری میکند) از عبادت هفتاد سال بهتر است و یک حدی که در روی زمین اجرا میشود از باران چهل روز برتر است . و امثال این روایات در فوائد و فضیلت اجرای حدود الهی و آثار آن در جامعه و در خصوص فرد مجرم بسیار زیاد است . ما یک روایت نیز درباره فائده اجرای حد در خصوص مجرم نقل میکنیم و سپس بتوضیح مطلب میپردازیم :

" عَنْ حَمْرَانَ قَالَ : سَأَلْتُ اَبَا جَعْفَرٍ (ع)
 " عَنْ رَجُلٍ اُقِيمَ عَلَيْهِ الْحَدُّ فِي الدُّنْيَا
 " اَيُّ اَقْبَابٍ فِي الْاٰخِرَةِ ؟ فَقَالَ : اللّٰهُ اَكْرَمٌ
 " مِنْ ذَلِكَ "

(وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۳۰۹ خبر ۷)
 حمران میگوید از امام باقر علیه السلام سؤال کردم : کسی که در باره او حد الهی اجراء شده است و در دنیا به کیفر گناه خود رسیده است آیا در روز قیامت نیز مجازات میشود ؟ حضرت فرمودند : خداوند بزرگتر و مهربانتر از این است که دو باره روز قیامت او را مجازات کند .

پرواضح است که وقتی جزای اعمال بد و گناهان در روز قیامت بوسیله اجرای حد در دنیا ساقط شود چقدر برفع خود مجرم است چرا که مجازات دنیوی محدود و ناچیز است در حالی که عقاب اخروی ابدی و نامحدود و دردناکتر است .

توضیح مطلب : اسلام دو راه را برای تزکیه و پاکسازی مجامع انسانها و اصلاح آنان از آلودگیها و پلیدیها پیش گرفته است :
 یک راه که نسبتاً دراز مدت است ، راه ارشاد و تعلیم انسانها و تربیت آنان با اعتقادات و اخلاقیات اسلامی و تقویت ایمان و تقوی در قلوب مسلمین تا بوسیله ایمان قوی و تقوی و خوف از عقاب اخروی دنبال گناهان و آلودگیها نروند و از ظلم و زور و خیانت اجتناب کنند . قرآن کریم در آیات متعددی هدف و حکمت ارسال و اعزام انبیاء راهمین مسئله ذکر کرده است و در آیه شریفه ۱۶۲ -
 سوره آل عمران میفرماید :

" لَقَدْ مِّنَ اللّٰهِ عَلٰی الْمُؤْمِنِيْنَ اذْبَعَتْ "
 " فِيْهِمْ رَسُوْلًا مِّنْ اَنْفُسِهِمْ يَتْلُوْا عَلَيْهِمْ "
 " ۳ یا ته و یزگیهیم و یعلمهم الکتاب و الحکمه "
 " و ان گانوا من قبل لفي ضلال مبين "
 خداوند منت نهاد بر مؤمنین که از خود آنان رسولی را مبعوث نمود که بخواند برای آنها آیات الهی را و پاکسازی کند قلوب و اجتماع آنان را و تعلیم دهد کتاب و دانش های محکم را برای آنان اگر چه قبلاً در گمراهی آشکار بودند .

و همینطور آیه ۱۲۹ سوره بقره که حضرت ابراهیم در دعای خویش در زمان بنای کعبه از خداوند میخواست و میگوید :

" رَبَّنَا وَاَبَعْتَ فِيْهِمْ رَسُوْلًا مِنْهُمْ يَتْلُوْا
 " عَلَيْهِمْ آيٰتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰبَ وَ
 " الْحِكْمَةَ وَ يَزِيْجُهُمْ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ "

و آیه شریفه ۱۵۷ سوره اعراف که در تعریف پیامبر اسلام و برنامه های ارشادی و اصلاحی ایشان چنین میفرماید :

" الَّذِيْنَ يَتَّبِعُوْنَ الرَّسُوْلَ النَّبِيَّ الْاُمِّيَّ
 الَّذِيْ يَجِدُوْهُ مَكْتُوْبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ
 وَ الْاِنْجِيْلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوْفِ وَ يَنْهَاهُمْ
 عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبٰتِ وَ
 يَحْرِمُهُمْ عَلَيْهِمْ الْخَبٰثٰتِ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ
 اَصْرَهُمْ وَ الْاَغْلٰلَ الَّتِيْ كَانَتْ عَلَيْهِمْ "

آنان که پیروی میکنند از پیامبر و رسولی که امی است (مکتب ندیده و درس نخوانده و با اهل ام القری یعنی مکه است) ، کسی که

اوصاف او را در کتابهای آسمانی تسوره او و انجیل خوانده اند و شناخته اند ، آنان را به پاکترین و بهترین عملها ، راهها و انتخابها هدایت میکنند و او را میسازد و از زشتیها و فسادها و مضرات اجتماعی و فردی نهی مینماید و پاکیها را برای آنان حلال و پلیدیها و فسادها را حرام میکند و زنجیرهای اسارت از هر نوع که باشد از پشت آنان بر میدارد و آنان را از محاصره قدرتهای شیطانی طاغوتیان و زنجیر هوای نفسانی درنده و غرائز سرکش نجات میبخشد .

و روایات و آیات زیادی که در این زمینه وارد شده است به علاوه رفتار و روش خود رسول الله و ائمه اطهار علیهم السلام که همگی دلالت میکنند بر اینکه : مرحله اول و اصیل در اسلام و اهداف و روشهای اولیاء خدا اصلاح مردم و پاکسازی جوامع بشری بوسیله ارشاد و تعلیم و تربیت است و از این طریق است که انسانها می توانند سیر تکاملی الهی خود را ببینند و بر نفس و غرائز خود غالب آیند و ریشه ظلم و فساد و زورگویی و قدرت نمائی و قدرت طلبی و استثمار و استعمار برچیده شود و تنها مردم بسوی گناه نروند که از ارتکاب گناه نزد وجدان خود شرمند و باشند و احساس ناراحتی و ناامنی و شرم و خجلت کنند .

ما بایک سیر مختصر در حالات اصحاب رسول الله و ائمه اطهار علیهم السلام میبینیم که اصحاب خاص آنان ، آنچنان ساخته شده بودند که بسوی گناه نمی رفته و آلوده نمیشدند و اگر اتفاقاً یکی از آنها لغزش پیدا میکرد و به گناه آلوده میشد ، خواب راحت نداشت تا اینکه خود را به پیشگاه رسول الله و یا امیر - المؤمنین علیها السلام معرفی کند و اعلام کند و اعتراف نماید که مرتکب گناهی شده است و از مولی در خواست مجازات کند و کیفر الهی را ببیند و سنگینی حد الهی را در بدن خود احساس کند تا راحت شود و از شرمندگی و خجلت وجدان خود نجات پیدا کند و لذا بیشترین وقت ائمه اطهار علیهم السلام و رسول الله صرف ارشاد و تعلیم مردم میشد و

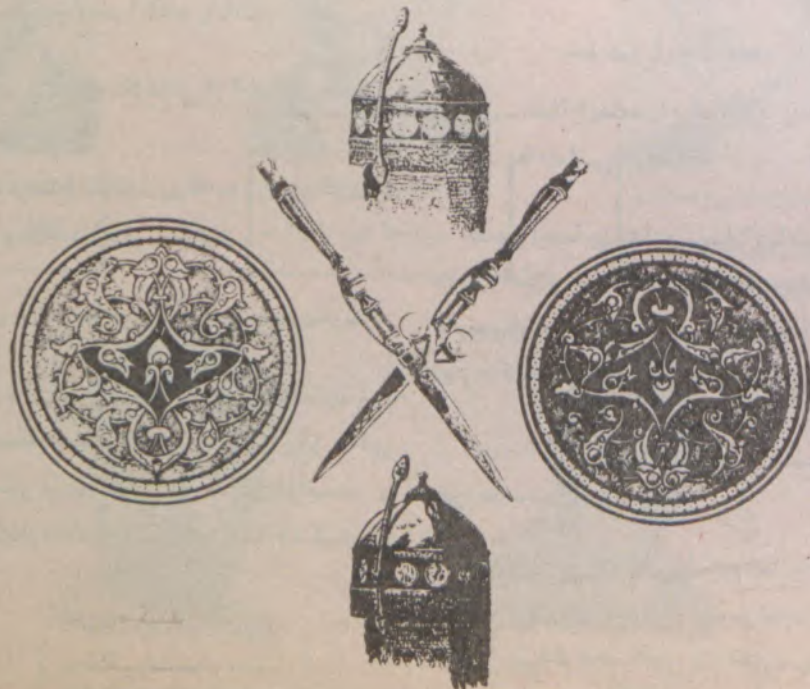
روایات ما از ترغیب و تشویق مردم برای یادگیری و تعلیم و تربیت و تقویت نفس و تهذیب آن و مجاهدت با هواهای نفسانی و ایجاد رابطه مستقیم با خداوند در تمامی حالات برای جلوگیری از گناهان فراوان است.

میشوند، همانگونه که در زمان حکومت ستمشاهی پهلوی بر همگان روشن شد که اکثریت جامعه ما آلوده شدند و افراد صالح اگر میخواهند ارشاد و اصلاح کنند، موانع ایجاد میکردند و جلوی اصلاح را میگرفته و در

با اجرای حدود الهی نقطه های سیاه و فاسد قلبها پاکسازی و قلوب برای اصلاح آماده میشود

راه دوم که راه کوتاه مدت نیز هست، مجازات و کیفر دادن مجرمین است که از این طریق جلوی هوسرانان و زورمندان و استثمارگران و کسانی که با ارشاد قابل اصلاح نیستند باید گرفت و گرنه همین افراد فاسد اگر خود را در جامعه آزاد ببینند و در برابر اعمال قدرت و ظلم و خیانت و فحشاء و منکر آنها سدی نباشد و مجازات نبشوند، طغیان میکنند و به اشتهای فحشاء و منکر در جامعه مشغول میشوند و جلوارشاد و اصلاح مردم را هم از طریق اعمال زور و قدرت و هم از طریق ترویج فحشاء و منکر میگیرند و مردم ارشاد نشده تار ادعی در برابر خود نبینند طبق خواسته غرائز نفسانی خود به سوی گناه کشیده

مقابل تمام امکانات مادی و فرهنگی و تبلیغی را در اختیار فسادگران برای ترویج فحشاء و منکر میگذاشتند: روزنامهها، مجلات، رادیو و تلویزیون هنرپیشهگان خود فروخته و مزدور از داخل و خارج، سینماها و تئاترها، و حتی کتب داستان و رمانها، قلمزنها و مدیحه سرایان، شعرا و طنزنویسها، همه و همه بجز درصد بسیار ناچیزی در اختیار مترقیین و طغیانگران و فسادگران قرار گرفته و برای ترویج فساد و منکر کوشیدند و کار را به جایی رساندند که کثیفترین و بی شرمانهترین عمل را در ماه مبارک رمضان سال ۵۵ در شیراز در ملاء عام از هنرپیشهگان سیاه پوست آفریقا



بنمایش گذاشتند و با کمال وقاحت و بی شرمی اسم آنرا هنر اصیل انسان و یا اصیل ترین هنر انسان نامیدند و بنام فرهنگ و هنر در برابر ملت ما نمایش گذاشتند و با کمال تأسف که بجز عده کمی از علمای بزرگ، آنانکه امروز احساس مسئولیت کرده و در برابر جمهوری اسلامی توطئه میکنند و نق میزنند آن روز لب تکان نداده و گویا آبی از آب تکان نخورده به نماز و روزه و تدریس در حوزه مشغول شدند و در ماه مبارک رمضان گناهی بآن بزرگی در دیدگاه آقایان انجام گرفت و دم بر نیاوردند.

و سرانجام اگر حدود الهی اجرا شود و مجرم به کیفر خود برسد و توأم با مجازات مجرم، فرهنگ صحیح اسلام در جامعه رشد پیدا کند و مردم تبلیغ و ارشاد بشوند، آن افرادی که آلوده نشده ولی استعداد آلودگی دارند بسوی گناه نمیروند و ارشاد و تبلیغ میتواند در قلوب پاک و غیر مسموم آثار خود را بگذارد پس با اجرای حدود الهی نقطه های سیاه و فاسد قلبها پاکسازی و قلوب برای اصلاح آماده میشوند و جامعه با اجرای دقیق مجازات و کیفرهای اسلامی، راه مستقیم و تکامل خود را طی میکند و اینجا است که معنای کلمات ائمه معصومین علیهم السلام روشن میشود که اجرای حد از باران چهل شبانه روز در جامعه بارورتر و مفیدتر است و ما در اینجا به همین مقدار کفایت میکنیم و آثار اجتماعی و روانی اجرای حدود در باره خود مجرم و کسانی که اجرای حد را مشاهده میکنند بسیار زیاد و بحث طولانی دارد که امید است خوانندگان گرامی خود به تحقیق و بررسی بپردازند.

دوم: تعریف حد و تعزیر:

حد در لغت بمعنای منع و مانع شدن است و باعتبار اینکه با اجرای حدود و کیفرهای اسلامی از گناه در جامعه منع میشود و برای گناهکار اجرای حدود مانع بحساب می آید و

داده‌اید چه احساسی دارید؟

— من احساساتی که دارم فقط شرمندهام که چرا فعلا در جبهه کسی را ندارم .

س — آیا اگر اجازه بدهند مقامات مسئول خود شما هم حاضرید بجبهه بروید؟

— من اگر اجازه بدهند حاضرم جان بدهم و حتی برای خودام هم نامه داده‌ام و از ایشان تقاضا کرده‌ام که مرا بجبهه بفرستند، ولی هنوز جواب نیامده استر .

س — شما چه تقاضائی از امام و یا از مقامات مسئول دارید؟

— فقط خواهش من از امام و مقامات مسئول اینست که اجازه جبهه رفتن را کتبا به من بدهند، و اگر لیاقت زیارتشان را هم دارم به من اجازه بدهند که به زیارت امام نائل شوم .

س — چه پیامی برای ملت مسلمان ایران دارید؟

— فقط پیام من به مسلمانان ایران اینست که پیرو خط امام باشند و پاسدار خون همه شهیدان اگر هزاران نفر از ما کشته شود بهتر است از اینکه مایک روحانی را از دست بدهیم .

مصاحبه با پدر شهید

س — شما از اینکه برادران خود را از دست دادید چه احساسی دارید؟

— من احساسی ندارم، زیرا آنها در جبهه و در راه اسلام شهید شدند و ما تا خون در بدن داریم وظیفه خود می‌دانیم که با دشمنان اسلام مبارزه کنیم و آنها را از خاک خود بیرون کنیم .

س — آیا شما هم مایلید مانند برادران خودت بجبهه بروی؟

— بله، حتی چند روز قبل هم بنا بود، لکن مخالفت شد و گفتند تو باید بدرس خود ادامه بدهی، ولی اگر همین الان هم اجازه بدهند حاضرم بجبهه بروم .



تخمس لیسار

س — شما بعنوان مادر شهید اگر مطلبی در مورد فرزندانان دارید بفرمائید:

— بسم الله الرحمن الرحيم . انالله و انالیه راجعون . سلام بر امام ، سلام بر شهیدان راه حق و بر رزمندگان اسلام ، و سلام و درود بر همه مؤمنین . من مادر شهید ، اولین شهیدم بنام مجید ، از کودکی راه خود را ادامه می‌داد و با سن کم کلاسهای قرآن داشت و بچه خوبی بود . در همه راهپیمائی‌ها شرکت می‌کرد و در ضمن راهپیمائی به هدف خود رسید ، و قبل از شهادت ، من خواب دیدم که یکی از بچه‌ها شهید می‌شوند ، و بعد از یک هفته او به درجه شهادت رسید . و اصغر شهید دوم ، در همه راهپیمائی‌ها شرکت می‌کرد ، چه در دوره طاغوت و چه بعد از انقلاب ، و در خانه کلاسهای قرآن داشت و فعالیت زیاد داشت و در بسیج هم شرکت داشت و شبها گشت بود و صبحها زود از خواب بیدار می‌شد و اعلامیه‌هایی که ضد انقلاب پخش می‌کردند جمع‌آوری می‌کرد و بالاخره در تعطیلات شبی که فردای آنروز می‌خواست عازم شود تا صبح خوشحال بود و بالاخره در کرخه نور شهید شد .

و اما شهید سوم ما بنام خدا بخش مدت ۴ ماه در جبهه بود ، وقتی که خبر شهادت برادرش را داده بودند اصلا نگران نشده و گفته بود

خدا این لیاقت رایه او داده و به من نداد ، و بالاخره در جبهه پستان شهید شد .

س — شما وقتی خبر شهادت فرزندانان را شنیدید چه احساسی داشتید؟

— من احساسی نکردم ، ولی شهید سوم را خیلی قرص تر و محکم تر و با استقامت تر بودم و حتی وقتی خبر شهادت فرزند سوم را دادند چون من مریم بودم ابتدا به من نگفتند ، ولی وقتی شنیدم گفتم انالله و انالیه راجعون .

س — شما چه تقاضائی از امام یا مقامات دارید؟

— من فقط تقاضا دارم که به من هم اجازه جبهه و ملاقات امام را بدهند .

س — چه پیامی برای مردم مسلمان دارید؟

— برای مردم اینکه امام را تنها نگذارند و دیگر اینکه جبهه را خالی نگذارند و از دادن شهید نگرانی نداشته باشند ، و روحانیت را تنها نگذارند که مغرضین سوء استفاده کنند .

مصاحبه با پدر شهید

س — شما از اینکه سه فرزندتان را از دست

شهداء



طلبه شهید
امید حسین جانی -



طلبه شهید
سید محمود باقری



طلبه شهید ایوب بهارلی
بدست منافقین تهران



طلبه شهید ذکریا سلامی
گرخه نور



طلبه شهید غلامرضا
شاکر



طلبه شهید عبدالرضا
غافلی رادار دزفول



طلبه شهید حسین
میرزائی کاشانی



طلبه شهید سید احمد
حمیدزاده خونین شهر



طلبه شهید اسماعیل
ناطق بادیه نشین



طلبه شهید سیدرضا
بروگردی دارخوئن



طلبه شهید (بهمن)
حسن اشجاعتی شوش



طلبه شهید علی محمدی
نژاد گرخه نور



شهید حسن باقریان
سرباز



شهید حسینعلی کاظمی



شهید محمد قدیری
پاسدار

وَالْحَسْبُ لِلَّهِ الْقَاتِلُ
وَالْحَسْبُ لِلَّهِ الْقَاتِلُ



شهيد محمد كلبادی



شهيد علی اصغر کاظمی
بسیج - سرپل ذهاب



شهيد
شکر اللہ محمود جانلو



شهيد سيد مرتضى اقتصادی
بسیج - سوسنگرد



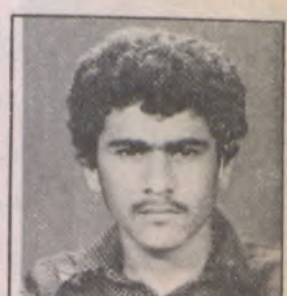
شهيد علی محمد
نوذریان



شهيد ولی الله کرامت
گیلانغرب - فدائیان اسلام



شهيد حسین رحمتی
استوار دوم - جنوب



شهيد حمزه شجاع
فتح الفتوح



شهيد محسن محمدی
بسیج - بستان



شهيد اکبر مشتاقیان
بسیج - فتح المبين



شهيد ناصر محمدی
بسیج - خونین شهر



شهيد غلامعلی مرغوب
سرباز - گیلانغرب



شهيد حمید رضا بلالی
فدائیان اسلام



شهيد علی نقی عظیمی



شهيد علی اکبر پورا خوندي
بسیج - گیلانغرب



شهيد علی اصغر گلپایگانی
بسیج - گیلانغرب



امروز بندگان جبهه میگردانند



شهید قربان بابگی



شهید علیرضا رضی پور
گیلانغرب



شهید مجید علیپور
بسیج - گیلانغرب



شهید سید کاظم موسوی
بسیج - گیلانغرب



شهید نصرالله امینی
بسیج - دب هردان



شهید شعبانعلی مرسلی
سومار



شهید مهرباب نعمتبی
بسیج - جزابه



شهید عبدالعلی شور
سرباز - آبادان



شهید رجبعلی پهلوانی



شهید روح الله یارقلی
سرپل ذهاب



شهید فرامرز یوسفی
سرباز



شهید علی اصغرشم آبادی
بسیج - جزابه



شهید محمود محمودجانلو



شهید محمد سیکرو -
پاسدار رقابیه شوش



شهید جعفرعلی پور
پاسدار گیلانغرب -



شهید رمضان صادقی
آبادان

گزارش از جبهه تیمپه

میاید و چنانچه اشخاصی با مسئولین آشنا باشند برای سبقت در جانبازی پارتی بازی شده و زودتر از دیگران به خط مقدم اعزام میشوند. چون بالاخره کارهای پشت جبهه نیز احتیاج به نیروهای کثیری دارد از این رو در داخل جبههها هر گاه کسی را بخواهند تنبیه کنند تهدید به برگرداندن از جبهه به اهواز مینمایند.

بجز تیمپهای مستقل ولشکرهای سازمانی گوناگون که در ارتش جمهوری اسلامی با توپخانه و کاتیوشا و پدافند و غیره در مناطق جنگی مستقر است، لشکرها و تیمپهای جدیدی از ابتدای جنگ با نیروهای سپاه و مردم تشکیل شده که اسامی برخی از آنها عبارتست از:

تیمپهای مستقل کربلا، امام حسین، المهدی، عاشورا، محمد رسول الله، نور، ۱۷ قم، امام رضا، ثارالله، ۴۶ فجر، نجف اشرف، امام سجاد، ۷ دزفول، المصطفی، علی بن ابیطالب و بیت المقدس و لشکره ۳ زرهی سپاه و قرارگاههای مشترک لشکرهای نصر و فتح و



یا مجروح شدن شناسائی شوند. پس از سازماندهی از پایگاه مستقر در اهواز به پایگاهها و قرارگاههای پشت خط در جبهه و از آنجا بر اساس نیاز جبههها به خطوط مختلف جبهه اعزام میشوند.



برای اولین بار پس از دهها روز تلاش مداوم، پاسدار اسلام مفتخر شد گزارش-گونه‌ای هر چند مختصر از مناطق جنگی جنوب با همکاری بیدریغ همه برادرانی که در تهیه این گزارش ما را یاری کردند- تقدیم خوانندگان گرامی بنماید.

هر چند دوربینهای فیلمبرداری و عکاسی و صدها نوشته و گفتار نمی‌توانند پرده از جنایات بعثیون مزدور غرب و شرق بردارد چرا که جبهه‌های بطول استخبار جهانی- صهیونیسم و آمریکا و شوروی و بعرض دست نشاندگان عراقی و اردنی و مصری و مراکشی و ... را فقط با چشم دل و سر می‌توان مشاهده کرد.

جنگ علیرغم اینکه واژه‌ای است بسیار خشن، لکن بنا به فرموده امام برای مانعیت بود و برکات معنوی اقتصادی سیاسی زیادی در پی داشت. از این رو برای اینکه چهره‌های از جنگ در کربلای خوزستان (همزمان با عملیات بیت المقدس) را ترسیم کرده باشیم از ابتدای ورود نیروها به اهواز شروع می‌کنیم.

نیروهای انسانی آموزش دیده مردمی و عشایر و پاسدار از شهرستانها به پایگاهی بنام منتظران شهادت (گلف) در اهواز اعزام شده و بنا بر احتیاج لشکرها و تیمپها و پایگاههای مختلف بر اساس حق تقدم جذب می‌شوند. به افرادی که برای اولین بار به جبهه آمده‌اند پلاک و کارت شناسائی داده میشود و مشخصات و رسته آموزشی آنها در پرونده (با شماره پلاک و کارت) ثبت میگردد تا بدینوسیله در موقع شهادت

نیروهای فنی و ماهر اعزامی به اهواز نیز از طریق استانداری و ستادهای جهاد سازندگی به کارگاهها و تعمیرگاههای پشت جبهه یا داخل منطقه جنگی فرستاده میشوند که از اهمیت ویژه‌ای در کمک رسانی به پیشبرد سریع حمله‌ها و پیروز بها برخوردار است. از اغلب شهرها از جمله: سمنان اصفهان، نجف آباد، فارس، قم، تهران شیراز، مشهد، زنجان، قزوین، یزد، کرمان، خرم آباد و بوشهر و ... یک واحد

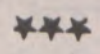
هر لشکر یا تیمپ و گردان آ تشبار با قسمتهای مختلف از قبیل موتوری، لجستیکی، تدارکات و مهمات و اورژانس و پشتیبانی و ذخیره و ... با توجه به موقعیت مکانی در محل‌های مناسب و مستقل مستقر می‌شوند که دارای حصار از خاکریز و سنگرهای انفرادی و اجتماعی می‌باشد. نکته جالب توجه هنگام تقسیم نیروها این است که برای زودتر رفتن به خط، بین نیروها با مسئولین مشاجره لفظی پیشش

ستاد جهاد سازندگی با انواع تجهیزات سنگین به منطقه جنگ اعزام شده است که از رشادت و از جان گذشتگی راننده های ماشین آلات سنگین جهاد در ایجاد دیو و سنگرها باید قدردانی کرد .

آشپزخانه ها و انبارهای اعانات مردم با تامین انواع غذاهای گرم و سرد و میوه و ارسال بیخ و تانکرهای آب با شور و هیجان خاصی (فقط با فرستادن یک صلوات) حلال مشکلات و برطرف کننده نیازهای جبهه ها هستند . از آشپزخانه ارتش ، مستقر در منطقه که برادران بسیجی و پاسدار خود را سرویس میکنند نیز باید تشکر کرد .

مسئول تدارکات لشکر زرهی در باره کمکهای مردم به جبهه اظهار داشت :

" پیروزی مهمی که در این جبهه ها داشتیم مدیون پشتیبانی مردم میباشد . گلیه کمکهای ارسالی مردم به اهواز میرسد و هر واحدی اجناس مورد نیاز خود را از انبار مرکزی دریافت می دارد . هر چه به خط اول نزدیک میشویم امکانات زیادتر است ، حتی در خط مقدم خونین شهر هنگامیکه هنوز دشمن کاملا تسلیم نشده بود اکثر مردم اجناسی از قبیل شربت و کمپوت و بستنی و هندوانه و غذاهای گرم به اینجا آورده بودند و آنقدر فراوان بود که بین اسرای عراقی با آن کثرتشان نیز تقسیم میکردند و مرتب التماس میکردند اجناس آنها (اهدائی مردم) را زودتر تخلیه کنیم "



فرمان شروع حمله از سنگر فرماندهی قرارگاه کربلا مستقر در منطقه با حضور فرماندهان ارتش و سپاه صادر میگردد . خبرها و اطلاعاتی مربوط به جنگ بلافاصله از همانجا به تهران ارسال میشود . ورود شخصیتهای مذهبی و کشوری با تشکیل جلسات دعا و راز و نیاز حالت خاصی به محوطه قرارگاه می بخشد .

مهندس موسوی نخست وزیر و همچنین آیات عظام مشکینی و جنتی و صدوقی و خلخالی و آقای فخرالدین حجازی و دیگر نمایندگان مجلس از جمله شخصیتهایی بودند که برای بازدید عملیاتی بیت المقدس به جبهه های جنگ آمده بودند .

آیت الله مشکینی ضمن مصاحبه با پاسدار اسلام در رابطه با علت حضورشان در جبهه فرمودند :

" جبهه امروز واقعا کربلا و عاشورا است من معتقدم جبهه جنگ حسینی همین جا است منتهی کار ما اجازه نمی داد . پس از مدتی فرصت را غنیمت شمردم و آمدم اینجا که اگر نتوانم سربازی باشم و با دشمنان بجنگم ، حداقل در پشت جبهه دعاگوی آنها باشم . از جبهتی دیگر علت آمدن ما استخراجهای بود که من کردم ، آیهای آمد " و تری الملائکه حافین من حول العرش یسبحون بحمد ربهم و قضا بینهم بالحق و قبل الحمد لله رب العالمین "

که خدا میفرماید فرشتگان را در اطراف مقر سلطنت (عرش) الهی می بینم که دور مقر سلطنت می چرخند و به تسبیح و ستایش مشغولند .

اینجا قرارگاه کربلا را دیدم که واقعا مقر سلطنت توحیدی است زیرا فرماندهان سپاه و ارتش ، روحانی ، طلبه ، نماینده مجلس و اقشار مختلف همه با هم برابر و برادر جمع شده اند و صمیمانه و خالصانه ، هم با خدا راز و نیاز میکنند و هم نقشه و

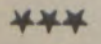


طرح حمله را می کشند و هم به رزمندگان روحیه میدهند . این صفا و صمیمیت برای من دیدنش خیلی پر ارزش بود . "

ساعت " س " نزدیک است همه دلها آکنده از شوق و شغف است . یکی میگوید : من شهید میشوم ، دیگری اظهار میدارد امشب راه کربلا باز میشود و برادری وصیتنامه خود را تکمیل میکند . عده ای نیز با خواندن اشعار مذهبی آرزوی زیارت مرقد امام حسین را میکردند . بالاخره لحظه موعود فرا میرسد ، جناب سرهنگ صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی با وجود اشتغال زیاد در هنگام صرف غذا چگونگی شروع عملیات را چنین شرح دادند :

مرحله اول عملیات بیت المقدس :

" مرحله اول عملیات بیت المقدس با رمز یا علی بن ابی طالب رأس ساعت ۳- دقیقه بامداد روز جمعه دهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ در جبهه بسیار گسترده خوزستان با عبور بیش از ۳ هزار خود رو و هزاران نفر نیروی بوسیله پلهای شناور و قایق و ۰۰۰ از رود کارون بیاری پروردگار یکتا و همت رزمندگان اسلام آغاز شد . با هدفهاییکه پیش بینی شده بود ضربهای مهلک بر پیکر ارتش بعث عراق زده شد ، نیروهای اسلام پیشروی خودشانرا از رودخانه تا محور اسفالت (حدود ۲۰ کیلومتر) اهواز خرمشهر ادامه دادند و بسیاری از نیروهای صدام و ساز و برگشان را نابود و بیش از ۳۰۰۰ نفر اسیر گرفتند . همزمان ، عملیات جدیدی در منطقه فکه در ادامه عملیات فتح المبین و در محدوده عملیات بیت المقدس آغاز کردیم که رزمندگان اسلام در ساعت ۳/۴۵ بامداد با به اسارت در آوردن بیش از ۷۰۰ نفر از سربازان عراقی ارتفاعات ۸۲ (آزاد) کردند . "



مرحله دوم عملیات :

آزاد سازی غرب جاده اهواز خونین - شهر تا مرزهای بین المللی بود . دشمن بین جاده تا مرز ، حدفاصل ایستگاه حسینیه و گرمدشت ، کانالی عریض و عمیق حفر کرده بود که وقتی نیروهای ما حمله میکنند داخل آن بیفتند ولی از آنجایی که خدا با ماست هنگام شروع عملیات بیش از ۳۰ - دستگاه تانک و نفربر دشمن در حال فرار در همین کانال افتاد که همان روز اول تخلیه و برای استفاده از آن به خط مقدم فرستاده شد . در قسمتهای دیگر نیروها تا مرز پیشروی کردند و حتی چندین کیلومتر دشمن را در داخل خاکشان تعقیب نمودند و پس از ضربه زدن و منهدم ساختن خودرو - های دشمن به مرز باز گشتند و پدافند کردند و خصم زبون با خفت و خواری و بجای گذاشتن انواع تجهیزات سبک و سنگین و زرهی بعد از حدود ۲۰ ماه اشغال این مرز و بوم به خارج مرزها رانده شد .

هنوز شمال جاده در محدوده پادگان حمید و جنوب آن تا نزدیکی خرمشهر اشغال است و فقط حدود پنجاه کیلومتر از وسط جاده اهواز خرمشهر آزاد شده است . دلاوران اسلام با ۱۵ کیلومتر پیشروی از جاده خونین شهر تا مرز بین المللی دشمن را حتی در سنگرها پشان غافلگیر نموده و فرصت فرار را از ایشان سلب کرده و صدها نفرشان را به سزای اعمالشان رساندند . متجاوزین یعنی تصور میکردند با ساختن صدها سنگر بتونی ضد می توانند برای همیشه در سرزمین شهید پرومیران بمانند ولی با بجای گذاشتن حتی بعضی از خود - روهای روشن ، کشته شده یا فرار کردند . هواپیماهای دشمن بدون هدف با ارتفاع کم بیابان را بمباران میکردند و اجساد و سنگرهای از دست رفته خودشانرا حتی به رگبار می بستند . بوسیله پدافند پایگاه علی بن ابیطالب در شرق جاده خرمشهر یکی از هواپیماهای میگ مورد هدف قرار گرفت و سقوط کرد (و به دهها هواپیمای سقوط کرده موجود در منطقه پیوست) خلبان آن که سعی داشت داخل خاکریزهای خودشان فرود آید با شلیک چند تیر - رزمندگان بناچار داخل خاکریزهای خودی فرود آمد . مسئله قابل توجه هجوم صدها خودرو و نفر از نیروهای خودی بطرف محل سقوط خلبان با وجود آتش متداوم دشمن بود سرانجام خلبان را در هوا دستگیر نموده و به پایگاه بردند که در بازجویی های اولیه اعتراف کرد : " سیزده بار فقط برای کوبیدن این پایگاه آمده است " و از آنجایی که فاقد معنویت هستند هیچیک از بمبها

به هدف نمی خورد و به اطراف خاکریزهای پایگاه اصابت میکرد .



و تراورسها و حتی شنهای خط قطار اهواز - خرمشهر توسط مزدوران بعضی غارت شده و برای سنگر سازی از آن استفاده میکردند البته سنگرهای سربازان عادی خیلی ساده



مرحله سوم عملیات :

در شمال خونین شهر یعنی در منطقه مرزی شلمچه و برای محاصره کامل خونین شهر بود که با موفقیت انجام شد و بدنبال ترس و وحشت شدیدی که سرپای دشمن را فرا گرفته بود از پادگان حمید و هویزه در قسمتهای جفیر و کوشک تا حدود مرز عقب رفتند و پایگاه مرزی بدست قوای اسلام افتاد . (۱)

قسمت اعظم جاده از اهواز تا نزدیک خونین شهر آزاد شد و قسمتی از جاده در ۳۰ کیلومتری اهواز که بریده شده بود بوسیله صدها کمپرس ماکادام و شن آماده توسط جهاد سازندگی سمن تعمیر شد و بلافاصله تردد خودروهای حمل تدارکات و غیره پس از ۱۹ ماه اشغال آغاز شد . ریلها

بنظر میرسید در صورتیکه سنگرهای فرماندهی و بعضیون با رنگ آمیزی کاغذ دیواری نیز تزئین شده بود .

پادگان حمید و شهر هویزه ، انسانرا به یاد هیتلر و مقول و چنگیز میانداخت ولی صدام روی آنها را هم سفید کرده بود . در هویزه فقط یک مسجد و یک ساختمان مخروبه سالم بود ، تنها به خراب کردن شهر اکتفا نکرده بلکه با بلدوزر روی خرابه هارا مسطح کرده بودند و از آن بعنوان تپه های مسلط بر اهواز استفاده مینمودند . در لای بلای آوارها ، گوشه های یخچال و بخاری و گمد لباس و گهواره و وسائل خانه دیده میشد همچنین میدانهای مین و سنگر های تیربار حد فاصل هویزه تا سوسنگرد را فرا گرفته بود .



عکس روبرو یک سرباز عراقی از اهالی بصره بنام ابوحاتم را نشان میدهد که ضمن تسلیم خود ، اطلاعاتی در باره یک حمله نیروهای دشمن را به رزمندگان اسلام میدهد ، ولی بلافاصله بعنوان اسیر به تهران اعزام میشود . چند روز بعد که بمک اطلاعات این جوانمرد مسلمان عراقی حمله دشمن دفع میشود و صحت گفتارش به ثبوت میرسد وی را آزاد میکنند و مستقیماً به آبادان برمیگردند و در شگستن حصر آبادان شرکت نموده و جزء ۸ نفر داوطلبی بود که با رفتن روی مین و باز نمودن راه عبور رزمندگان اسلام شهید میشود . روحش شاد و یادش گرامی باد ."

(۱) قسمتی از یک سند (پیام صدام) در این رابطه :

استدعایم از اینکه زمینی را به اراده خودتان (۱) ترک می کنید احساس تلخی و مرارت نکنید چرا که این عقب نشینی طبق برنامه است و البته ما به شما نگفته بودیم و هیچ گاه در ذهن شما خطور نمی کرد که این زمین را برای خود نگه دارید . ما مکرراً اعلام کردیم که این زمین را زمین های دیگر را که گرفتیم فقط بخاطر این بوده است که از سرزمین و ملت خودمان دفاع کنیم (۱) .

صدام حسین
القائد العام للقوات المسلحة
۱۹۸۲ / ۳ / ۲۹
فی
احمد بغداد
هيئة التوجيه السياسي
الفرقة المدرعة المشهورة

مرحله چهارم عملیات :

ساعت ۱۰/۵ بعد از ظهر روز شنبه ۶۱/۳/۱ آغاز شد و تا ۴۸ ساعت بعد درگیری و پاکسازی و تسلیم اسرا ادامه داشت تا نکها و نفربرها در قسمت غرب خونین - شهر با آتش شدیدی وارد عمل شدند . و همراه با نیروهای پیاده استحکامات دشمن در خونین شهر را نابود کرده و داخل شهر شدند . جای زخمی ها و شهدا سریعاً با نیروهای ذخیره پر می شد . یکی از فرماندهان میگفت در عملیات بیت المقدس چند بار گردانم متلاشی شد و مجدداً در عرض زمان کوتاهی سازماندهی می یافت .

شکستن دیوارهای آهنین و آتشین دشمن و عبور از زردهای سیم خاردار و انواع مینها و تله های انفجاری و منطقه ای که دشمن ۲۰ ماه روی آن کار کرده و جاده کشی کرده بود ، علاوه موانعی از قبیل رود کارون و قسمت های آبگرفتگی و باطلات و سازماندهی دقیق لشکرهای پیاده و زرهی ، شکست دشمن در این عملیات بدست رزمندگان اسلام شوخی نبود و خدای ناکرده کسی فکر نکند که شهدای ما بی تجربه بودند و بی جهت شهید شدند . منطقه عجیب و پنج برابر وسعت عملیات فتح المبین بود . بالاخره شهری که در ابتدای جنگ ۲۴ روز مردم با دست خالی در آن مقاومت کردند این بزدلان عامل دست صدام و آمریکا ظرف چند ساعت متلاشی و تسلیم شدند و خونین شهر آزاد شد



وانت ها و کمپرسی ها و اتوبوسها مشغول تخلیه اسرا به پشت جبهه بودند . وسائل نقلیه و سلاحهای بغنیمت گرفته شده و خود-

قطع شده بود و اکثر قسمت بالای درختان پریده بود . گمرک ، انبارهای تجارستی و دولتی ، غارت و به آهن پاره تبدیل شده بود . ظهر دوشنبه ۶۱/۳/۳ رزمندگان اسلام در مسجد جامع خرمشهر دسته جمعی اذان گفتند و برای اولین بار برادر موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران در آنجا سخنرانی کرد .

بکمک دلاوران نیروی دریائی و ارتش جمهوری اسلامی بلافاصله در حوالی پل منهدم شده خرمشهر - آبادان پل های شناور ایجاد و ارتباط با آبادان برقرار شد . حجه الاسلام خلخالی در مصاحبه ای با پاسدار اسلام در جبهه های جنگ علت حضورشان را چنین گفتند :

"من هر وقت پیروزی رزمندگان اسلام را می شنوم در هر جگه که باشم دلم برای جبهه پر می زند و با اینکه کار متراکمی داشتم خودمان را به جبهه رساندیم . وی افزود ما در یک موقعیت ممتازی هستیم و امروزه جهان این معنی را درک میکند و لذا می بینیم که عراق با تبلیغات ، ارتش و ملت خود را دعوت به استقامت میکند و شما ملاحظه میکنید که بیش از صدها نفر از افسران عالی رتبه و فرماندهان اینها اسیر گشته اند ولی در واقع تسلیم شده اند "



وقتی لطف خدا شامل حال یک ملتی میشود . و نور ایمان در قلوب رزمندگان اسلام تبلور پیدا میکند . ستون آهنین دشمن که به انواع سلاحها مجهز هستند بوسیله چهار نفر آر - پی - جی زن با ایمان در هم می شکنند یا گلوله ها و موشکهای ما با یاد خدا به هدف می خورد و مستقیماً تانک یا سنگر دشمن را منهدم می کند یا دو نفر



روهای خودی رفت آمد در خرمشهر را مشکل کرده و ترافیکی سنگین تر از ترافیک تهران ایجاد شده بود . خاکریزها و سنگرهای منهدم شده و اجساد بعشیان و انبوه مهمات ، پیاده روهوا و بلوار - های شهر را اشغال کرده بود . نخلهای خرما در نقاط متفاوت نیز توسط این جانیان

بسیجی هزار نفر اسیر را هدایت می کنند و یا خمپاره ای در وسط جمع نماز گزاران در حال نیایش زمین می خورد و حتی یک نفر هم مجروح نمی شود . نه صدام ، بلکه اربابان او هم نمی توانند بر چنین ملتی غلبه پیدا کنند . فرماندهی یکی از گردان های تیپ نجف

اشرف میگفت :

"در شب اول حمله خرمشهر وقتی یکی از برادران شهید شده بود از فرط خستگی در حالی که گوشی بیسیم در دستم بود خوابم برد ، در خواب دیدم همان برادر شهید به اتفاق چند آقای خوش صورت در کنار یکدیگر نشسته اند . از وی پرسیدم پس امام زمان کجاست که ما او را در جبهه ها نمی بینیم ؟ اشاره کرد به بغل دستش و گفت : آقا امام زمان مقابل تو همینجا نشسته است . با حالت شوق آمیز پرسیدم پس سربازان شما کجا یند که بکمک ما بیایند ؟ امام اشاره ای به همان رزمندگان کرده و فرمودند سربازان من همین افرادی هستند که دارند می جنگند "

یکی از شبها در خط حسینیہ قبل از مرحله دوم عملیات بیت المقدس هنگامی که آتش دشمن سنگین بود و از هر طرف گلوله های توپ و خمپاره بزمین می خورد ، یک گلوله توپ در تجمع کامیونهای حامل موشک و مهمات اصابت کرد ولی بخواست خدا کوچکترین خسارتی وارد نشد در حالی اگر یک ترکش به گوشه ای از این مهمات می خورد صدها نفر کشته و زخمی و میلیونها تومان زیان به ما میرسید .



غنائم جنگی :

برادر جعفری فرمانده لشکر ۳۰ زرهی سپاه پاسداران در باره چگونگی بدست آمدن غنائم چنین اظهار داشت : به لطف خدا و تحقق فرموده آیت الله العظمی منتظری که "سپاه پاسداران باید به سلاح سنگین مجهز شود" کارمان را شروع کردیم . با بدست آوردن غنائم زرهی از حصر آبادان در عملیات طریق القدس (بستان) وارد عمل شدیم و بعد از عملیات فوق بکمک برادران مسئول ، تشکیلات تیپ ۳۰ زرهی پایه ریزی شد . با سازماندهی برای عملیات فتح المبین (شوش و سایت) در سراسر منطقه از عین خوش تا درفول و شوش و رقابیه وارد عمل شدیم . در

عملیات فتح المبین با غنائم بسیار زیاد بدست آمده در حد یک لشکر شد و پس از عملیات بیت المقدس از حد یک لشکر هم گذشت.

سازماندهی لشکر متناسب نیاز جبهه ها صورت گرفته و در ضمن یک سازماندهی خوبی برای نیروهای پیاده بوده و هست. فعالیت نیروهای ما علاوه بر شرکت در عملیات، در نقاط پدافندی نیز بوده است و ادوات زرهی ما در سراسر جبهه های خوزستان هم دوش نیروهای رزمنده در خط مقدم نقش بسزایی داشته است. بخصوص در عملیات بیت المقدس و خرمشهر که در بدترین و دشوارترین شرایط فعالیت زرهی این لشکر در بین نیروهای پیاده و فرماندهان مشهور و نمونه بود و هر جا که لازم می شد و یا فرماندهان درخواست میکردند سریعاً ظرف چند ساعت نیروی لازم را با ساز و برگ کامل وارد عمل میکردیم.

در حمله ها غنائمی که بدست ما میافتد چند نوع است: یک نوعی هست که خود عراقی ها در اوائل حمله روشن گذاشته و میروند که بوسیله افراد آموزش دیده و آماده ما همانجا مورد استفاده قرار میگیرد. یک نوعی هم خراب شده یا در داخل کانالها و باتلاقها می ماند که (به پشت جبهه) با کبرشکن به تعمیرگاه لشکر منتقل میشود. تعدادی از دستگاهها همانطوری که داخل سنگرها هست و نیروهای ما آنها را غافلگیر میکنند بغنیمت گرفته میشود برای تخلیه تانکها و زره پوشها حتی از خود عراقیهای تسلیم شده استفاده کرده و بعد از رساندن به پایگاه اسیرشان میکنیم برای نمونه فقط در یک با تلاق بیش از ۷۰ تانک سالم با همت برادران تخلیه شد. ولی یک چیزیکه قابل توجه هست و از نظر عملیات نظامی خیلی مهم است این است که: "تا حالا هر جایی که ما سر دشمن رفتیم و تانکها را گرفتیم، تانک با بی سیم آماده بکار، گلوله گذاری شده و با موتور روشن بجا مانده، که این نشان میدهد دشمن در تمام عملیات هجومی ما، در حالت آماده باش و با حالات آماده باش مورد حمله ما قرار گرفته و این قدرت و تحرک و شجاعت همراه با ایمان نیروهای ما را نشان میدهد. دشمن تجهیزات خیلی خوبی برای ما بجا گذاشته که ما نیز خیلی خوب بر علیه خودشان استفاده می کنیم."

لازم بتذکر است دستگاههای غنیمتی مورد نیاز ارتش جمهوری اسلامی و نیروی هوایی و جهاد سازندگی را برای بکارگیری به آنها میدهم. انواع ادوات بدست آمده در این حمله ها عبارتند از:

"الف - مدرن ترین تانکهای ساخت روسیه تی ۷۲، تی ۶۲ و تی ۵۵ در حد چندین تیپ کامل و پی ام پی های ۳۰۲ و ۳۰۱ و انواع نفربرهای جدید و خشایار و توپخانه و خودروهای توپدار در حد چند لشکر.

ب - انواع موشکها و موشک اندازهای بن هارت و موشکهای مالیوتکا و موشک -



اندازه های جدید و موشکهای سام ۶ و سام ۷ و سام ۹.

ج - انواع پدافندهای زرهی شیلیکا و دوشیکا و ضد هوایی های ۴ لول و ۲ لول و یک لول و خمپاره اندازه های مختلف و ماشین آلات راهسازی و مهمات لازم برای جنگیدن سالهای متمادی.

نیاز به قطعات یدکی و مستشاران خارجی در کوتاهترین مدت صورت می پذیرد و انشاء الله در آینده مانند ژ - ۳ به همه نیروهای بسیجی و مردمی آموزش سلاح سنگین و زرهی میدهم تا یک مملکت وارثش ۲۰ میلیونی زرهی بوجود آید.

در رابطه با سخنان حجه الاسلام هاشمی رفسنجانی "ما یک تیپ زرهی مجهز با انواع سلاحهای شنی و موشک انداز و نیروهای رزمی پیاده آن آماده کرده ایم که هر موقع دستور بدهند بدون آنکه به ما موریت - های درون مرزی خودمان لطمه ای بخورد برای جنگ با صهیونیست اشغالگر وارد عمل کنیم."

برادر جعفری در پایان افزود: من از طرف همه نیروهای مسلح می گویم. در این ۲۰ هزاران خوزستان که خون پاک و مقدس هزاران هزار شهیدای ما ریخته شده است باید از ورود افراد ضد انقلاب و فاسد جلوگیری شود.



نقش روحانیت در جنگ:

آیت الله مشکینی همچنین در مورد نقش روحانیت فرمودند:

"همه نقش روحانیت (خلاصه میشود در) وجود امام که در رأس روحانیت قرار گرفته و تمام اینها از آثار وجود این مرد بزرگ است که خدا بجا عنایت کرده بعد از وجود ایشان، انصاف مطلب اینست که از روز اول پیروزی هر جا آتش فتنه و فساد پیدا شد در هر گارخانه و مؤسسه و در هر منطقه و شهر و روستا روحانیت بوسیله پند و اندرز و موعظه نقش تعیین کننده ای داشته است.

همچنین روحانیت با حضور مرتب در جبهه و بانثار شهدای زیاد بیش از همه تانکها و سلاحها به رزمندگان روح و نیرو داده است"

آقای فخر الدین حجازی نماینده مجلس شورای اسلامی که هنگام عملیات اغلب در جبهه ها حضور دارند، نظرشان را در مصاحبه با پاسدار اسلام چنین اظهار نمودند:

د - مدرن ترین دستگاههای مخابراتی و میلیونها متر سیم و کابل برق و تلفن و بطور کلی تمام تجهیزات مورد نیاز چند لشکر عظیم زرهی.



عده ای از برادران بسیجی مشغول جمع - آوری مهمات بودند فرمانده آنها بطور عادی با قیافه مشابه به دیگران، برای سر - کشی به منطقه می آید. هنگامی که او را مشاهده میکنند به وی میگویند چرا بیکار ایستاده ای، او نیز دعویشان را اجابت نموده و مشغول کار میشود، آنروز طوسی میشود و فردا میفهمند که ایشان فرمانده خودشان بوده است



به لطف خدا آموزش و تعمیرات ادوات زرهی با نیروهای فنی مردمی و سپاه بدون